صبح صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۷۱ | دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹ | ۲۴ صفر ۱۴۴۲ | ۱۲ اکتبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

با ماسک از خانه بیرون بیاییم

۱۴ جبهه

به بهانه سی‌وسومین سال جاودانه شدن نادر مهدوی و یارانش در خلیج‌فارس

اگر کمونیست بود از او «چه‌گوارا» می‌ساختند

۲ سرمقاله

مهدی سعیدی

از دولت کار و تلاش بخواهید

۲ نگاه

فرهاد مهدوی

شایعات دلفینی

۱۲ مجازستان

نوید کمالی

کودکان کار مجازی!

۸-۹ پرونده

حکمت مروری بر سیره و سلوک سیاسی امام حسن(ع) و امام رضا(ع)

بررسی تحولات سیاسی دوران امام حسن مجتبی(ع) در گفت‌وگو با دکتر محمد حسین رجبی دوانی

تحمیل صلح با حربه نفوذ

درس‌هایی از سیره سیاسی امام رضا(ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر خانجانی

کیاست در مقابله با ظالم

رحلت پیامبر اعظم(ص) شهادت امام حسن(ع) و شهادت امام رضا(ع) را تسلیت می‌گوییم

۷ دین

پیامبری که رحمت برای همه عالم است

گفتاری از آیت‌الله جوادی‌آملی

۴ راهبرد

صبح صادق واهی بودن امید کاخ سفید به فشارهای حداکثری بر ایران را بازنمایی می کند

رویای بی‌تعبیر

شماره ۹۷۱ | دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹
صبح صادق

سرمقاله

از دولت کار و تلاش بخواهید

مهدی سعیدی
کارشناس سیاسی

مسئله مواجهه اصلاح‌طلبان با دولت اعتدال به یکی از چالش‌های مهم این اردوگاه در آستانه انتخابات بدل شده است. بدون شک، دولت یازدهم و دوازدهم با حمایت این جریان به قدرت رسیده است. آن روز که عارف با فرمانی از بالا از رقابت‌های انتخاباتی انصراف داد تا حسن روحانی به تنها گزینه رقابتی با اصولگرایان متکثر بدل شود، اصلاح‌طلبان همه سرمایه اجتماعی خود را برای موفقیت روحانی به میدان آورده بودند. در غیر این صورت روحانی حتی ممکن بود به کمرنگ‌ترین نامزد سال ۱۳۹۲ بدل شود.

این حمایت از نامزد اجاره‌ای، هرچند موجب حیات سیاسی جریان اصلاح‌طلبی پس از فتنه ۱۳۸۸ شد، اما به تدریج حواشی و عوارض و معضلات خود را نیز نشان داد. این معضلات در ماه‌های پایانی کار دولت دوازدهم بیشتر خودنمایی کرده است. آنجا که ناکارآمدی سیاست‌های دولت در حل مشکلات کشور و شکست برجام و... به شدت از مقبولیت دولت کاسته است و بسیاری از مردم که به اعتبار مطالبه اصلاح‌طلبان به روحانی رأی داده‌اند، امروز خواهان پاسخگویی ایشان هستند. در این شرایط، به نوعی تشتت آرا در اردوگاه اصلاح‌طلبان حاکم شده است و برای مواجهه با دولت راهکارهای مختلفی پیشنهاد می‌شود.

۱ـ بخش رادیکال اصلاح‌طلب که رفتارهای ساختارشکنانه خود را دنبال می‌کنند، معتقدند اوضاع به گونه‌ای است که ماندن در حاکمیت منافع اصلاح‌طلبان را تأمین نخواهد کرد. بیرون ماندن از قدرت و اتخاذ رویکرد اپوزیسیونی، گویا برای‌شان منفعت بیشتری دارد! لذا پیشنهاد کناره‌گیری رئیس‌جمهور را مطرح کرده‌اند. عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است، حال که امکان کار برای دولت وجود ندارد، چه خوب که رئیس‌جمهور از قدرت کناره‌گیری کند. این پیشنهاد در حالی است که دیگر زمانی تا انتخابات باقی نمانده و استعفای دولت چیزی جز فرار از پاسخگویی و خراب‌تر کردن وضعیت اقتصادی و حتی امنیتی شدن اوضاع کشور به همراه نخواهد داشت. لذا پیشنهاد بیمارگونه‌ای است که نباید از پشت پرده‌های آن غفلت کرد.

۲ـ بخشی دیگر از اصلاح‌طلبان توصیه‌شان به دولت آن است که در ماه‌های پایانی روی به سمت افشاگری آورده و وقت خود را به جای پاسخگویی به رو کردن آنچه پشت پرده سیاست می‌خوانند، مشغول کند. پیشنهاد مشی فوق نیز شگردی مافیایی است که ایجاد تنش و درگیری در کشور و میان فعالان سیاسی را دنبال می‌کند تا در دل این درگیری و هیاهو، مسائل اساسی کشور به فراموشی سپرده شود و دولت از جایگاه پاسخگویی بگریزد.

۳ـ بالا بردن این ادعا که دولت بی‌اختیار است، لذا نیازمند پاسخگویی نیست و باید حمایت کامل شود، رویکرد دیگری است که امثال بهزاد نبوی پرچمدار آن هستند. وی به تازگی در گفت‌وگو با روزنامه «آرمان ملی» گفته است: «دولت در بهترین شرایط ده پانزده درصد اختیارات اداره کشور را در دست دارد. دولت یازدهم و دوازدهم حتی آن ده پانزده درصد را هم نداشته و ندارد... من در چنین شرایطی منصفانه نمی‌دانم دولت را نقد کنم که چرا با گرانی، افزایش قیمت ارز و یا... مبارزه نمی‌کند؟ بهترین دولت‌ها هم در شرایط بحرانی کنونی مخصوصاً شرایط دولت دوم روحانی نمی‌توانند بر مشکلات غلبه کنند. طبیعی است که آقای روحانی هم از این قاعده مستثنا نیست.»

وی اما پاسخ نمی‌دهد که اگر دولت هیچگاه از اختیارات لازم برخوردار نبوده، چرا این جریان سه دهه است که همواره با همه توان برای در اختیار گرفتن قوه مجریه تلاش کرده است؟!

در این میان آنچه مغفول است، مطالبه پاسخگویی است! در حالی که دولت به سال پایانی خود رسیده و هم دولتمردان و هم حامیان وی باید در جایگاه پاسخگویی در برابر عملکرد قرار گیرند، اما این مطالبه عمومی گویی جایگاهی در ادبیات فعالان اصلاح‌طلبی ندارد! نه کسی از پاسخگویی سخن می‌گوید و نه کسی مایل است که کارنامه دولت مورد حمایت این جریان بازخوانی شود!

همین مسئله به نقطه افتراق جدی مردم و این جریان تبدیل شده است که بی‌توجهی به آن کاهش مستمر پایگاه اجتماعی این جریان را به همراه داشته و آثار آن در انتخابات ۱۴۰۰ عیان خواهد شد. این پاسخگویی البته باید با کار حداکثری همراه شود و تلاش کرد تا کار مردم در ماه‌های پایانی رها نشود و انرژی دولت نیفتد. بدون شک کار و تلاش در سال پایانی دولت، از چشمان تیزبین ملت دور نخواهد ماند و آثار و برکات آن را در بهبود وضعیت کشور خواهیم دید.

پیشرو در میدان، جا مانده در رسانه

نگاهی به عملکرد قوه قضائیه در عرصه مبارزه با فساد

فرهاد کوچک‌زاده
خبرنگار

اول قوه قضائیه در سال‌های اخیر برخورد مناسبی با جرم و مجرم داشته است که اطلاع‌رسانی درست و به موقع آن می‌تواند روح امید را در جامعه تقویت و پیام فسادستیزی نظام را به افکار عمومی برساند؛ در سال‌های اخیر قوه قضائیه در موارد زیر ورود و برخود مناسبی داشته است:

زمین‌خواری

دستگاه قضا به ویژه در دوره ریاست حجت الاسلام والمسلمین رئیسی عزم جدی در برخورد با تصرف و تعرض به اراضی ملی از خود نشان داد. در این سال‌ها با بیش از ۱۰۰ مورد زمین‌خواری برخورد شد. قوه قضائیه حدود ۶۰۰ هزار هکتار از مراتع و بیش از ۲۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های مورد تعرض را شناسایی کرد که اکنون و در سیر مراحل قانونی و قضائی به سر می‌برد.

ارز

یکی از تصمیمات بحث‌برانگیز دولت فعلی ماجرای اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی بود. در سال ۱۳۹۷ و در نتیجه سیاست‌های اشتباه بانک مرکزی قیمت دلار افزایش پیدا کرد. دولت برای سامان دادن به بازار ارز ۴۲۰۰ تومانی را عرضه می‌کند؛ اختصاص ارز بدون چارچوب نظارتی مناسب و بدون دستورالعمل‌های مشخص باعث شد تا سرمایه‌های کشور از طریق رانت به افراد واگذار شود. نتیجه این تصمیم اشتباه، ورود دستگاه قضا به این امر شد و تنها در یک مورد افرادی چون؛ جنت‌مکان، کوروش مر، محمدرضا اخوت‌فرد، علی زرنانی، عظیم‌علی اشرفی پیامن و شرکت طرح و نقشه پناهی از طریق فروش ارز دولتی در بازار آزاد به مبلغ ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار به صورت غیرقانونی و کسب منفعت به میزان ۹۶ میلیارد تومان دست یافتند.

احتکارکنندگان

تورم زیاد باعث شد تا برخی از سودجویان و تجار به فکر بیفتند که با احتکار کالا موجبات افزایش هر چه بیشتر قیمت آن را فراهم آورند. در این عرصه نیز قوه قضائیه ورود مناسبی داشت و با محتکران برخورد کرد. سلطان سکه و سلطان خودرو اعدام شدند و با تعداد قابل توجهی از محتکران در زمینه احتکار ماسک، سلطان کاغذ، لوازم بهداشتی، لوازم گرمایشی، لوازم یدکی، شکر، روغن مایع و... برخورد قضائی شد.

مفسدان اقتصادی

در سال ۱۳۹۸ شعب ویژه رسیدگی‌کننده به اخلال در نظام اقتصادی در تهران رأی به محکومیت ۲۶۰ نفر، در خراسان‌رضوی ۳۳ نفر، در فارس ۳۱ نفر، در اصفهان ۳۰ نفر، در هرمزگان ۱۱ نفر، در گلستان و در قم ۳ نفر داد و رأی قطعی محکومیت در مورد آنها صادر شد. پرونده‌هایی همچون محمدهادی رضوی، فروش آزاد گوشت برزیلی، شرکت طرح و نقشه پناهی، حسین هدایتی تنهایی بخش کوچکی از اقدامات قوه قضائیه در این عرصه بود.

دوم با وجود تمام اقداماتی که صورت گرفته است، همچنان بحث فساد، گرانی، رانت و احتکار در سطح جامعه وجود دارد و متاسفانه عامه مردم آنطور که باید اصل مبارزه با فساد را قبول نکرده‌اند و این اصل فهم اجتماعی نشده است. این موضع نشان‌دهنده آن است که صرف برخورد قضائی عامل از بین بردن فساد نمی‌تواند باشد و این نیاز احساس می‌شود که دیگر نهادها به کمک قوه قضائیه بیایند که در ذیل به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

رانت‌هایی که از گذشته وجود داشت

بعضی اقدامات و تصمیمات باعث شکل‌گیری رانت در جامعه می‌شود که ارز چند نرخی یکی از مهم‌ترین آنهاست. در این موارد دولت خود زمینه سوءاستفاده از حق مردم را با ارز چند نرخی برای رانت خواران فراهم می‌آورد. با وجود چنین مشکلاتی به هر تعداد سلاطین اقتصادی اعدام شوند، مشکل حل نخواهد شد و راهکار در اصلاح سیاست‌ها و از بین بردن زمینه رانت در جامعه است.

مدیران فاسدی که سر کار هستند

این افراد هر چند اندک باشند، اما به علت ضربه‌ای که وارد می‌کنند باید مقابله جدی با آنها صورت گیرد و مناصب اجرائی به آنها داده نشود؛ یعنی باید سازوکاری وجود داشته باشد که از وقوع جرم جلوگیری کند، نه آنکه فقط از قوه قضائیه انتظار برخورد داشته باشیم. در این سال‌ها پرونده فسادی از مسئولان رده بالا و منتسبان به آنها هستند که قوه قضائیه با آنها برخورد کرد. در حالی که باید در مرحله اول از ورود و ارتباط‌گیری این نوع افراد در مناصب جلوگیری شود و این موضوع خارج از اختیارات قوه قضائیه است.

برخی از قوانین مشکل دارند

در این موضوع می‌توان به پرونده مربیان فوتبالی اشاره کرد. برخی از نمایندگان وزارت ورزش را مقصر این موضوع می‌دانند؛ زیرا وزارت ورزش ورود درستی در آن نداشت. در این خصوص حجت الاسلام نصرالله پژمان‌فر (رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس) می‌گوید: «با بازیکنی قرارداد بسته شده که این بازیکن اصلاً سلامت نداشته است و وقتی وارد کشور شده، رباط پای او پاره بود و مستقیم به بیمارستان برده شده و در یک سالی که در ایران بوده، بیشتر در بیمارستان بوده است. یک سال آمده، پولی گرفت و رفت.»

سوم قوه قضائیه علیرغم رویکردهای جدیدی که در پیش گرفته در موضوع اطلاع‌رسانی دچار مشکلاتی است. آنها در این سال‌ها اقدامات خود و بازگشت چند ۱۰ هزار میلیارد به بیت‌المال را به طور صحیح اطلاع‌رسانی نکرده‌اند تا موضوع تأکید نظام بر مقابله با فساد و رانت فهم اجتماعی شود. در واقع، همواره در روند رسیدگی به یک پرونده جاروجنجال به پا می‌شود و گاها سیاسیون آن را طیفی و سیاسی می‌کنند. همچنین در قوه قضائیه اطلاع‌رسانی همچنان سخنگو محور صورت می‌گیرد. این موضوع در عصر دیجیتال مانند گذشته اثرگذار نیست. اطلاع‌رسانی عامه‌پسند می‌توان این واقعیت را که نظام اسلامی با فساد تعارف ندارد، به عنوان یک موضوع امیدبخش آن هم در شرایط حساس کنونی در ذهن‌های مردم جا انداخت.

پایان تحریم تسلیحاتی پایان تحریم‌هاست

اکبر معصومی
کارشناس
مسائل بین‌الملل

نخستین جلسه شورای امنیت سازمان ملل پیرامون قطعنامه پیشنهادی آمریکا درباره تحریم تسلیحاتی، هفته قبل (روز چهارشنبه) برگزار شد. برخی از اعضای دائم شورای امنیت، مخالفت جدی خود را با این قطعنامه اعلام کردند؛ اما آمریکایی‌ها، برای قطعنامه پیشنهادی واشنگتن از زمینه‌سازی با دروغ و اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران دست برنداشتند. ۲۶ مهر امسال (۱۸ اکتبر) یکی از کلیدی‌ترین تاریخ‌های مورد اشاره در برجام با عنوان لغو تحریم تسلیحاتی ایران است که آزمون جدی تعهد بین‌المللی در برابر ایران به شمار می‌آید. حال که با اجرای بند مورد اشاره در برجام و بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم تسلیحاتی و به تبع آن کل تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت ساختارمند از بین می‌رود، باید توجه داشت که اجرای سیاست‌های متعدد از سوی آمریکا در جهت ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران، که در طول ۴۱ سال گذشته در قامت جنگ نظامی، جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی تحت عنوان انزوای بین‌المللی و جنگ اقتصادی بوده، حالا به ایستگاه آخر خود رسیده است؛ به گونه‌ای که اگر تحریم نیز کارآیی کامل خود را از دست بدهد، دیگر آمریکا توان مقابله با جمهوری اسلامی را حتی به صورت رسانه‌ای نیز نخواهد داشت. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که سه سال پیش با خروج از برجام، امیدوار بود بتواند مذاکره یک طرفه‌ای در جهت محدودسازی کامل ایران و به تبع آن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران احیا کند، حالا آماده می‌شود تا چند روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، با منقضی شدن همیشگی تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ایران روبه‌رو شود؛ اتفاقی که نشانه‌ای واضح از شکست کامل کارزار فشار حداکثری او در مقابل جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. از سوی دیگر، این هفته که قرار است دبیرکل سازمان ملل در مورد قطعنامه ۲۲۳۱ گزارشی مفصل به اعضای شورای امنیت بدهد، آزمونی سخت برای سازمان ملل در جهت حفظ هویت مستقل خود باشد. فلسفه تشکیل سازمان‌های بین‌المللی که بر اساس تقویت مشارکت همگانی در صلح و ثبات بین‌المللی است، با دیدگاه برابری بین اعضای آن می‌تواند روحیه مشارکت همگانی را جهان بدون ظلم استبداد کارساز باشد؛ از این رو باید توجه شود با مطالعه قانون اساسی آمریکا که کوچک‌ترین قانون اساسی دنیاست، یک بار هم کلمه «برابری» را نمی‌بینیم. کشوری که حتی در داخل خود دنبال برابری و عدالت نیست، بدون شک در تلاش خواهد بود که نهادهای بین‌المللی را نیز تحت تأثیر افکار خود در دست بگیرد. آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که همه فضاهای جهان را برای برتری خود فراهم کنند. نگاه آنها نگاه قلمروگرایی مبتنی بر برتری‌طلبی آمریکاست. حال که تحریم تسلیحاتی علیه ایران به ایستگاه آخر خود رسیده است، با بررسی صنعت دفاعی کشور و دغدغه غرب از پایان آن، نشان می‌دهد برداشت دشمنان کشورمان این است که ایران نه تنها با پایان تحریم‌ها به دنبال خرید آنچنانی تسلیحات نخواهد بود، بلکه بیشتر صادرکننده قوی در این حوزه خواهد بود. اتفاقی که به شدت آمریکا را نگران کرده است. ممکن است این روند پایانی بر سلطه سلاح‌های آمریکا در منطقه نیز باشد و کشورهایی که چندین بار ناکارآمدی سلاح‌های آمریکا از جمله پهپاد گلوبال هاوک را دیدند، دیگر تمایل به خرید تجهیزات تسلیحاتی را از ایالات متحده نداشته باشد. در پایان باید اشاره شود که دستگاه دیپلماسی ما در این زمینه باید فعال شود و به جای دیپلماسی توئیتری، به دنبال اقناع‌سازی و افشاگری از رفتار بی‌ثبات‌ساز آمریکا در جهان باشد.

یادداشت

شایعات دلفینی

فرهاد مهدوی
کارشناس رسانه

شایعات «دلفینی» یکی از شیوه جنگ رسانه است. شایعه و دروغ‌پراکنی در مورد رفتار خشونت‌آمیز با مردم به دلیل امر به معروف و نهی از منکر همچون دلفینی به یکباره سر از آب به در می‌کند و پس از ایجاد دلهره و تشویش و نگرانی تا نوبتی دیگر به زیر آب می‌رود؛ در روزهای گذشته انتشار شایعاتی از دو امام جمعه سبب شد التهاب جدیدی در جامعه ایجاد شود.

اولین حمله به یوسف طباطبایی‌نژاد، امام جمعه اصفهان بود و سپس ابوالقاسم یعقوبی، نماینده ولی‌فقیه در خراسان شمالی؛ به نقل از این دو امام جمعه شایعاتی پخش شد مبنی بر اینکه «زندگی برای زنان باید ناامن شود.»

این سخنان اگر چه با تکذیب دفاتر ائمه جمعه مذکور مواجه شد؛ اما رسانه‌های التهاب‌آفرین چون دنبال اهداف خود بودند هیچ گاه درصدد اصلاح اخبار کذب خود برنیامدند. رسانه‌های عملیات روانی در مرحله بعد شایعات را در کنار عکس اسیدپاشی علیه زنان که در سال‌های گذشته صورت گرفته بود (و هیچ ارتباطی با امر به معروف، سخنان امامان جمعه و مسئولان کشور نداشت) منتشر کردند، جالب است که در کنار گزارش‌ها سخنان پدر یکی از زنان مورد اسیدپاشی قرار گرفته سال‌های گذشته را نیز خطاب به آیت‌الله طباطبایی‌نژاد پخش کردند تا ابعاد عاطفی قضیه را کش بدهند، اهداف این جنگ روانی از این قرار است؛

۱ـ بدبینی نسبت به احکام نورانی اسلام؛ امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزء ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌آید. بر این اساس از ابتدای پیروزی انقلاب و حتی قبل از انقلاب در مورد امر به معروف و نهی از منکر نوعی رفتار بدبین‌کننده از سوی حاکمان جور، ظالمان، ستمگران و افراد فاسد صورت می‌گیرد تا خود در پناه این جنگ روانی به فساد خود با قوت و جسارت بیشتری ادامه دهند.

۲ـ هراس و انفعال اجتماعی؛ در این عملیات روانی دو نشانگاه مورد توجه بوده است تا آنها را به انفعال و عقب‌نشینی بکشاند؛ اولین نشانگاه نیروهای انقلابی و مدافعان اسلام هستند تا به این وسیله آنها را پرخاشگر و خشونت‌طلب معرفی کنند و در موضع انفعالی و سکوت در برابر منکرات قرار دهند. دومین نشانگاه عامه مردم هستند تا اولاً آنها را از هرگونه همراهی با احکام اسلامی بازدارند و ثانیاً از آنها به عنوان وسیله بازدارنده و حفظ‌کننده پایگاه اجتماعی برای اهداف سیاسی است.

۳ـ انحراف اذهان: جریان‌های سیاسی که هیچ گونه دستاورد ملموسی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی ندارند با این جنگ روانی‌ها به دنبال آن هستند که اذهان اجتماعی را از کارنامه به شدت منفی خود منحرف کنند.

موج حمله علیه ائمه جمعه این هفته فروکش می‌کند و هفته آینده، سیرک‌بازها بار دیگر دلفین جنگ روانی را به گونه‌ای دیگر نمایش می‌دهند و مردم را حیرت زده یک نمایش دیگر می‌کنند. تنها راه مصونیت نظام در برابر این بازی‌های رسانه‌ای افزایش سواد رسانه‌ای مردم است.

به بهانه تخریب مدیران جهادی و تلاشگر

رویه‌ای که باید اصلاح شود

حسین چخماقی
خبرنگار

«دوران رقابت‌های انتخاباتی تمام شـده اسـت؛ اما گویا هنـوز عده‌ای این موضـوع را باور نکرده و همچنـان در حال رقابتند.» ایـن جمله، نقل به مضمون گزاره‌ای اسـت که طی سـه سال گذشته بارهـا و بارها آن را از زبان رئیس‌جمهور و معاونان و مشـاوران وی شـنیده‌ایم؛ جمله‌ای کنایه‌آمیز از سوی مقامات دولتی که عمدتاً ناظر بر فعالیت‌های رؤسـای دو قوه مقننه و قضائیه اسـت. کسانی که در سـال ۱۳۹۶ رقبای رئیس دولت فعلی بودند و امروز مسئولیت ریاست مجلس و دستگاه قضا را بر عهده گرفته‌اند. موج جدید تخریبی علیه قالیباف و رئیسی، از چند روز پیش و با توئیت «حسام‌الدین آشنا» مشاور رئیس‌جمهور آغاز شد. آشنا در توئیت خود، سفرهای استانی مقامات عالی‌رتبه کشور را «نمایشـی» و «تبلیغاتی» خواند و با کنایه نوشت: «آیا سفرها را چند ماه زود شروع نکرده‌اید؟» آشنا که گویا سـفرهای استانی رؤسـای مجلس و قوه قضائیه و همینطور بازدید و سرکشی این دو نفر از دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف کشور و هم‌صحبتی بدون واسطه آنها با مردم، به مذاقش خوش نیامد، در فضـای مجازی موجـی را بـه راه انداخت تا اقدامات معمول و مرسوم مقامات عالی‌رتبه کشور را اقداماتی نمایشـی و تبلیغاتی در افکار عمومی جا بیندازد. همه این صحبت‌ها در حالی از سـوی مشـاور رئیس دولت مطرح می‌شـود که آخرین سـفر استانی رئیس‌جمهور به دی ماه سال گذشته، یعنی ۱۰ ماه پیش برمی‌گـردد و در این ۳۰۰ روز، مشکلات زندگی مردم با وجود کرونا و گرانی‌های موجود در کشور، چندین برابر شده است. قالیباف در جایگاه رئیس مجلس طی حدود پنج ماه گذشته، تنها یک سفر به استان خوزستان انجام داده است؛ اما رسـانه‌های نزدیک به دولت، با برجسته کردن همین یک سفر، آن را نمایشی و با اهداف تبلیغاتی عنوان کرده و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای را هم برای گفته خود مطرح نکرده‌اند. از سوی دیگر حجت‌الاسلام والمسـلمین رئیسـی طی ۱۹ ماه سـپری شده از ریاسـتش بر دستگاه قضا ۱۷ سـفر استانی انجام داده است. سـفرهایی که عمدتاً دیدار با قضات و کارکنان دسـتگاه قضا، جلسـه با اعضای شورای اداری استان‌ها، نشست با تولیدکنندگان و همچنین دیدار با خانواده‌های شهدا، بخش‌های ثابت آن به شـمار می‌روند. موج جدید تخریب رؤسای قوای مقننه و قضائیه از سـوی افراد نزدیـک به دولت، پس از حضـور قالیباف در بخش بیماران کرونایی یکی از بیمارسـتان‌های تهران شدت گرفت. آنجا که «معزی» معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور در توئیتی نوشت: «حضور در بخش بیماران بدحال و به همراه بردن خبرنگار و دوربین، نه ایستادن در کنار مردم که بی‌اهمیت کردن سلامت مردم اسـت.» قالیباف که هدف از حضور خود در بیمارستان را شنیدن صحبت‌ها و درددل‌های کادر درمانی و پرستاری و برگزاری جلسه با فرماندهان میدانی مقابله با کرونا در تهران عنوان کرده بود، در جریان این دیدار خطاب به کادر درمانی بیمارستان که از بی‌توجهی‌های چند ماه گذشـته مسئولان به خود گله‌مند بودند، گفته بود: «من به اینجا آمدم تا صحبت‌های شما را از نزدیک بشنوم تا فردا با دست پر در جلسه سران قوا حاضر شوم و مطالبات شما را منعکس کنم.» البته این جلسه که قرار بود با حضور رؤسـای قوا به میزبانی رئیس مجلس برگزار شود، به دلیل آنچه از سوی دفتر رئیس‌جمهور «احتمال ابتلا و انتقال آقـای قالیباف به کرونا در پی حضور میدانی در بخش کرونایی‌های بیمارستان» خوانده شد، برگزار نشد! با این حال، استقبال مردم نسبت به حضور رئیس مجلس در بخش بیماران کرونایی را آنجایی می‌شـد دریافت که تصاویر و فیلم‌های گفت‌وگوی رو در رو، بدون واسـطه و با صراحت لهجه مردم و کادر پزشـکی و پرستاری با نفر اول خانه ملت به سرعت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منعکس می‌شد و بازخوردهای مثبت و قابل اعتنایی در میان طیف‌های مختلف داشت.

در همین زمینه، «محمدصالح جوکار» رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس به «صبح صـادق» گفت: «مسـئولان پر تحرک و کوشـا خصوصـاً در رده‌های بـالای حکمرانی که مورد تحسـین جامعه قرار می‌گیرند، باید الگویی برای سـایر مدیران و مسئولان باشند.» وی با بیان اینکه در شرایط فعلی کشور همه مدیران و مقامات باید با حضور در میان مردم و استماع نقطه نظرات آنها، درصدد رفع مشـکلات جامعه باشند، تأکید کرد: «تبلیغاتی و نمایشی خواندن اقدامات مؤثر مسئولان بخصوص در مواجهه رو در روی آنها با مردم، جفا در حق نظام و انقلاب است.»

در پایان این پرسش مطرح می‌شود که اگر قرار باشد تمام افعال و اقوال مسئولان کشور، با برچسب تبلیغات برای کسب رأی در دوره بعدی انتخابات تفسیر شود، دیگر کدام مسئول می‌تواند قدمی برای بهبود شـرایط کشـور انجام دهد؟ در شرایطی که در تمام نقاط دنیا، مدیران پرتحرک مورد تشـویق و تحسین مردم، گروه‌ها و جناح‌های مختلف قرار می‌گیرند، متأسفانه شاهد هستیم که این مدیران در کشور ما نه تنها از سوی رسانه‌های نزدیک به دولت تحسین نمی‌شـوند؛ بلکه مورد هجمه، شماتت و تخریب نیز قرار می‌گیرند؛ رویه‌ای که باید اصلاح شود و مسئولان دیگر هم از آن الگو بگیرند.

دریچه

تحریم خودتحریمی!

علی‌اصغر رحمان‌نژاد
خبرنگار

کارگروه اقدام مالی یا همان FATF در سـال ۱۹۸۹ میلادی با مشارکت و نظارت قدرت‌های اقتصادی جهـان یا همان گـروه GV و در واقع اعضای پیمان نظامی ناتو تشکیل شده و مقر آن در شهر پاریس قرار دارد. هدف از تشـکیل این سازوکار نظارتی مالی، جلوگیری از تأمین مالی تروریسم، پیشگیری فوری از اقدامات مخرب اقتصادی و مسدود کردن تمامی راه‌های پولشـویی در صحنه مالی جهانی از طریق نظارت مؤثر و مداوم اعلام شده است. در سال‌های اخیر و در پی تحولاتی که در صحنه روابط بین‌المللی میان جمهوری اسـلامی ایران و کشـورهای عضو گـروه ۱+۵ رخ داد؛ طرف‌هـای غربی یکی از پیش شـرط‌های برقراری رابطه عادی کشـورمان با نظام مالی جهانی را تصویب و اجرای تمام و کمال قوانین دیکته شـده FATF از سوی کشورمان قرار داده‌اند. این در حالی اسـت که جمهوری اسـلامی ایران با وجود حسـن نیت و اجرای تمـام و کمال تعهدات خود در صحنه روابط بین‌المللی از جمله قراردادها و موافقت‌نامه‌هایی چون برجام همواره مورد بی‌مهری و بدقولی طرف‌های غربی از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. بنابراین از دیدگاه بسیاری از کارشناسان، هرگونه اعتماد مجدد به طرف‌های غربی در شرایط فعلی و گره زدن اجرای تعهدات برجامی طرف غربی به انجام زنجیره‌ای از تعهدات جدید از جانب طرف ایرانی، منطبق بر عقلانیت سیاسی در صحنه بین‌الملل نخواهد بود. از این رو طی دو سـه سـال اخیر، بحث‌های فراوان کارشناسـی در میان دلسوزان و صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی کشور در باب لزوم اجرا شدن یا نشدن FATF در جریان بوده است و پس از به بن‌بست رسیدن این بحث در میان دولت، مجلس و برخی مسـئولان کشور، با درایت رهبر معظم انقلاب و ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی کشـور، تصمیم گیری درباره این موضوع از جانب کشورمان به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شد. در میانه نظرات مخالف و موافق FATF که اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام داشتند؛ سـرانجام این نهاد تصمیم‌سـاز کلان کشوری، به جمع‌بندی پیرامـون مفید بودن اجرای FATF برای کشورمان نرسـید. بنابراین مصلحت انقلاب، نظام و کشـور در شرایط فعلی در نپیوستن به این فرآیند و سازوکار مالی تشخیص داده شده است. متأسفانه، به تازگی وزیر خارجه کشورمان محمدجواد ظریف طی اظهاراتی اعلام کرده است؛ تصویب FATF را به صلاح کشور و هر نوع سرمایه‌گذاری خارجی را منوط به اجرای آن می‌دانند. بی‌شـک این اظهارات چندین اشکال دارد؛ از جمله اینکه با توجه به حضور افراد و مسئولان با سابقه فراوان اجرایی از جناح‌های سیاسـی مختلف در مجمع تشخیص مصلحت، وقتی این نهاد مهم که در حکم مشـاور رهبر معظم انقلاب در تعیین سیاسـت‌های کلان نظام فعالیت دارد؛ دربـاره نتایج مثبت اجـرای FATF به اجماع نمی‌رسد؛ معنایی جز درک مصلحت‌هایی کلان‌تر از جانب ایـن مجموعه نـدارد. بنابراین اظهارنظر دکتر ظریف به عنوان رییس دستگاه دیپلماسی کشور کمی دور از انصاف اسـت. از سوی دیگر رتبه‌های غیرقابل قبول کشـورمان در سـطح بین‌المللی در زمینه «شـاخص‌های فضای کسـب‌وکار» و «فرار سـرمایه‌های مالی داخلی به کشورهای همسایه»، نشـان‌دهنده نوعـی از سیاسـت‌های غلط داخلی اسـت که ما را دچار خودتحریمی کرده است و در صورت اجرای FATF و بسـته شدن اندک راه‌های دور زدن تحریم‌های ظالمانه غرب، بی‌شـک دچار خودتحریمی مضاعف خواهیم شد!

عکس و مکث

اعجوبـه قرآنـی/ حنانه خانـم خلفی نابغه قرآنی و اعجوبه حفـظ قرآن کریم که در هفت سـالگی، حافظ کل قرآن شـد و امسـال در سن ۱۳ سـالگی موفق به اخذ کارشناسـی و قبولی در کارشناسی‌ارشد شده است. ماشاءالله به این دختر

غم‌خواران؟/ خبرنگار بی‌بی‌سـی فارسـی برای درگذشت استاد شجریان متنی منتشر کرده و نوشته «ای دوست بیا تا قم فـردا نخوریم!» ما چند بار خوندیم با خودمون گفتیم قم که خوردنی نیسـت! شـاید منظـورش غم بوده! البته چه بهمن باشه چه بهاره، این چیزها بی‌سابقه نیست. مثلا این شبکه قبلا معتقد بوده بشار اسد بازیکن پرسپولیس بوده، یا حتی شبکه رفیقشون توصیه‌ای از آیت‌الله بهجت درباره کرونا میده در حالی که ایشان ۱۰ ساله مرحوم شدن!

یعنی یک مرد پیدا نمی‌شـه توشـما؟/ ارتش رژیم اشـغالگر قدس مدتی اسـت از ترس حزب‌الله و وعده انتقام آنها، هیچ‌کدام از نیروهایش حتی پولشون هم لب مرز بیفته، اونجا آفتابی نمی‌شن! اما بالاخره این جوانمردان، یک زن را با ماشین و لباس غیرنظامی به لب مرز فرستاده‌اند تا از وضعیت آنجا فیلم‌برداری کند! نزدیک ۳ ماه است که صهیونیست‌ها در مرز لبنان جرئت هیچ تحرکی نداشته‌اند.

کودک‌گرایی در ادامه همجنس‌گرایی!/ پس از تلاش‌های بسیار انجمن‌های حامی همجنسگرایی برای به رسمیت شـناختن ایـن عمـل غیر اخلاقـی و عادی‌سـازی آن در بین مـردم، جدیدترین برنامـه آنها برای انحطـاط جوامع، عادی‌سـازی علاقه جنسـی به کودکان اسـت! چنین حرکت های خزنده ای تحت عناوین مختلف زنگ خطر را برای انحطاط خانواده به صدا در می آورد!

روزنه

نفرت‌پراکنی علیه سپاه حربه جدید استکبار

سعید پورملائی هریس
هادی سیاسی

جنگ امتداد سیاست است؛ اما با ابزارهای دیگری کـه می‌تواند حتی خشـونت‌آمیز هم باشـد. ایـن کلاسـیک‌ترین تعریفی اسـت که از ماهیت جنگ وجود دارد و در بیشـتر کتب مربوط به روابط بین‌الملل به دانشجویان آموزش داده می‌شود. بنا بر این تعریف، نبرد با دشـمن علاوه بر استفاده از راهبردهای سخت نظامی می‌تواند شامل ابزارهای دیگـری همچون خدعه، فریب، نیرنگ و حتی جنگ روانی نیز باشـد. اگر از چنین دیدگاهی به موج گسترده اتهامات سیاسی و غیر سیاسـی به سپاه بنگریم، به جمع‌بندی آشـکاری می‌رسیم و آن، اینکه این جبهه‌بندی قوی ادامه همان نبرد نظامی با سپاه در قالب جنگ روانی است. در طول سال‌های گذشته و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، سـپاه به همراه سایر دستگاه‌های نظامی و امنیتـی تاکنون با قدرت در مقابل نبرد علیه نظام ایسـتادگی کرده اسـت. از درگیری‌هـای جدایی‌طلبانـه در نواحـی مرزی تا هشـت سـال مقاومت در مقابل تهاجم نظامی ارتش عراق و همچنین همه توطئه‌هایی که در منطقه برای ضربه زدن به ایران اسـلامی شکل گرفته است. با وجود هزینه‌های فراوانی که برای طرح‌ریزی این توطئه‌ها و حملات علیه ایران صرف شده، اما تاکنون کوچك‌ترین موفقیتی برای غرب حاصل نشـده و حتی تحلیلگـران غربی معتقدند این فشـارها به افزایش استحکام نظام ی اسـلامی منجر شده است. به طور حتم بخش مهمـی از این ناکامـی نیز به قدرت و اسـتحکام سـپاه باز می‌گردد. در حوزه داخلی نیز سپاه یکی از بازوهای نظام برای مقابله با مشکلات بوده است. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که بارها در این حوزه آزموده شده، وارد کردن اتهام‌های مرتبط با حوزه مفاسد اقتصادی بوده است. دلیل این مسئله هم حساسیت مردم در مقابل مفاسد این چنینی است. طیف این اتهامات آنچنان گسترده است که تنها می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. یکی از نمونه‌های چنین اتهاماتی بحث قاچاق کالاسـت که عملاً از سوی رئیس دولت دهم نیز در اوج درگیری‌های سیاسی تکرار شد.

اتهام دیگر هم بحـث ایجاد تصاحب تمام پروژه‌های عمرانی کشـور از سـوی قرارگاه سـازندگی خاتم‌الانبیاء اسـت که با توجه به شـرایط توسـعه این پروژه‌ها به هیچ عنوان درسـت نیست. علاوه بر اینکه هم اکنـون دولت بـه قرارگاه سـازندگی خاتم‌الانبیاء صدها میلیارد تومان بدهکار است. شـاید دقیق‌ترین توصیف از جبهه جنگ نرم مقابل سپاه سخنان سردار نقدی، معاون هماهنگ‌کننده سپاه باشد که در این باره می‌گوید: «دشمن به دلیل سیلی‌هایی که از سپاه خورده هر مورد زشت و سوئی را به سپاه نسبت می‌دهد، زلزله آمده می‌گویند سـپاه موشـک زده، پنج‌هزار موشک هم همزمان به یک نقطه بخورد زلزله نمی‌آید، سیل می‌شود می‌گویند کار سپاه است، برای تنفر همه چیز را به سپاه نسبت می‌دهند.» البته با وجود این نفرت‌افکنی علیه سپاه هنوز می‌توان محبوبیت گسترده این نهاد انقلابی را در بین مردم مشـاهده کـرد؛ نقطه اوج آن تشـییع پیکر پاک شهید قاسم سلیمانی بود که با حضور ده‌هـا میلیون نفر از مردم ایران روبه‌رو شد. در این میان، شاید وظیفه جدی‌تر جبهه رسـانه‌ای کشور باشد که با تبیین دقیق‌تر این توطئه به آگاه شدن هر چه بیشتر افکار عمومی کشور یاری برسانند.

انعکاس

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

ترامپ کرونایی

ثمانه اکوان
کارشناس بین‌الملل

ماه اکتبر هنوز تمام نشده است؛ اما به نظر می‌رسد «سورپرایز اکتبر» که گمان می‌رفت اقدامی جالب توجه از سوی کمپین انتخاباتی ترامپ برای تأثیرگذاری بر نظرسنجی‌ها باشد، همان بستری شدن چند روزه ترامپ در بیمارستان به دلیل بیماری کووید-۱۹ است؛ اما این بیماری تا چه حد می‌تواند روی انتخابات و پیروزی ترامپ تأثیر بگذارد؟

تحلیل‌های زیادی در این خصوص منتشر شده و برخی بر این باورند این موضوع احتمال پیروزی او در انتخابات را کاهش می‌دهد، چنانکه تاکنون تغییر محسوسی در افکارسنجی‌ها شاهد نیستیم، اما برخی خلاف این فکر می‌کنند! آنها می‌گویند؛ نبرد ترامپ با کووید- ۱۹ می‌تواند چهره انسانی‌تری به ترامپ بدهد و در ایالت‌های نوسانی که مشخص نیست دقیقاً به کدام نامزد انتخاباتی رأی می‌دهند، می‌تواند باعث رأی دادن زنان حومه شهر به او شود. ترامپ که شخصیتی تهاجمی، سخت، خشن و قلدر دارد، می‌تواند با این بیماری شخصیت نرم و انسانی دیگری از خود نشان دهد و البته مهم‌تر از نظر این دسته این است که شخص ترامپ نیز بر این همین باور است. به همین دلیل در توئیتی از مرکز پزشکی والتر رید نوشت: «میزان عشقی که به سمتم سرازیر شد، باور نکردنی بود.» این روزها در صفحات مجازی طرفداران ترامپ این نوشته دست‌به‌دست می‌شود: «آسیب‌پذیری درباره بردن یا باختن نیست، درباره نشان دادن شجاعت و نمایش دادن کنترل داشتن ما بر روی نتایج است. آسیب‌پذیری ضعف نیست، بزرگ‌ترین معیار برای نشان دادن شجاعت‌مان است.» ترامپ با پذیرفتن بیماری کووید- ۱۹ و اعلام کردن آن به مردم آمریکا نشان داد که او هم آسیب‌پذیر است؛ اما نتایج این بیماری را تحت کنترل خود درآورد و با زود مرخص شدن از بیمارستان و بازگشتش به کار سعی کرد نشان دهد که همچنان خود را شکست‌ناپذیر و تخریب‌ناپذیر می‌داند.

او از این شرایط بهره برد و چهره‌ای آرام و لحنی ملایم از خود نشان دهد، در حالی که تا پیش از این تصور آمریکایی‌ها از ترامپ فردی عصبانی بود که با فریاد زدن و ناسزا گفتن حرف خود را پیش می‌برد.

دموکرات‌ها در مقابل اما چندان هم توجهی به تلاش‌های تبلیغاتی اطرافیان ترامپ برای بیرون آوردن یک قهرمان از این داستان ندارند و بیماری رئیس‌جمهور را نتیجه بی‌توجهی او به علم و مستندات علمی، بی‌خیالی نسبت به وضعیت بحرانی و بی‌مسئولیتی و خودخواهی می‌دانند که باوجود اینکه همچنان ویروس در بدن او وجود دارد، در خیابان‌ها به راه افتاده یا بدون ماسک در کاخ سفید تردد می‌کند. چنانکه «نیویورک‌تایمز» می‌نویسد، مردم باوجود این همه اطلاعات متناقضی که از سوی کاخ سفید و پزشکان منتشر می‌شود، نمی‌دانند ترامپ از چه زمانی این بیماری را داشته یا چگونه حالش در عرض چند روز خوب شده است و یا اینکه آیا واقعاً حالش در شرایط فعلی به‌قدری خوب هست که بتواند سفرهای انتخاباتی‌اش را انجام دهد یا خیر. آنها همچنین نمی‌دانند چه دارویی روی رئیس‌جمهور امتحان شده است و سرنوشت افراد دیگری که به این بیماری مبتلا می‌شوند، اما از مراقبت‌های ویژه ریاست‌جمهوری برخوردار نیستند، برای ترامپ اهمیت دارد یا خیر!

صبح صادق واهی بودن امید کاخ سفید به فشارهای حداکثری بر ایران را بازنمایی می کند

رویای بی‌تعبیر

سیامک باقری
عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

در ماه‌های اخیر، شاهد افزایش مواضع و رفتارهای غیرمنطقی، خصمانه و به ظاهر دیوانه‌وار آمریکا علیه ایران بوده‌ایم. در دور جدید، تحریم‌های صنعت دفاعی، مقام‌های ارشد اتمی و مدیرکل آن و پنج دانشمند هسته‌ای ایران، تولیدکنندگان موادی که کاربرد دوگانه در تولید سلاح بالستیک دارند، تسری تحریم‌های ثانویه به باقیمانده بانک‌های ایرانی که تعدادی از آنها وظیفه انتقال منابع برای خرید دارو و مواد غذایی را به عهده دارند و... بخشی از سرآسیمگی کاخ سفید در وضع تحریم‌ها را نشان می‌دهد. به موازات چنین اقداماتی وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد: «کمپین فشار حداکثری اقتصادی ما تا زمانی که ایران خواهان برقراری مذاکرات جامع جدیدی نباشد، ادامه خواهد یافت.» پس از آن، «الیوت آبرامز» که به جای برایان هوک، نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران منصوب شده است، اظهار داشت: «فشارها هرگز مانند اکنون نبوده. ما این فشار را، همان‌گونه که در روزها و هفته‌های آینده خواهید دید، ادامه می‌دهیم و بدترش هم می‌کنیم.» در عین حال مقامات کاخ سفید تلاش دارند القا کنند که برای مذاکره با ایران آمادگی دارند و ابراز امیدواری می‌کنند که ایران به زودی تسلیم خواهد شد. رفتار کاخ سفید را حداقل از دو منظر باید نگریست. اول اینکه اهداف دولتمردان کاخ سفید در تشدید فشارها چیست؟ دوم اینکه علل ابراز امیدواری کاخ‌نشینان سفید چیست؟

۱ اولین عامل را می‌توان از منظر سطح تحلیل فرد، یعنی بعد شخصیتی ترامپ و تیم او جست‌وجو کرد. کتاب‌های زیادی در خصوص شخصیت ترامپ منتشر شده است. یکی از این کتاب‌ها که کمک‌کننده پاسخ پرسش مزبور است، کتاب «آرون جیمز» با عنوان «بی‌شعورها؛ نظریه‌ای درباره دونالد ترامپ» است. نویسنده می‌نویسد، ترامپ فقط یک آدم بی‌شعور نیست؛ با توجه به بعضی از حرف‌هایش، می‌شود فهمید که او هم یک بی‌شعور و هم یک دلقک لوده است. ترامپ می‌خواهد ارزش خود را به عنوان یک مرد قدرتمند تأیید کند، در مرکز توجه قرار گیرد، و به عنوان مردی شناخته شود که خواسته‌هایش تأمین می‌شوند، تا آنجا که تصورش از خویشتن، به عنوان یک آدم «بزرگ»، «برنده» و کسی که به «موفقیتی عظیم» دست یافته، تأیید شود. کتاب جان بولتون و ادعاهای او یکی دیگر از چندین نویسندگان نزدیک به ترامپ است که ادعای آرون جیمز را تأیید می‌کند.

۲ سطح دوم یا نگاه ثانویه است که تحلیل‌های مرسوم بر این باور است که اهداف رفتارهای اخیر دولتمردان کاخ سفید بیشتر متمرکز بر انتخابات ۱۳ آبان در آمریکاست. «دانیل فراید» هماهنگ‌کننده سیاست‌های تحریمی در دولت سابق آمریکا گفت: «به نظر می‌رسد پیام این تحریم‌ها کمتر معطوف به ایران هستند و بیشتر، معطوف به رأی‌دهندگان آمریکایی است.» با این حال، آنها تن دادن ایران به مذاکره تا پیش از ۱۳ آبان را یک مزیت استراتژیک و پیروزی بزرگ تلقی می‌کنند. از همین منظر آماج این تحریم‌ها برای تأثیرگذاری بر محاسبات مردم، جامعه نخبگی و دولتمردان ایران است که به این نتیجه برسند مذاکره با آمریکا پیش از انتخابات بهتر از آمریکای پس از انتخابات است. کاخ سفید برای ایجاد رعب و انگیزش در داخل ایران تلاش رسانه‌ای گسترده‌ای راه انداخته است که در صورت پیروزی ترامپ شرایط مذاکره بسیار سخت‌تر خواهد شد و به نفع ایران است که پیش از انتخابات وارد مذاکره با آمریکا شود. متأسفانه در هفته‌های اخیر شاهد این صحنه بودیم که برخی از تحلیلگران داخلی و شخصیت‌های سیاسی در این دام افتاده، و حاکمیت را برای مذاکره با ترامپ تحت فشار قرار می‌دهند. در همین راستا کاخ سفید برای عدم تمکین ایران تا پیش از انتخابات نیز این پیام را در داخل آمریکا و متحدان منطقه‌ای خود القا می‌کند که سیاست‌های ترامپ موفق به مهار ایران شده و در همان هفته‌های اول پس از پیروزی در انتخابات شاهد تسلیم تهران خواهیم بود. افزون بر موارد ذکر شده، این تحلیل نیز وجود دارد که یکی از اهداف احتمالی تشدید تحریم‌های جدید برای دشوارسازی دولت بعدی بدون ترامپ است. در این باره «مارک دوبوویتز» رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها از ترامپ خواسته بود که تحریم‌های اضافی را وضع کند تا پس از او دولتی طرفدار مذاکره با تهران نتواند به راحتی تحریم‌های دوره ترامپ را از بین ببرد.

۳ سطح سوم چرایی رفتار کاخ سفید به تحولات منطقه‌ای بر می‌گردد که ارزش راهبردی آن کمتر از سطح اول تحلیل نیست. این موضوع از چند زاویه قابل توجه است. یک- ارزیابی آمریکا این است که تنها مانع معامله قرن در منطقه ایران است از این‌رو، ترامپ و تیم متعصب او به هر قیمتی تلاش دارند معامله قرن را به منطقه محقق کنند و سازش‌های دو جانبه را که از امارات شروع شده است، توسعه دهند. به تازگی نیز اعلام کرده‌اند تا چند هفته دیگر سه کشور به سازش با رژیم صهیونیستی خواهند پیوست. از نظر دولتمردان کاخ سفید، دور جدید تحریم‌ها می‌تواند تأثیرگذاری ایران را در این موضوع کاهش دهد و ایران را برای موضع‌گیری محتاط کند. دو- نگرانی آمریکا از بهم خوردن موازنه قدرت در منطقه است. از نظر آنها با آزاد شدن تحریم‌های تسلیحاتی ایران در ۲۸ مهر یا اجرایی شدن توافقات ۲۵ ساله ایران با چین و افزایش همکاری استراتژیک با روسیه، قدرت ایران بیش از پیش در منطقه افزایش خواهد یافت.

۴ سطح چهارم تحلیل از چرایی از یک‌سو ناظر به یک رفتار واکنشی است و از سوی دیگر حاکی از نگرانی از نظم نوین جهانی هندسه قدرت در جهان است. ترامپ و تفکر حاکم بر کاخ سفید پس از شکست در تمدید تحریم‌های ایران و فعال‌سازی مکانیسم ماشه در شورای امنیت سازمان ملل تلاش دارند نشان دهند که هیچ عاملی نمی‌تواند مانع اجرایی خواسته‌های آمریکا باشد. این سخن «کلی گرفت» نماینده آمریکا در سازمان ملل مستند این ادعاست که گفت: «ما نیازی نداریم اکثریت در کنار ما بایستند. ایالات متحده نیرویی بر حق است و رهبر یک نظم چندجانبه.» اما مهم‌تر از این واکنش، نگاه راهبردی در خصوص نظم جهانی است. به اعتقاد ترامپ و تفکر حاکم بر کاخ سفید، نظم ناشی از پایان جنگ جهانی دوم که بر پایه نهادگرایی لیبرال بوده، تأمین‌کننده منافع آمریکا نیست و باید بازسازی شود. مبنای تئوریکال این تفکر را می‌توان در نظرات رابرت کیگن، مورخ و صاحب‌نظر نومحافظه کار حوزه سیاست خارجی آمریکا ملاحظه کرد. او که در دوره ریاست‌جمهوری ریگان در وزارت امور خارجه آمریکا خدمت می‌کرد و در حال حاضر پژوهشگر ارشد مؤسسه بروکینگز است. نوشته‌ها و توصیه‌های او بیان‌کننده دو دغدغه در شاکله فکری او است: نگرش نومحافظه‌کارانه به نقش برتر و استیلاجویانه آمریکا در جهان و حفظ و بسط نظم جهانی لیبرال به عنوان تنها الگوی حافظ و ضامن نظم و ثبات جهانی. او در آخرین کتاب(۲۰۱۸) خود تحت عنوان «جنگل باز می‌گردد» تصریح دارد که حفظ باغ نظم لیبرال، مستلزم کشاکش و منازعه مداوم در مقابل شاخ و برگ‌های هرزی است که به دنبال تضعیف آن هستند. وی بر این پایه برای آمریکا رسالت ویژه‌ای قائل است. مواضع مقامات کاخ سفید از جمله «کلی گرفت» و «آبرامز» نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران مؤید این ادعاست. آبرامز می‌گوید: «ما بارها نشان داده‌ایم، هنگامی که بحث تحریم در میان است اینکه وزیران امور خارجی کشورها مهم نیست. تصمیم درباره پای‌بندی به تحریم‌های آمریکا ازسوی این وزیران گرفته نمی‌شود.» یا پمپئو وزیر خارجی آمریکا تصریح دارد که «هیچکس جلودار ما نیست.» رفتارشناسی دولت ترامپ از ابتدای روی کار آمدن در کاخ سفید و خروج از سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی از دیگر مؤیدات مدعای مزبور است. موضع اخیر ریچارد نفیو، از معماران تحریم ایران در این زمینه جالب است. او می‌گوید: «فاصله گرفتن از نظام تحریمی شورای امنیت به معنای برداشتن قدمی دیگر در جهت فاصله گرفتن از نظم بین‌المللی قانون‌محور است... .» و اما ربط این موضوع با ایران و تشدید تحریم‌ها و تحمیل برجام‌های چندگانه به این موضوع بر می‌گردد که اگر از نظر آمریکا، ایران که کلید هژمونی و نظم نوین جهانی است، وادار به تمکین شود، قادر به جلوگیری از شوکت و عظمت آمریکای پس از جنگ جهانی دوم خواهد بود و قادر به پیشگیری از شکل‌گیری هندسه قدرت در جهان آینده‌ای خواهد بود که ممکن است آمریکا در آن به قدرت درجه چندم تبدیل شود.

۵ اما ابراز امیدواری کاخ‌نشینان سفید از تأثیرگذاری تحریم بر ایران چند دلیل دارد. در این جا به پنج عامل مشوق آمریکا در تداوم فشار حداکثری اشاره می‌شود؛ یک- مراکز اندیشه‌ای و لابی‌های ضد ایرانی داخل آمریکا، دو- دولت‌های ارتجاع منطقه به همراه رژیم صهیونیستی، سه- ضد انقلاب خارج‌نشین، چهار- مواضع برخی از جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و تحلیلگران منتسب به آنها در داخل کشور، پنج- ناتوانی دولت در مدیریت اقتصادی کشور. هیچ تردیدی نیست که کشور ایران در شرایط یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی با پشتیبانی عملیات روانی قرار دارد، اما متأسفانه مواضع جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌های منتسب به آنها به طور ویژه جریان رادیکال اصلاح‌طلبی و رویکرد اغلب روزنامه‌های این جریان به طور مستمر چه مستقیم و غیر مستقیم پیامی که به مقامات کاخ سفید می‌دهند، این است که ایران هیچ گزینه‌ای به جز رها کردن اصول و موضع عزتمندانه ایران و تسلیم واقعیت‌های صحنه نبرد، ندارد. از سوی دیگر هر چند دولت در سیاست اعلامی خود بر جنگ اقتصادی بی‌امان آمریکا تصریح دارد؛ اما در عمل مدیریت شرایط جنگی را پیاده‌سازی نکرده است.

۶ این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که ایران انقلابی تا زمانی که انقلابی است هرگز قادر به تحمیل فشارها نخواهد بود و به زودی تمام تلاش‌های ترامپ و تیم او با شکست روبه‌رو خواهد شد. مقاله‌ای که ادلمن و ری تکیه با نام «انقلاب آینده ایران؛ چرا واشنگتن به دنبال تغییر رژیم در تهران باید باشد؟» نوشته‌اند، گویای مدعای مزبور است. آنها نوشته‌اند: «آمریکا نمی‌تواند رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند؛ اما می‌تواند سهمی در ایجاد شرایطی داشته باشد که به تحقق این تغییر کمک می‌کند که ایران هرگز اهداف برنامه هسته‌ای خود را به خاطر تجارت رها نخواهد کرد و هرگز منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه را به عنوان منافعی مشروع به رسمیت نخواهد شناخت. آری انقلابیون هرگز دست از انقلاب‌شان برنخواهند داشت. هیچ یک از دولت‌های آمریکا در چهل سال اخیر نتوانستند این را درک کنند که رژیم ایران در قلب و عمق وجود خود یک سازمان انقلابی است و باقی خواهد ماند» یا سابقاً «آرون داوید میلر» نایب رئیس مرکز بین‌المللی «وودرو ویلسون» و «ریچارد سوکولسکی» عضو ارشد مؤسسه «کارنگی» نوشته بودند، واشنگتن در هیچ نقطه‌ای از منطقه یارای رویارویی با ایران را ندارد.

آدم صهیونیست‌ها!

«الشرق الاوسط» از مذاکرات آمریکا با سودان جزئیات جدیدی از روند مذاکرات دو طرف در ارتباط با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را فاش کرد. طبق این گزارش، منبع یادشده فاش کرد که واشنگتن به خارطوم اطلاع داده است حذف نام سودان از فهرست تروریستی وزارت خارجه آمریکا کاملاً مرتبط با عادی‌سازی روابط با تل‌آویو است. از طرفی دیگر، این مقام فاش کرد آمریکا از دولت سودان خواسته است پیش از آغاز انتخابات ریاست‌جمهوری گام‌های عملی عادی‌سازی روابط را تسریع کند. به نظر می‌رسد، دولتمردان آمریکا بیشتر نماینده صهیونیست‌ها هستند تا مردم خود آمریکا.

وحشت اشغالگران

در حالی که تظاهرات در مخالفت با شهرک‌سازی، مصادره اراضی، طرح‌های الحاق و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی ادامه دارد، احتمال وقوع انتفاضه فلسطین مایه نگرانی صهیونیست‌ها شده است. «درور شالوم» رئیس دایره تحقیقات سرویس اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی (امان) در مصاحبه با «یدیعوت آحارونوت» تأکید کرد که فروپاشی تشکیلات خودگردان فلسطین و تهدید ایران، دو خطر اصلی برای اسرائیل هستند. با وجود امضا ی دو توافق‌نامه صلح با امارات و بحرین اما «مسئله فلسطین همانند بمب ساعتی است که احتمال انفجار آن علیه اسرائیل در هر لحظه وجود دارد.»

توافق اولیه

یک رسانه آمریکایی به نقل از منابع آگاه از توافق اولیه مذاکره‌کنندگان آمریکا و روسیه بر سرتداوم کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای دو کشور خبر داده است.وبگاه شبکه خبری ای‌بی‌سی‌نیوز، این توافق را در راستای تلاش مسکو- واشنگتن برای نجاتِ تنها توافق کنترل تسلیحاتی موجود میان دو کشور قبل از انقضای آن در سال آینده میلادی دانسته است. منبع مطلع مورد استناد ان‌بی‌سی گفته، هنوز مشخص نیست این توافق اولیه به تمدید پیمان موسوم به «استارت نو»(treaty) میان دو کشور منجر خواهد شد یا خیر! این پیمان منعقد شده میان دو کشور در ماه فوریه سال ۲۰۲۱ منقضی خواهد شد.

نزاع در قره‌باغ

نگاهی به درگیری‌های آذربایجان و ارمنستان و جایگاه ایران در حل مناقشات منطقه‌ای

سلیمان غفاری
کارشناس مسائل منطقه

قره‌باغ؛ از منازعه تا به حال

از سال ۱۹۸۸ و پیش از پایان جنگ سرد، در اثر سیاست‌های گلاسنوست و پروسترویکای حزب کمونیست شوروی، فضای باز سیاسی به وجود آمد که در آن اختلافات خفته دو اقلیم این کشور پهناور امکان ظهور و بروز یافته و آتش کینه‌های کنه‌دار از زیر خاکستر سربرآورد. مسئله قره‌باغ در سال‌های گذشته به موضوعی حیاتی برای هر دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان تبدیل شده و افزون بر جنبه‌های قومی، دارای ابعاد مذهبی نیز شده است. به این معنا که برخی در جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مناقشه قره‌باغ را به رویارویی مسلمانان و مسیحیان تفسیر و تعبیر می‌کنند و از این طریق تلاش دارند تا از حمایت سایر کشورها در وضعیت به وجود آمده برای اثبات حقانیت خود برخوردار شوند. بی‌تردید برجسته شدن جنبه‌های دینی منازعه در کنار جنبه‌های قومی می‌تواند ضریب افزایشی بر پیچیده شدن و نقش‌آفرینی بازیگران و بازی‌گردانان مختلف باشد. هریک از طرفین، درگیری قره باغ را مسئله‌ای حیثیتی برای خود برآورد می‌کنند؛ زیرا در هر دو سو هویت ملی و بازیابی آن با مسئله قره باغ پیوند خورده است. مناقشات کنونی در دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه خودمختار ناگارنوی قره‌باغ بازتاب مسائلی فراتر از گلاسنوست و پروسترویکا دارد. گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا عبارت از سه کشور ایالات متحده آمریکا، فرانسه و روسیه نیز در مسئله حل صلح‌آمیز مناقشه قره باغ کوهستانی میانجی‌گری می‌کنند که فعالیت‌های آنها تاکنون نتیجه قابل توجهی نداشته است. از سوی دیگر، امروز بحران قره‌باغ وارد یک مرحله حائز اهمیت مضاعفی شده و ترکیه و روسیه که رقابت نزدیکی حدود ده ساله در سوریه دارند، اکنون یک جنگ نیابتی را در حساس‌ترین منطقه آسیای میانه ساماندهی کرده‌اند. اگر بحران قره‌باغ تداوم یابد، یقیناً قفقاز جنوبی به مرکز تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مبدل خواهد شد و این امر ثبات و امنیت منطقه را تحت تأثیر شدید قرار خواهد داد.

نظر ایران درباره قره‌باغ

جمهوری اسلامی ایران، در حالی که از شیعیان مظلوم و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حمایت می‌کند، به رفتار دولت باکو به خاطر اینکه جمهوری مسلمان‌نشین را به لنگرگاه و بارانداز صهیونیست‌ها و آمریکا تبدیل کرده، معترض است. ایران قره‌باغ را جزء خاک آذربایجان می‌داند از ارمنستان خواسته که قره‌باغ را به آذربایجان برگرداند. در این خصوص رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۲ فرمودند قره‌باغ متعلق به اسلام است. بنابراین با توجه به حساسیت منطقه، ایران گفت‌وگو و مذاکره را بهترین مسیر برای حل قره‌باغ عنوان کرده است.

رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای

صهیونیست‌ها، به واسطه بازی مزورانه و منافقانه با هر دو دولت ایروان و باکو، می‌خواهند در منطقه جای پایی برای خود دست و پا کنند. رژیم غاصب، به دلیل وجود مناقشه قره‌باغ توانسته از نفوذ زیادی در جمهوری آذربایجان به عنوان مطرح‌ترین جمعیت کشور شیعی جهان بعد از ایران برخوردار شود. این امر برای رژیم صهیونیستی که مطابق با دکترین پیرامونی بن گوریون در پی گسترش روابط خود با کشورهای مسلمان غیر عرب بود، امری مطلوب و مطابق با منافع خویش قلمداد می‌شود. ضمن آنکه نفوذ رژیم صهیونیستی در میان آذربایجان شیعی دارای فرآورده‌های ضد ایرانی و ضد شیعی نیز است. مطابق با دکترین دفاعی و نظامی یاد شده، هرچه مرزهای ایران ناایمن‌تر باشد، توان بازیگری مطرح و مؤثر تهران در معادلات و مبادلات منطقه‌ای و ضربه‌زنی به رژیم کودک‌کش صهیونیستی کاسته می‌شود؛ از این‌رو این رژیم به استقبال تداوم هرگونه مناقشه یا بحران در مرزهای شمالی ایران می‌رود.

نکات راهبردی

۱ـ دولت آذربایجان سال‌هاست با رژیم صهیونیستی دارای ارتباط بوده و حتی خاکش را در اختیار نیروهای صهیونیستی قرار داده و ادعاهای ارضی نسبت به خاک آذربایجان ایران دارد و مناطق قره‌باغ به نوعی حائل بین جمهوری آذربایجان و ایران است که اگر به تصرف نیروهای علی اف و تروریست‌های اعزامی از سوریه توسط ترکیه اردوغان درآید، خطر جدی در بُعد امنیت ملی و تمامیت ارضی برای ایران فراهم خواهد کرد. ۲ـ ارمنستان متحد روسیه و سایر کشورهای مخالف ایالات متحده بوده و به تازگی نیز در رزمایش قفقاز ۲۰۲۰ با کشورهای شرقی به مانور نظامی در سطح منطقه‌ای دست زد. در واقع می‌توان گفت درگیری بین آذربایجان و ارمنستان از سطح دو دولت فراتر رفته و وضعیت هم‌آوردی قدرت‌های منطقه‌ای به خود گرفته است. ۳ـ بنا به اعلام رسانه‌ها حدود ۴۰۰۰ تروریست تکفیری طی روزهای گذشته از شمال سوریه به مناطق درگیر گسیل شده‌اند. حضور این افراد که کینه تاریخی از جمهوری اسلامی به علت مبارزه با تروریسم در سوریه دارند، در مجاورت مرزهای ایران تهدیدی واضح بوده و به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی باید موضعی قاطع و با صلابت در خصوص آن بگیرد. ۴ـ با وجود اینکه گروه‌های قوم گرا با تبلیغات دروغ اعلام می‌کنند که ایران به ارمنستان سلاح و تجهیزات نظامی می‌دهد؛ اما این خبرسازی‌ها واقعیت ندارند و جمهوری اسلامی با سیاست مستقل خود بارها اعلام کرده است که این درگیری‌ها به نفع منطقه نیست و برای مقابله با حضور و نقش‌آفرینی جریان‌های خارجی به سرعت باید این درگیری‌ها پایان پذیرد. ۵ـ رژیم صهیونیستی به وجود منازعه در منطقه احتیاج مبرم دارد زیرا به وسیله ایجاد این ناامنی خود را به مجاورت مرز ایران می‌کشاند.

فرجام سخن

جهان کنونی بر اساس منطق قدرت اداره می‌شود نه قدرت منطق و مناقشه قره‌باغ استناد مستحکمی است بر ناکارآمدی ساختارها و پشتوانه اجراهای برآمده از حقوق بین‌الملل از جمله شورای امنیت که با ترکیبی غیرعادلانه در اختیار مطامع و اهداف سیاسی اعضای دائم شورا قرار گرفته است. در نظام روابط بین‌الملل الزامات محیطی که بر منطقه قره‌باغ حکمفرماست، بحران منجمد یاد می‌شود، به این مفهوم که یک منازعه مسلحانه همراه با کنش و تنش به پایان رسیده اما هیچ چارچوب منطقی سیاسی، حقوقی یا قراردادی که دارای پشتوانه اجرایی محکمی باشد، نبرد و جنگ‌افروزی و اشغال سرزمینی را به مرحله راه حل نرسانده است. طبق دیدگاه جمهوری اسلامی ایران مذاکره تنها راه برای دستیابی به حل و فصل دائمی این منازعه است. بنابراین واقعیت این است که رژیم صهیونیستی و همچنین آمریکایی‌ها از شعله ور شدن جنگ در این منطقه مسرور هستند و از هیچ یک از طرف‌ها برای التیام‌بخشی به اوضاع حمایت نخواهند کرد. کارشناسان معتقدند شدت یافتن ناآرامی‌ها در قفقاز جنوبی و تداوم وضعیت جنگی میان آذربایجان و ارمنستان، منافع غرب و صهیونیست‌ها را در درگیر کردن روسیه و حتی ترکیه تأمین می‌کنند و زمینه را برای ارسال تروریست‌های تکفیری به این مناطق جهت اعمال فشار بر روسیه، ایران و حتی ترکیه فراهم می‌سازد. بنابراین بهترین راه حل در زمان کنونی خویشتن‌داری طرف‌هاست.

رصد

تدارک فروپاشی

انزوای ترامپ

ریسپانسیبل کرفت: ترامپ با سیاست‌هایش نه تنها جامعه بین‌الملل را علیه ایران بسیج نکرده، بلکه خودش در انزوای کامل قرار گرفته است. اکنون نیز دولت ترامپ در حالی بر استناد به قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل تأکید می‌کند که عملاً هیچ کشور دیگری این اقدام را به رسمیت نمی‌شناسد. فعال‌سازی مکانیسم ماشه هم در نظر اکثر کشورهای جهان مسخره است، چون دولت ترامپ در تلاش است تا از بندهای توافقی استفاده کند که پیش از آن خودش صراحتاً از آن خارج شده است. این اقدام آمریکا از جهاتی دیگر هم بی‌معناست؛ چرا که این دولت ترامپ بود که توافق‌نامه را نقض کرد نه ایران. تهران تنها پس از افزایش تدریجی محدودیت‌های توافق شده که یک سال پس از خروج آمریکا از برجام آغاز شد به کاهش تعهدات خودش روی آورد که البته آن هم عملاً نقض برجام نیست.

بحران در بحران

آتلانتیک: اگر دونالد ترامپ در دوره دوم پیروز شود، چهار سال آینده احتمالاً بیش از چهار سال گذشته در سیاست خارجی آمریکا و امور جهانی اخلال ایجاد خواهد کرد. انتخاب مجدد وی در حقیقت به معنای حمله‌ای دوباره به نظم بین‌المللی است. ترامپ با انتخاب مجدد کنترل خود را بر نهادهای دولتی تثبیت می‌کند و آنها را به خواست خود تغییر می‌دهد. در همین حال با تأیید اینکه آمریکا دیگر نقش سنتی رهبری خود را رها کرده، دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ تأثیر مستقیمی بر جهان خواهد گذاشت. با ادامه حضور ترامپ بر مسند امور اتحادهای آمریکا احتمالاً فروپاشیده، اقتصاد جهانی قفل و دموکراسی و حقوق بشر به سرعت تضعیف‌شوند.

برنامه‌ریزی آمریکا

المعلومه عراق: واشنگتن بر روی ایران، عراق و لبنان متمرکز است و عراق یکی از مهم‌ترین کشورهای استراتژیک برای آمریکا به شمار می‌آید که مرزهای مشترک با ایران، سوریه، ترکیه و کشورهای حوزه خلیج‌فارس دارد. آمریکا برنامه‌ریزی کرده است که به بهانه حمایت از هیئت‌های دیپلماتیک، کنترل برخی گذرگاه‌های مرزی زمینی و هوایی عراق را در دست بگیرد. تمامی این نشانه‌ها می‌گویند که واشنگتن از طریق عملیات هدف قراردادن هیئت‌های دیپلماتیک به دنبال سامان دادن به برگه‌های خود و استقرار شمار جدیدی از نیروهای خود است.

تصمیم به خودکشی!

الرویه عمان: برخی از نظام‌های حاکم در جهان عرب از طریق عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس تصمیم به خودکشی گرفته‌اند؛ چرا که این اقدام به معنای به رسمیت شناختن «حق» این رژیم در اشغال اراضی، هتک حرمت و ریختن خون عرب‌ها در سرزمین فلسطین است. برخی نظام‌های حاکم بر جهان عرب، امروزه با کنار گذاشتن همه گزینه‌ها و پذیرش معامله قرن و عادی‌سازی روابط، خود را به پرتگاه انداختند و این‌گونه دشمن را توانمندتر وآن را از هرگونه جنایت و گناه تبرئه کردند. عادی‌سازی روابط، به معنای ارجحیت نظر ۵ درصدی در مقابل عزم و اراده ۹۵ درصدی است که نتیجه‌ای جز فروپاشی عناصر یک مجموعه واحد نخواهد داشت. این مسئله به معنای گشایش مجانی و ناخواسته جبهه‌های مردمی و محور مقاومت علیه کشورهای عادی‌کننده روابط به جای اسرائیل است.

یادداشت

شیخ نواف کویت را تغییر می دهد؟

اسماعیل اسفندیاری
دکتری علوم سیاسی

درگذشت امیر کویت در جامعه فلسطینی که او را حامی قاطع فلسطین و مخالف عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی می‌دانستند، حالتی عمیق از حزن و اندوه ایجاد کرد؛ شیخ صباح‌احمد جابرالصباح به عنوان مهندس سیاست خارجی کویت در دوره جدید و رهبر دیپلماسی این کشور در منطقه شناخته می‌شد؛ زیرا به عنوان دومین وزیر خارجه تاریخ کویت حدود ۴۰ سال سکانداری دستگاه سیاست خارجی این کشور را در اختیار داشت و پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۶ رویه‌های ایجاد شده در سیاست خارجی را ادامه داد. وی یکی از شخصیت‌های تاریخ کویت بود که از ابتدای استقلال این شیخ‌نشین توانست در مناصب مختلف از جمله وزارت خارجه این کشور و بعدها منصب امیری، به مدت طولانی در پرونده‌های کلان سیاست خارجی نقش راهبری و هدایت مستقیم داشته است. کویت در دوره شیخ صباح به عنوان بازیگر میانجی در بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و همچنین بین جناح تحریم‌کننده قطر، یعنی بحرین، مصر، سعودی، امارات و قطر ایفای نقش کرد. شیخ صباح همچنین به صراحت مخالفت خود با عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم صهیونیستی را در هر سطحی اعلام کرده بود. هم اکنون شیخ نواف‌الاحمد جابرالصباح امیر به منصب امیری کویت رسیده است، او طی سالیان گذشته در بسیاری از مناصب نظامی و امنیتی فعالیت داشته است. پس از وفات شیخ صباح و به قدرت رسیدن برادرش شیخ نواف سؤالات بسیاری در خصوص آینده سیاست خارجی کویت در ذهن کارشناسان ایجاد شده است. در جامعه کویت جمله معروفی وجود دارد: «ما آخرین کسی هستیم که با رژیم صهیونیستی روابطش را عادی‌سازی می‌کند و آن را مورد شناسایی قرار می‌دهد.» زمانی که کویت به دست عراق اشغال شد و یاسر عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین از حامیان صدام حسین به شمار می‌آمدند، کویت به دلیل مواضع اصولی خود در دفاع از فلسطین، رفتار سیاسی برخی نخبگان را مستمسکی برای حمایت نکردن خود از ملت فلسطین قرار نداد، امروز نیز به نظر می‌رسد با قدرت رسیدن امیر جدید شاهد تغییر در مبادی سیاست خارجی این کشور در مورد پرونده‌های کلانی چون بحث عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و نیز نقش میانجی‌گرایانه این کشور در پرونده‌های اختلافی خلیج‌فارس نخواهیم بود. شیخ نواف در دیدار با محمد اشتیه، نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطین اعلام کرد خطی مشی امیر فقید را در مسئله فلسطین ادامه خواهد داد. شیخ نواف در ابتدای به قدرت رسیدن خود طی پیامی به شیخ تمیم‌بن‌حمد آل ثانی به او اطمینان داد به نقش میانجی‌گرایانه خود در حل مسئله قطر و اختلافاتش با عربستان و امارات مانند سابق ادامه خواهد داد. به نظر می‌رسد، سیاست اصولی دفاع از فلسطین و نیز اتخاذ سیاست خارجی مستقل و میانجی‌گرایانه کویت در میان خاندان حاکم در کویت نهادینه شده است. پارلمان کویت نیز در جایگاه منعکس‌کننده آرا و نظرات مردم این کشور در موضع و عمل نشان داده است در این دوره نیز به موضع خود مبنی بر حمایت از ملت فلسطین و مخالفت با عادی‌سازی پایبند است.

در گفت‌وگو با صبح صادق با حسن حسن‌خانی، پژوهشگر و کارشناس مسائل اقتصادی مطرح شد

نظام مالیاتی فرآیند است نه پروژه!

میلاد شکری
خبرنگار

در سالی که درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و صادرات غیر نفتی نفتی به دلیل تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا به شدت کاهش یافته است؛ دولت از هر روشی از جمله فروش اموال دولتی، پیشخور برخی از درآمدها، استقراض از بانک مرکزی و... به دنبال تأمین کسری بودجه خود است. این در حالی است که ایران را می‌توان بهشت برخی از فعالیت‌های دلالی و فراریان مالیاتی دانست. کسانی که با سفته‌بازی و سوداگری درآمدهای کلانی کسب می‌کنند و نه تنها مانعی بر سر راه فعالیت‌های آنها نیست؛ بلکه سیاست‌های مالیاتی موجود به نوعی حامی فعالیت‌های آنهاست. «حسن حسن‌خانی» پژوهشگر و کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق این رویکردها را بررسی کرده است. او معتقد است: «در اصلاح نظام مالیاتی به هیچ وجه نباید هیچ کالای قاچاقی وارد کشور شود تا شاهد مصرف کالای قاچاق در کشور باشیم. این نکات از این جهت حائز اهمیت است که نباید به اصلاح نظام مالیاتی فقط یک وجه بدهیم و آن را تنها به موضوعی تحت عنوان تأمین درآمدهای دولت معطوف کنیم.»

به نظرتان چرا اصلاح نظام مالیاتی اهمیت دارد تا جایی که همواره طی این سال‌ها مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است. ضمن اینکه واقعاً چرا اصلاح آن اینقدر با تأخیر مواجه بوده است؟

اصلاح نظام مالیاتی یکی از کلیدی‌ترین موضوعاتی است که رهبر معظم انقلاب همواره در دیدار با گروه‌های مختلف مسئولان و مردم به آن اشاره داشته‌اند. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ و حتی بعد از آن بارها بر پیگیری این امر تأکید شده است؛ اما متأسفانه هیچ مسئولی تا کنون در این باره به اقدام عملی دست نزده است. از سوی دیگر با اینکه بر مسئله اصلاح نظام مالیاتی بسیار تأکید می‌شود، هیچ مسئولی تا کنون از خود این سؤال را نپرسیده که نظام مالیاتی اصلاح شده باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۹۳ در سخنرانی که در دیدار با مردم آذربایجان شرقی داشتند، درباره ویژگی‌های این موضوع گفتند بودجه کشور و اداره کشور باید به وسیله درآمدهایی از درون مردم و جامعه تأمین شود که به نوعی همان قطع نیاز بودجه از درآمدهای نفت است. بنابراین تا کنون تنها ویژگی از ویژگی‌های نظام مالیاتی اصلاح شده، از جانب رهبر معظم انقلاب و نه دولت‌های مختلف بیان شده است. این در حالی است که نگاه مسئولان به موضوع اصلاح نظام مالیاتی در تمام دولت‌ها، صرفا یک نگاه پروژه محور بوده است. برای نمونه، طی این سال‌ها موردی چون اخذ مالیات از هنرمندان، پزشکان، معافیت‌های مالیاتی برخی سامانه‌ها و فروشگاه‌ها و پروژه‌هایی از این قبیل مطرح شده است؛ یعنی نگاه به موضوع اصلام نظام مالیاتی صرفا پروژه‌ای و موردی بوده است.

خب به هرحال این پروژه‌ها با نظام مالیاتی یک نسبتی داشته‌اند. به نظرتان کدام یک از این پروژه‌ها در اولویت بودند؟

برای پاسخ به این پرسش باید گفت، قبل از ورود به موضوع اصلاح نظام مالیاتی اول باید نگاه مسئولان به موضوع مالیات به شدت تغییر کند، به این معنا که اصلاح نظام مالیات باید به صورت یک فرآیند نه یک یک پروژه دنبال شود. درحالی که بیش از ۴۱ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، در طول همه این سال‌ها، رؤسای‌جمهور و وزرایی که روی کار آمده‌اند همگی بر اصلاح نظام مالیاتی تأکید کرده و مدعی بوده‌اند که حتماً برای انجام آن برنامه‌های خوبی خواهند داشت؛ اما هیچ یک از مسئولان به این موضوع مهم اشاره نکرده‌اند که در پروژه‌هایی که برای نظام مالیاتی اصلاح شده یا در فرآیند نظام مالیاتی باید تبیین شود، چه ویژگی‌هایی باید لحاظ شود؟ برای نمونه، در نظام مالیاتی اصلاح شده نباید بی‌جهت معافیت‌های مالیاتی به فرد یا گروهی داده شود، یا در اصلاح نظام مالیاتی به هیچ وجه نباید بودجه کشور به فروش نفت و درآمدهای نفتی وابستگی داشته باشد. نباید به هیچ وجه هیچ کالای قاچاقی وارد کشور شود تا مصرف آن اتفاق بیفتد. این نکات از این رو حائز اهمیت است که نباید به اصلاح نظام مالیاتی فقط یک وجه بدهیم و آن را تنها به محلی برای تأمین درآمدهای دولت معطوف کنیم، بلکه دولت‌ها در این فرآیند باید نقش تنظیم‌گری خود را به بهترین شکل ممکن انجام‌دهند.

در این فرآیند باید چه سیاست‌هایی از سوی دولت عمال شود؟

وقتی در برخی کشورها می‌خواهند مصرف کالایی پایین بیاید؛ برای نمونه وقتی پزشکان نگران روند افزایشی دیابت در کشور خود هستند، سیاست‌گذار به نوشابه‌های گازدار مالیات بر مصرف می‌بندد که این موضوع در میان‌مدت و بلندمدت باعث کاهش هزینه‌های نظام سلامت کشور می‌شود. یا کشوری که با کشوری دیگر در تقابل اقتصادی یا در رقابت صنعتی است، وقتی می‌خواهد از چای کاران خود حمایت کند، چون در یک توافق‌نامه خارجی با کشور دیگری است طبیعتاً نمی‌تواند به صورت مستقیم روی آن کالا تعرفه ببندد، لذا به جای اینکه بر روی واردات چای خارجی تعرفه ببندد، با بستن مالیات به کالای مکمل یعنی قند تصمیم می‌گیرد به صورت غیر مستقیم بر روی مصرف چای خارجی تأثیر بگذارد. با این کاربعد از گذشت یک پروسه زمانی، واردات چای خارجی کاهش یافته و به تبع آن تولید چای در کشور تقویت می‌شود. لذا نگاه ما به مالیات و اصلاح نظام مالیاتی نباید صرفاً یک وجهی بوده و آن را تنها راهی برای تأمین بودجه دولت بدانیم.

اگر قرار باشد نگاه به اصلاح نظام مالیاتی تغییر کند به نظرتان چه محورهایی در این نگاه جدید می‌گنجد؟

نقش‌های متعددی در کارکردهای مختلف، حتی در نظام سلامت کشور باید به وجود آید. مواردی مانند وضع مالیات بر مصرف سیگار یا نوشابه‌های گازدار می‌تواند به نظام سلامت ما کمک کند. همان‌گونه که با اجرای طرح ریجستری در کشور قاچاق گوشی تلفن همراه به کشور را تقریباً به صفر رسید. در واقع طرح ریجستری مانند یک ابزار مالیاتی عمل کرد.

معایب نظام مالیاتی پروژه محور چیست؟

اگر نظام مالیاتی پروژه محور باشد هر مسئولی که روی کار می‌آید، می‌تواند برای مدت زمانی که در مسئولیت است مثلاً بیست پروژه تعریف کند. با توجه به اینکه منابع و زمان مسئولیت‌ها نیز محدود است، در نهایت چند مورد از این پروژه‌ها انجام می‌شود و باقی روی زمین می‌ماند، لذا در گام اول باید نسبت این پروژه‌ها را اولویت‌بندی کنیم. اینکه اساساً باید به موضوع مالیات به صورت یک فرآیند دائمی نگاه کنیم. وقتی از اصلاح مالیاتی سخن می‌گوییم چون موردی با آن برخورد شده، اصلاً نمی‌دانیم برای این موضوع چه اقداماتی انجام شده و چقدر در آن پیشرفت داشته‌ایم، با ادامه این روند گویا رهبر معظم انقلاب باید چندین سال دیگر نیز بر این موضوع مهم تأکید کنند؛ شاید کسی به خود بیاید و برای انجام آن آستین بالا بزند، اما آخر سر هیچ کس دراین کشوربه عنوان مسئول نمی‌گوید که نظام مالیاتی اصلاح شد و دیگر مسئله یا مشکلی در این موضوع پیش روی کشور و اقتصاد وجود ندارد؛ چرا که متأسفانه هر مسئولی می‌آید و می‌رود و مسئول دیگر جایش می‌نشیند هر مسئول هم در نهایت یکی دو پروژه تعریف می‌کند و می‌رود.

اگر بخواهیم کمی مصداقی‌تر صحبت کنیم، به نظرتان کدام یک از سیاست‌ها و رویکردهای ما در اخذ مالیات غلط است؟

همین رودربایستی‌ها با برخی اصناف یکی از این موارد است. برآوردها نشان می‌دهد، مالیات پزشکان آمریکایی در سال ۲۰۱۵ حدود سه برابر درآمدهای نفتی ایران در بهترین شرایط فروش نفت بوده است. برای نمونه، اگر صادرات نفت ایران را ۵۰ میلیارد دلار در نظر بگیرید سه برابر این عدد، یعنی ۱۵۰ میلیارد دلار که طبق آمار پنج سال پیش پزشکان آمریکایی این مقدار مالیات به دولت می‌دهند، این رقم نشان می‌دهد در ایران فرار مالیاتی و معافیت‌های بی‌جای مالیاتی چقدر زیاد است در حالی که هیچ کجای دنیا چنین روالی وجود ندارد. نه تنها پزشکان، بلکه بسیاری از اقشار جامعه مانند وکلا، هنرمندان و اقشار مختلف مالیات نمی‌پردازند؛ در حالی که گسترش پایه‌های مالیاتی یکی از وجوه غیر قابل انکار اصلاح نظام مالیاتی است. یا در شرایط فعلی که ویروس کرونا کسب‌وکارها را از درآمد انداخته و با رکود مواجه کرده است، دولت باید مالیات بر ارزش افزوده را کاهش می‌داد تا موجب افزایش تقاضا شود و کسب و کارها تا حدی رونق بگیرد. در حالی که همه کشورها مالیات بر مصرف را برای ایجاد تقاضا کاهش دادند و دست‌کاری‌هایی در آن صورت دادند؛ اما ما در هیچ کدام از رویه‌های معمولی که در دنیا انجام می‌شود، موفق نبوده‌ایم و عجیب عمل کرده‌ایم.

یادداشت

هدف مندی یارانه ها در گروی اصلاح نظام توزیع

جواد اسماعیلی
رئیس اسبق
ستاد بسیج اقتصادی

قیمت نفت ایران در مقطعی از سال‌های دفاع مقدس اگرچه به بشکه‌ای حدود ۸ دلار رسید، اما وضعیت اقتصادی و توزیع کالاهای اساسی از شرایط فعلی بسیار بهتر بود؛ چرا که به هرحال در آن سال‌ها کوپن به عنوان ابزاری برای توزیع کالا میان مردم وجود داشت و سبب شد کالاها با دقت و صحت در اختیار مردم قرار گیرد.

در واقع همین سیستم کوپنی که از طریق آن، کالاهای سهمیه‌بندی توزیع می‌شد در تنظیم بازار بسیار مؤثر بود. برای نمونه، ما طی آن سال‌ها و بعدها ۷۰۰ هزار تن واردات برنج داشتیم که این برنج‌ها از طریق کوپن میان مردم توزیع می‌شد. تا روز آخری که کوپن در کشور وجود داشت، قیمت برنج هرگز از حد مشخصی بالاتر نرفت، اما به محض جمع‌آوری کوپن طی چند ماه قیمت برنج سه برابر شد.

در حالی که اتفاقا میزان واردات برنج بعد از جمع‌آوری کوپن به شدت افزایش یافت، اما قیمت‌ها نیز متناسب با افزایش واردات روندی افزایشی به خود گرفت. البته بیان این موضوعات به معنای لزوم بازگشت مدلی مانند کوپن در شرایط فعلی نیست بلکه منظور رها و ول شدن موضوع تنظیم بازار در اقتصاد ایران است.

در حالی که مدت‌ها وزارت صمت بدون وزیر اداره می‌شد و مابقی نیز در حال انجام کارهای روزمره هستند؛ به طوری که مسئله کشور یک روز مرغ و یک روز تخم‌مرغ است و هیچ برنامه‌ای برای تنظیم بازار وجود ندارد و عمده اقدامات صورت گرفته مربوط به مسائل روزمره و مقطعی است.

در اواسط دهه ۸۰ و در مقطعی که شیر یارانه‌ای به مغازه‌ها می‌آمد و مردم گاهی از ۶ صبح در صف خرید شیر می‌ایستادند تا یک عدد شیشه شیر خریداری کنند، طرحی را با آقای میرکاظمی، وزیر وقت بازرگانی مطرح کرده و بر اساس آن قرار شد رقم کل یارانه شیر را به حساب یکی از بانک‌ها واریز کنیم و بانک نرم‌افزاری طراحی و شیر را در درب مغازه به مغازه‌دارانی که دولت تعیین می‌کند، تحویل دهد تا شیر میان مردم توزیع شود. از طرفی ما در این میان توزیع شیر از کارخانه تا درب مغازه را رصد کردیم. اتفاقی که افتاد این بود که اولاً ۴۰ درصد در یارانه پرداختی صرفه‌جویی شد و ثانیاً صف‌های طولانی برای خرید شیر شکسته شد و این شیرها تا ظهر در مغازه‌ها می‌ماندند و کسی نبود آنها را بخرد؛ چرا که وقتی ما کالا را تا درب مغازه برسانیم تخلف به حداقل خودش می‌رسد چرا که در نهایت ممکن است مغازه‌داران یک یا چند سبد شیر را برای دوستان و آشنایان خود کنار بگذارند؛ اما وقتی توزیع تا مغازه و درب مغازه رصد نشود شیر یارانه‌ای سر از بستنی‌فروشی‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها در می‌آورد و به دست خانوار نمی‌رسد.

با همین سیستم ساده توانستیم نظام توزیعی را تعریف کنیم که علاوه بر صرفه‌جویی در یارانه، مردم هم خیال‌شان راحت شد که نیازی به صف‌های بلند نیست.

منهای نفت

تغییر نگاه

برای تبدیل اقتصاد مقاومتی به گفتمان ملی نیازمند تغییر نگرش برخی از مسئولان نسبت به نفت یا هر منبع و معدن دیگری هستیم. باید مشخص شود آیا نفت سرمایه است یا ثروت؟ چرا که سرمایه نوعی از دارایی است که سودآوری داشته و تمام نمی‌شود؛ اما ثروت به تدریج پایان می‌پذیرد؛ اگر کسی نفت را به عنوان ثروت به حساب بیاورد، آن را به صورت خام فروخته و درآمدش را صرف حقوق، دستمزد و... می‌کند. ما باید نفت را سرمایه بدانیم و با بردن آن در صنایع تبدیلی درآمدهای کشور را چند برابر کنیم.

شاخص

حذف دلار

به گزارش راشاتودی، بر اساس آمارهای جدید صندوق بین‌المللی پول، سهم دلار از حساب ذخیره ارزی کشورها طی ماه‌های گذشته کاهش چشمگیری داشته است. در سه ماهه دوم سال جاری کشورهای جهان، اجرای سیاست‌های ضد دلاری و حذف این ارز از مبادلات تجاری بین‌المللی خود را از سر گرفته‌اند. در حالی که در روزهای نخست شیوع ویروس کرونا در جهان شاهد افزایش اقبال دلار در میان کشورهای جهان بودیم، در سه ماهه دوم دوباره شاهد بازگشت روند نزولی سهم دلار بوده‌ایم. بر اساس این گزارش، یوان بیشترین اقبال و افزایش سهم در حساب ذخیره کشورها داشته است.

افزوده

برات چیست؟

«برات» عبارت است از سندی که طبق آن شخص الف از شخص ب تقاضا دارد که وجه مقرر را در تاریخ مقرر به شخص ج یا هر کسی که شخص ج، وجه را به او حواله کرد، پرداخت کند. طبق این تعریف، شخص الف برات‌دهنده، شخص ب برات‌گیر و شخص ج دارنده برات هستند. در واقع برات مبتنی بر نوعی حواله است که بر اساس آن شخص الف که برات را صادر کرده است حواله‌دهنده، شخص ب کسی که حواله برای او داده شده است و شخص ج، طلبکار هستند.

منبر

پیامبری که رحمت برای همه عالم است

گفتاری از آیت‌الله‌العظمی عبدالله جوادی‌آملی

عظمت وجود مبارک رسول گرامی(ص) به مقدار فهم بشری و برخی از کلمات نورانی کریم اهل بیت، وجود مبارک امام مجتبی(ع) است. وجود مبارک رسول گرامی را که ذات اقدس الهی در قرآن معرفی می‌کند، او را شاگرد لدنّی می‌داند و کلّ جهان را با کتاب خود هدایت می‌کند و حضرت را همراه این کتاب از صدر تا ساقه معرفی می‌کند و به ما می‌فرماید شما در بخش نازل رسالتِ آن رسول قرار دارید. آن بخش بالایی رسالت آن رسول در دسترس شما نیست. اینکه گفته شد، خُلق رسول گرامی قرآن کریم است؛ یعنی قرآن شناسنامه آن حضرت است. اگر وجود مبارک رسول گرامی بخواهد به صورت یک کتاب دربیاید، می‌شود قرآن و اگر قرآن بخواهد به صورت یک انسان متمثّل شود، می‌شود رسول گرامی. ذات اقدس الهی وقتی از رسول خود یاد می‌کند، او را به عنوان رحمت جهانیان، نه تنها یک جهان، نه تنها دنیا، بلکه رحمت عالمین است. در برزخ هم آن حضرت رحمت است، در ساهره قیامت هم رحمت است، در بهشت هم رحمت است. رحمت عالمین است: (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاّ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ). حوزه رسالت او هم به حوزه عالمین بودنِ او گسترش پیدا می‌کند. اینجا آمده است که حرف را به ما برساند. در برزخ شفاعت را به ما می‌رساند. در ساهره قیامت هم چنین است. در بهشت ترفیع درجات را به ما می‌رساند. اگر همه فرشته‌ها این رسالت را دارند که در آغاز سوره «فاطر» فرمود: (جاعِلِ الْمَلائِكَةِ رُسُلاً)، رسالت تنها در هدایت‌های ظاهری و اعتباری نیست، فرمود: (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاّ كَافَّةً لِّلنَّاسِ)، (إِلاّ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ)، کتابی به تو دادیم: (لِلْعالَمينَ نَذيراه)، کتابی به تو دادیم: (مَا هِيَ إِلاّ ذِكْرَى لِلْبَشَرِ)، هر که خواهد آمد با این دو اصل کلی و دوام، یعنی همگانی و همیشگی، این تذکره است برای او. خود آن حضرت هم چون شاگرد مستقیم ذات اقدس الهی است، فرمود تو قرآن را (مِن لَدُنْ حَكِيمٍ) یاد می‌گیری: (إِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ). گاهی خدا اسم خاص خود را به رسول خود می‌دهد، گاهی اسم خاص خود را به کتاب خود می‌دهد. خدا «علی حکیم» است، این «علی حکیم» را نام کتاب خود قرار داد: (لَدَينا لَعَلِي حَكيمٌ). خدا رؤوفِ رحیم است، در پایان سوره مبارکه «توبه» این دو نام مبارک را برای رسول خود قرار داد: (بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ). این «رؤوف و رحیم»، از أسمای خدای سبحان است که در ذات مقدس رسول گرامی جلوه کرده است. او که «علی حکیم» را از «علی حکیم» یاد می‌گیرد، به برکت آن «رؤوف رحیم» می‌شود: (بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ).

مکتب

معطل کردن تولیدکنندگان جنگ با خداست

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

مؤمنان در تمام لحظات مراقب رفتارهای خود هستند، خصوصاً رفتار با دیگر انسان‌ها. مراقبت مؤمنان بر رفتار خود نشان از ایمان راسخ دارد. حق‌الناس به هر شکل که باشد مذموم است و مردود و با اصل ایمان هم در تضاد است. یکی از مصادیق حق‌الناس آزار دادن انسان‌ها و تمامی خلایق است. هر مخلوقی در عالم حقی بر گردن ما دارد که باید آن را رعایت کنیم. رعایت این حقوق مؤمنان را به درجات بالای معنوی در دنیا و آخرت می‌رساند که نمونه‌های فراوانی از آن سراغ داریم. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «خداوند تبارك و تعالی فرمود: هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد، به من اعلان جنگ می‌دهد و هر کس بنده مؤمن مرا احترام کند، از خشم من در امان است.» (عدّة الداعی، ص ۱۸۲) خداوند در مورد رعایت حال مؤمنان بندگان خود و تمامی خلایق به هیچ وجه آسان نمی‌گیرد و اگر کسی عامدانه درصدد آزار و اذیت بندگانش برآید، خداوند او را مجازات خواهد کرد. در خصوص آزار مؤمنان و مخلوقاتِ خدا نیز باید به تمامی اشکال و اقسام آن قائل باشیم. به طور مثال تهمت زدن و دروغ بستن از مصادیق آزار و اذیت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه گناهی انجام داده باشند، بیازارند، بار دروغی بزرگ و گناهی آشکار را بر دوش می‌کشند.» (احزاب/ ۵۸) احترام مؤمن چنان نزد اسلام عزیز است که هرکس مؤمنی را آزار رساند، همانند آن است که پیامبر خدا(ص) را رنجانده است و خدا و فرشتگان و مردم او را نفرین می‌کنند. (جامع‌السعادات، ج ۲، ص ۲۲۱) در روایات آمده که قیامت برپا می‌شود و منادی ندا می‌دهد: آزارکنندگان دوستان من کجایند؟ گروهی برمی‌خیزند که گوشت بر صورت ندارند؛ آن‌وقت گفته می‌شود آنها کسانی‌اند که مؤمنان را آزردند و با آنها دشمنی کردند و در دِین‌شان درشتی کردند. سپس فرمان می‌رسد که آنها را به دوزخ ببرید.» (همان)

کسانی که به جنگ خدا نمی‌روند قدرت جنگیدن با شیطان را به دست می‌آورند. در اصل این جنگیدن با شیطان و نفس اماره است که انسان را رشد می‌دهد. امام صادق(ع) به اسحاق‌بن‌عمار می‌فرمایند: «ای اسحاق هرچه می‌توانی به دوستان من نیکی کن؛ زیرا مؤمنی نیست که مؤمنی را نیکی کند و به او یاری رساند، مگر اینکه چهره ابلیس را خراشید و قلبش را زخم زد.» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷) اینجاست که مؤمنان خدا را از خود راضی نگه می‌دارند و به روی شیطان خاک می‌پاشند. متأسفانه گاهی اوقات مسمانان بدون اینکه خود بخواهند با رفتارهای غلط و گفتار نسنجیده خود باعث آزار انسان‌های بی‌شماری می‌شوند و وقتی به اشتباه خود پی می‌برند، وقتی است که بار سنگینی از حقوق مردم روی دوشش احساس می‌کند. امام حسین(ع) یاور مظلومان و اسوه متقیان، تعبیر و وصیت زیبایی در این زمینه دارند که باید الگویی شاخص برای مسلمانان باشد. ایشان فرمودند: «فرزندم! بپرهیز از ستم بر کسی که غیر از خدا یاوری در مقابل تو ندارد.» (اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰)

نوعی دیگر از آزار و اذیت آن است که فردی با یک رفتار یا گفتار جمعیت کثیری را برنجاند و آنان را مکدر کند. مثلاً باعث بی‌اعتباری ملتی شود، یک کشور را با رفتارهای و تصمیمات خود ناامن کند، با احتکار و گران‌فروشی مردم را دچار فقر کند و... کاری که حضرت یوسف کرد و در قرآن نیز داستانش آمد، این بود که امنیت اقتصادی و غذایی را همراه با امنیت جانی برای مردم تدارک دید. جناب یعقوب(ع) هنگام رهسپار کردن فرزندان خود به مصر به آنها فرمود: «وارد مصر شوید که به خواست خدا در امن و امان هستید.» (یوسف/ ۹۹) در واقع تدبیر جناب یوسف(ع) باعث شد مردم در اطراف و اکناف و شهرهای مجاور مصر هم احساس امنیت کنند و جهت دریافت کمک از ایشان به مصر بروند. کسانی که متولی اقتصاد جامعه هستند، اگر در کار خود سستی کنند و در به وجود آمدن مشکلات اقتصادی و... سهیم باشند، جامعه را از هر نظر ناامن کنند، مردم را در خطر بیندازند و باعث آزار مردم شده و مسلماً مصداق کسی هستند که به جنگ با خدا رفته است. اهل بیت(ع) حتی کسی را که مردم را سرگردان می‌کند، محکوم کرده‌اند. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «وای بر صنعتگران امت من که با امروز و فردا کردن کارهای مردم را به تاخیر می‌اندازند و مراجعان را سرگردان و خسته می‌کنند.» (من‌لا‌یحضره، ج ۳، ص ۲۰۳) هر نوع مزاحمت و آزاری قطعاً جنگ با خداست و خداوند آزاردهندگان را در همین دنیا تنبیه می‌کند.

در واقع مؤمن کسی است که خود را به زحمت می‌اندازد برای آسایش مردم، نه آنکه مردم را به زحمت بیندازد برای لذت‌های زودگذری که فورا به ذلت تبدیل می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «مؤمن خود را در زحمت و سختی نگه می‌دارد و مردم از ناحیه او در راحت هستند.» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۳) پیامبر اکرم(ص) نیز در مورد خدمت‌گزاران می‌فرمایند: «هر مسلمانی که جمعی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به شمار کسانی که خدمت کرده، در بهشت به او خدمت‌گزار می‌دهد.» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷)

سلوک

قطره‌ای از دریای بیکران

نگاهی به صلح امام حسن(ع)

ایمان معینی
کارشناس علوم اسلامی

بررسی لایه‌های پنهان صلح امام حسن(ع) نشان می‌دهد، جنگ حضرت با معاویه به سپاهی نیرومند و هماهنگ نیاز داشت، در حالی که مردم عراق با توجه به جنگ‌های صفین و نهروان، خسته بوده و انگیزه‌ای برای جنگیدن نداشتند و نوعی علاقه به صلح در آنها موج می‌زد؛ علاقه‌ای که دعوت امام به جنگ را جواب ندادند یا با نوعی سستی و کندی برخورد کردند. به نحوی که برخی یاران صدیق حضرت(ع) را به واکنش وادار کرد و مردم را به دلیل این بی‌توجهی به دعوت امام(ع) توبیخ کردند و حضرت(ع) مجبور شد با سپاهی اندک به سوی «نُخیله» حرکت کند. بعد از ده روز ۴۰۰۰ نفر در اردوگاه حاضر شدند که امام(ع) را واداشت به کوفه برگردد تا تدبیری تازه بیندیشد. با این توصیفات می‌توان گفت یاران امام(ع) همدل و همراه نبودند و به چند گروه تقسیم می‌شدند:

۱ـ شیعیان و طرفداران امیرالمؤمنین(ع)؛

۲ـ خوارج که به دلیل دشمنی با معاویه آمده بودند؛

۳ـ افراد سودجو که به دلیل منافع مادی جمع شده بودند؛

۴ـ افرادی که به پیروی از بزرگ قبیله خود آمده بودند.

پراکندگی و عدم همبستگی سپاه در کلام حضرت(ع) نمایان است. امام مجتبی(ع) در مدائن طی سخنانی از روحیات مردم کوفه پرده برداشتند و در آخر فرمودند: «اگر آماده کشته شدن در راه خدا هستید، بگویید تا با او به مبارزه برخیزیم و با شمشیر پاسخ او را بدهیم و اگر طالب زندگی و عافیت هستید اعلام کنید تا پیشنهاد او را بپذیرم و رضایت شما را تأمین کنم.» (الخصال، ص ۳۳۹) دریغ از شنیدن سخن حق. زمانی‌که سخن امام(ع) به اینجا رسید، مردم از هر طرف فریاد زدند: «البقی البقی» زندگی زندگی. نفرین بر این تفکر که به دنبال هوس دل است، نه کلام امام و رهبر خود. در کنار دلایلی که برای پذیرش صلح از طرف امام حسن(ع) بیان شده، برخی دلایل انسان را به تفکر عمیقی وا می‌دارد؛ از جمله:

۱ـ نامه برخی از بزرگان و رؤسای قبایل عراق به معاویه و دعوت به لشکرکشی؛

۲ـ ملحق شدن فرمانده لشکر و یاران امام(ع) به معاویه. امام(ع) عبیدالله‌بن‌عباس که فرمانده لشکر بود با دوازده هزار نفر به عنوان طلایه‌دار لشکر روانه کردند. قیس‌بن‌سعد و سعیدبن قیس به عنوان جانشینان او به ترتیب انتخاب شدند، قرار شد هر کجا به سپاه معاویه رسیدند، مانع حرکت شوند تا سپاه اصلی به آنها برسند؛ اما عبیدالله درقبال گرفتن یک میلیون درهم شبانه باهشت هزار سرباز به اردوگاه معاویه پیوست و امام(علیه‌ع) را تنها گذاشت.

۳ـ شایعه سازش قیس‌بن‌سعد. معاویه برای ایجاد شکاف در سپاه امام(ع) با جاسوسان خود شایعه سازش قیس‌بن‌سعد را رواج می‌داد که موفق نشد. او چند نفر از افراد خوش ظاهر در میان مردم را به خدمت امام(ع) فرستاد. آنها در مدائن به خیمه امام(ع) وارد شدند و پس از گفت‌وگو هنگام مراجعت جار زدند: «خداوند به وسیله فرزند پیامبر فتنه را خواباند و آتش جنگ را خاموش کرد، حسن‌بن‌علی با معاویه صلح کرد و خون مردم را حفظ کرد.» (اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۸)

مردم به خیمه امام(ع) حمله کردند، همه چیز را به یغما بردند و درصدد قتل امام(ع) برآمدند که موفق نشدند. دو گزینه مهم در اینجا وجود دارد که توجه انسان را جلب می‌کند: یکی تزویر دشمن و دیگری بی‌بصیرتی دوستان. تزویری که با ندای صلح و دوستی، خون خواهی مظلوم و هزاران شعار فریبنده پیش می‌آید؛ اما به هنگام تسلط، خنجر خود را فرو می‌زند و مع‌الاسف در این میان عده‌ای مردم و دوستان بی‌بصیر هستند که فقط ندای صلح و خون‌خواهی دشمن را دیده و چشم خود را بر روی دیگر تزویر خواسته یا ناخواسته بسته نگه می‌دارند. امام حسن(ع) با پذیرش صلح، در واقع خود را قربانی جهل و بی‌بصیرتی مردم کرد و خون بسیاری از انسان‌های عزیز را که قرار بود در معرکه جنگ با معاویه ریخته شود، حفظ کرد.

آیه

زیباسازی برای ایجاد انحراف

محمدرضا قضایی
کارشناس علوم اسلامی

آنچه در دنیا انسان‌ها را منحرف می‌کند و آنان را به سوی گناه می‌کشاند، زیبا انگاشتن گناهان است. گاهی شیطان و نفس آدمی آن گناه را توجیه می‌کند و گاهی آن را زیبا می‌بینند و لذت‌های گذرا و منفی را با ارزش و ماندگار جلوه می‌دهند. این زینت دادن گاهی به دست خودمان صورت می‌گیرد، گاهی از سمت شیطان اتفاق می‌افتد. در هر دو حالت انحراف در دیدن واقعیت به وجود می‌آید که سبب تغییر جهت درست است. در قرآن وقتی گفته می‌شود «وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ...» (انفال/ ۴۸) از آن معانی زیادی می‌توان برداشت کرد. یکی از آن معانی ترغیب و تشجیع است. کسانی که اهل انحراف هستند هرچیزی را زیبا جلوه می‌دهند و همه را به سوی آن فرامی‌خوانند. این ترغیب کردن همراه با تشجیع است، یعنی نوعی شجاعت و جسارت هم در مردم ایجاد می‌کند تا بدون ترس به سمت آن بیایند. در همین آیه آمده است، وقتی سپاه کفر و سپاه اسلام روبه‌روی هم قرار گرفتند و شیطان عرصه را بر کافران و مشرکان تنگ دید، خود را کنار کشید و گفت من از قدرت خدا می‌ترسم. در آیه آمده است: «شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان(زیبا) جلوه داد و گفت: «امروز هیچ‌کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد و من در کنار شما [و پناه‌دهنده شما] هستم». هنگامی‌که دو گروه [کافران و مؤمنان] در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما [پیروانم] بیزارم من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید من از خدا می‌ترسم، خداوند سخت کیفر است»!

انحراف‌گران هنگامی که راه را بسته می‌بینند و احتمال شکست می‌دهند، جلوه‌گری‌ها را منکر شده و به انسان‌ها پشت می‌کنند. حمایت آنها از مردم در سخنان و اهدافش تا وقتی دوام دارد که احساس خطر نکرده‌اند. در آیه دیگری از قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلى أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلى لَهُم»؛ به یقین کسانی که بعد از روشن‌شدن راه هدایت برای آنها، پشت به آن کردند، شیطان اعمال زشت‌شان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است. (محمد/ ۲۵) شیطان و تحریف‌گران برای اهداف‌شان تصویرسازی و آینده‌سازی می‌کنند. برنامه آنها همیشه معطوف به یک شرایط عالی است که هیچ کوشش و هیچ تقوایی را ضمیمه آن نمی‌کنند. اینکه القا می‌کند اگر این کار اتفاق بیفتد یک نتیجه بزرگ به دست می‌آید، یا اگر این کار را کنار بگذاری یک موفقیت بزرگ نصیبت می‌شود یا برای رسیدن به هدفی که موجود است به پشتیبانی خدا و اخلاق نیاز ندارید و... جزء آن تصویرسازی‌ها و ترسیم کردن باطل به جای حق است. کار شیطان زیباسازی، زینت دادن، توجیه کردن و آرزو درست کردن است. او همه چیز را به آینده‌ای نامعلوم گره می‌زند. به عبارتی کاری می‌کند که انسان‌ها داشته‌های خود را برای رسیدن به وضعیتی در آینده‌ای نامعلوم رها می‌کنند. در آیه فوق هم آمد که شیطان در صورت یک انسان مدام مشرکان را به ایستادگی و جنگ ترغیب می‌کرد و آنها را پیروز می‌خواند، اما اینچنین نشد و خودش اولین نفری بود که فرار کرد.

حکمت

مروری بر سیره و سلوک سیاسی امام حسن و امام رضا (علیهم السلام)

پیش درآمد

زدودن چهره نفاق از غاصبان حکومت

حجت‌الاسلام مهدی شریعتی
کارشناس علوم اسلامی

صلح امام حسن(ع) و ولایت عهدی امام رضا(ع) تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند که از وجوه مختلف قابل بررسی است. امام حسن(ع) حکومت را واگذار کردند، اما امام رضا(ع) ولایت‌عهدی را پذیرفتند که هر دو اقدام در نگاه برخی افراد به سازش تعبیر شده است؛ در حالی که به لحاظ ظاهری با هم متفاوت است. شهید مطهری می‌گوید به نظر می‌رسد تا آن زمان واژه ولایت‌عهدی استفاده نشده بود. اولین کسی که این کار را کرد، معاویه بود که پسرش را خلیفه بعد از خود قرار داده و از مردم بیعت گرفت، اما ظاهرا تا آن مقطع از کلمه ولی‌عهد استفاده نمی‌شد. یکی از شباهت‌های این دو اقدام حضرات معصومین این است که طرف مقابل امام (ع)، در سیاست، حقه‌بازی و شیطنت از زمره چهره‌های شاخص حکام و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس بودند. معاویه آن قدر شیطنت و حقه‌بازی داشت که مردم می‌گفتند معاویه از حضرت علی(ع) سیاستمدارتر است. آنجاست که فریاد حضرت بلند می‌شود که به خدا قسم معاویه از من زیرک‌تر نیست. او خیانت و شیطنت انجام می‌دهد که این موضوع از نظر من ناپسند است و ما حکومت را می‌خواهیم که این اتفاق‌ها نیفتد و به خدا قسم من این‌گونه نخواهم کرد. مأمون هم به همین شکل است. حتی برخی او را یک دانشمند و فضل دوست می‌دانستند. همچنین هر دو امام در ابتدای امر، صلح را نپذیرفته و نهایتاً از سر اکراه، اجبار و بی‌میلی پذیرفتند و در عین حال هر دو امام با وضع شرایطی این مسئله را قبول کردند. امام حسن(ع) چند شرط برای معاویه می‌گذارد: اولاً بر اساس کتاب خدا، سنت پیامبر عمل کند. ثانیاً حکومت بعد از معاویه از آن حسن‌بن‌علی(ع) و بعد از او حسین‌بن‌علی(ع) باشد و معاویه حق ندارد از خود خلیفه تعیین کند. ثالثاً باید لعن و اهانت به امیرالمؤمنین(ع) در همه بلاد و منابر تعطیل شود. رابعاً بیت‌المال عراق که ۵ میلیون درهم تخمین زده می‌شود، مستثنا بوده و به معاویه واگذار نمی‌شود و سالی دو میلیون درهم معاویه برای امام حسن(ع) و بنی‌هاشم و بازماندگان شهدای جمل و صفین باید پرداخت کند. برای اینکه شیعه استقلال اقتصادی باید داشته باشد. خامساً تمام مردم و مسلمانان و به خصوص شیعیان در همه جا باید امن و امان باشند و نباید به اینها آسیبی وارد شود. امام رضا(ع) هم فرمود من قبول می‌کنم به شرطی که عزل و نصب نکرده و در امور حکومت دخالت نکنم و با این کار مأمون را بیچاره کرد. در یک نماز مأمون به امام اصرار کرد که امام پذیرفت همان نماز معروف عید فطر است که امام را از وسط راه برگرداندند. آنچه مسلم است، این است که در واقع هر دو امام با این اقدام حساب شده نقاب نفاق، تزویر و دروغ را از چهره مقابل زدودند.

بررسی تحولات سیاسی دوران امام حسن مجتبی(ع) در گفت‌وگوی صبح صادق با دکتر محمد حسین رجبی دوانی

تحمیل صلح با حربه نفوذ

صلح امام حسن(ع) با معاویه یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین حوادث در تاریخ اسلام است. امامان به منزله جانشینان پیامبر وظیفه رهبری امت و تبیین و حفاظت از دین را عهده‌دارند؛ از این رو در هر دوره برای تحقق این مهم شیوه‌ای خاص و متفاوت را در پیش گرفته‌اند. امام حسن(ع) نیز در شرایط بسیار حساس زمان خود با تدبیری خاص توانست ضمن حفظ اصل دین، مراعات حکم خدا و مصلحت مسلمانان، شیعه را از موقعیتی بحرانی و حساس نجات دهد. در حقیقت، آنچه سبب اتخاذ چنین راهبردی از جانب ایشان شد، همان اهدافی است که سبب گزینش راهبرد جهاد و شهادت به وسیله امام حسین(ع) شد و آن بقا و استمرار دین خدا بود. در واقع صلح به این معنا تَن دادن به هرچه دشمن اراده کرده، نیست؛ بلکه نوعی راهبرد برای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های مورد علاقه و پذیرش صلح‌کننده است. در همین راستا و به منظور تبیین ابعاد این مسئله با دکتر محمدحسین رجبی، استاد و پژوهشگر برجسته تاریخ اسلام به گفت‌وگو نشستیم.

اساساً جایگاه امام حسن مجتبی(ع) به لحاظ سیاسی و منصب قدرت در بدو امر چگونه بود و با چه مسائلی روبه‌رو بودند؟

در پی شهادت امیرالمؤمنین(ع)، امام مجتبی(ع) به دو اعتبار در جامعه مطرح می‌شود؛ اگر چه این دو، در حقیقت امر یکی است، اما با توجه به نوع نگاه جامعه و انحرافاتی که پس از رحلت پیغمبر(ص) در بین مسلمان‌ها پدید آمده بود از هم تفکیک می‌شوند. یکی اینکه آن حضرت به امامت می‌رسد و بعد از امیرالمؤمنین(ع) امام جدید است و وظیفه امامت، تداوم رسالت پیغمبر و پاسخگویی به نیازهای معرفتی بشریت و حفاظت از اسلام و مقابله با تهدیداتی را برعهده دارد که دین مبین اسلام را با خطر مواجه می‌کند. اما در پی شهادت امیرالمؤمنین(ع)، به خواست مردم کوفه ـ که آن زمان مرکز خلافت و محل حضور برجسته‌ترین و باسابقه‌ترین مسلمان‌ها بود ـ امام حسن(ع) هم به خلافت و حکومت رسید و هم قدرت سیاسی و رهبری جامعه را به دست گرفت. بر مبنای اعتقادات شیعی، یکی از شئونات کسی که صاحب ولایت و امامت است، حکومت کردن است؛ یعنی رهبری جامعه جزء وظایف امام است، منتها چون در پی واقعه سقیفه، به امامت خیانت صورت گرفت و رهبری جامعه قطع شد، لذا بیشتر جامعه یک تفکیکی بین این دو جایگاه داشتند. امام حسن(ع) در بعد حکومتی، خلافت و ریاست سیاسی جامعه، با مردمی مواجه هستند که ایشان را به عنوان خلیفه پنجم می‌شناسند و چون جامعه به خصوص بعد از قصد خلافت و به انحراف کشیده شدن مسیر اسلام، دیگر برای امام آن وجهه الهی را قائل نبودند، به خود اجازه می‌دادند که امام حسن(ع) را باب میل خود بپندارند و اگر باب میل آنها رفتار نکرد، حتی به او خیانت کنند. امام حسن(ع) در این راستا با یک حاکم یاقی که بخشی از عالم اسلام، یعنی شام را اشغال کرده و حاضر به کناره‌گیری نبود، مواجه شده بودند که مقابل امیرالمؤمنین(ع) سرکشی کرده بوده و همچنان نیز ادامه داشت. در این حال امام حسن(ع) به عنوان رهبر نظام اسلامی تصمیم دارد مانند پیغمبر(ص) با این سرکش که پیشروی کرده و وارد قلمرو آن حضرت شده، مقابله کرده و مردم و نظامیان کوفه را به این عرصه دعوت کنند که از همان آغاز می‌بینیم آنها کوتاهی می‌کنند و حاضر نیستند رهبری را که با او بیعت کرده‌اند، در برابر دشمن یاری کنند. البته با تلاش برخی از سرداران امیرالمؤمنین(ع) و سرزنش کردن مردم، لشکری فراهم شد، ولی این لشکر بی‌انگیزه بود و فقط این بهانه را مطرح کردند که چون از دستگاه حکومت حقوق می‌گیرند و هم خلیفه از آنها خواسته برای جنگ آماده شوند، حرکت می‌کنند وگرنه به راه امام حسن(ع) و به اهداف آن وجود مقدس برای سرکوب این طغیانگر هیچ اعتقادی نداشتند.

پس از لشکرکشی در واقع چه فرآیندی طی شد که امام حسن مجتبی(ع) مجبور به پذیرش صلح با معاویه شدند؟

امام حسن(ع) سپاه را الزام می‌دارد تا جلوی پیشروی‌های معاویه گرفته شود؛ اما فرمانده این پیش‌قراولان وقتی رشوه معاویه را می‌بینند، خیانت می‌کند و با گروهی از افراد تحت امر خود به جبهه دشمن می‌پیوندند. انعکاس این خبر سبب تضعیف شدید روحیه سایر رزمندگانی شد که با امام حسن(ع) آمده بودند. از سوی دیگر امام هم می‌دانستند این مردمی که با او حرکت کردند، در بیشتر آنها انگیزه‌های الهی وجود ندارد، از این رو اگر بخواهد با همین وضعیت مقابل دشمن بایستد، چه بسا قبل از اینکه دشمن به آنها حمله‌ور شود از داخل خیانت صورت بگیرد و ضربه‌ای بزرگ وارد شود. به همین دلیل امام تصمیم گرفتند با یک سخنرانی در جمع نیروهای خود، آنهایی را که انگیزه‌های مادی داشتند یا به عبارتی انگیزه الهی نداشتند یا اصلاً بی‌انگیزه بودند، از صفوف لشکریان خود تصفیه کنند و همراه افرادی که واقعا با اعتقاد در عرصه حاضر شده بودند، با معاویه روبه‌رو شوند. وقتی امام(ع) سخنرانی خود را ایراد می‌کردند، در نقل‌های تاریخی آمده است برخی افراد که عمدتاً از کلام‌شان مشخص بود از خوارج بوده‌اند، سخنرانی امام را قطع و به ایشان توهین کردند، امام اقدام به پایین آمدن از منبر کردند که به داخل خیمه خود برود، سپس به خیمه امام حمله کردند و آنچه را که آنجا بود، غارت کردند؛ در حالی که هنوز لشکر امام(ع) با دشمن مواجه نشده بود؛ چون بی‌انگیزه یا مخالف اهداف امام بودند و همراهی با ایشان را به نفع خود نمی‌دیدند. جاسوسان معاویه از این مسئله مطلع شدند و به او گزارش دادند و معاویه هم به امام پیشنهاد می‌کند و در نامه قید می‌کند تو می‌خواهی با این لشکری که این‌گونه از هم پاشیده با من مواجه شوی؟ همچنین تعدادی از نامه‌های فرماندهان لشکر امام حسن(ع) را ضمیمه نامه کرده بود که آنها برای معاویه نوشته بودند تعیین کن حسن را زنده یا مرده تحویل تو دهیم؛ لذا امام(ع) در یک موقعیت بسیار خطیری قرار گرفته بودند که مردم و نیروهای نظامی با او همراه نبودند و دل به سوی دشمن داشتند. در واقع آنها می‌دانستند ایشان فرزند پیامبر بوده و از صلاحیت‌های بی‌مانندی برخوردار هستند، اما چون جامعه بسیار به انحراف کشیده شده بود، حاضر نبودند رهبر حق، الهی و پاک را تحمل کنند و منافع خود را در همراهی با دشمن می‌دیدند. لذا اینجا امام حسن(ع) چاره‌ای جز واگذار کردن حکومت نداشتند.

همراهی نکردن مردم با امام(ع) و خیانت صورت گرفته تا چه حد از سوی مردم به صراحت عنوان می‌شد و به زبان می‌آمد؟

در تاریخ آمده است، ایشان برای اتمام حجت از همان لشکریان خائن که به ایشان حمله کرده و حضرت را به شدت مجروح کرده بودند، با همان حالت مجروح آمدند و به صراحت فرمودند که اگر رضایت خدا و مرگ با عزت را می‌طلبید، پیشنهاد صلح معاویه را زیر پا بگذارید؛ چراکه بین ما و او جز شمشیر نباید حاکم باشد. در واقع سیاست امام(ع) این بود که این طغیانگر فاسد را باید سرکوب کرد تا شر او را از میان برد. سپس فرمودند: اما اگر باقی ماندن دنیا برای شما اصل است، پیشنهاد او را بپذیرید که از جای جای لشکر فریاد بر می‌آورده شد: دنیا، دنیا و باقی ماندن در دنیا؛ در واقع به صراحت اعلام کردند ما حاضر به پذیرش ادامه حکومت تو نیستیم و معاویه را ترجیح می‌دهیم. اگر اینجا امام(ع) می‌خواستند با همان اندک افرادی که به ایشان وفادار هستند، با معاویه مقابله کنند، هم قطعاً به شهادت می‌رسیدند و شکست پدید می‌آمد و هم حکومت و هم امامت را از دست می‌دادند، یعنی آن وجهه اصلی امام(ع) هم از بین می‌رفت. ایستادن در چنین موقعیتی برای حفظ حکومت، نه تنها حکومت را حفظ نمی‌کرد؛ بلکه امامت را هم از بین می‌برد و نه تنها امام حسن که امام حسین(ع) که پا به پای ایشان حضور داشتند، به شهادت می‌رسیدند، لذا امام(ع) بر مبنای تدبیر بسیار حساب شده مجبور شدند به دلیل خیانت گسترده‌ای که صورت گرفته، حکومت را واگذار کنند تا امامت حفظ شود. اگر امام (ع) می‌خواستند آنجا ایستادگی کنند، قطعا هم حکومت و هم امامت از بین می‌رفت و این هدفی بود که دشمن می‌خواست و به هدف بزرگ خود می‌رسید؛ در حقیقت امام حسن(ع) به دلیل این شرایط حاد و خیانت باری که پدید آمده بود، برای حفظ امامت، حکومت را رها و واگذار کردند که این در حقیقت برد آن وجود مقدس و باخت معاویه است، لذا اگرچه حکومت به دست معاویه افتاد، اما مشاهده کرد خط اصیل اسلام به دست امام حسن(ع) حفظ شده است. رهبر معظم انقلاب تعبیر زیبایی از این موضوع دارند و ایشان می‌فرمایند: «امام حسن(ع) در این شرایط بحرانی و خیانت بار با واگذار کردن حکومت، خط اصیل اسلام را که تا قبل از این از سوی پدرشان در جایگاه خلافت جریان داشت، به صورت زیرزمینی حفظ کردند و ادامه دادند و این کار امام سبب شد اسلام اصیل محفوظ بماند و امامت آسیب نبیند، لذا در آن شرایط بهترین تصمیم بود و در حقیقت امام(ع) بر معاویه غلبه پیدا کردند و نگذاشتند آن تبهکار به هدف اصلی خود برسد.»

آیا شرایط امروز کشور نیز شباهتی با دوران امام حسن(ع) دارد و می‌توان نوع مواجهه ایشان را برای روابط دیپلماتیک کشور نیز توصیه کرد؟

رئیس‌جمهور برای توجیه ناکامی‌ها و شکست خوردن برنامه‌هایی که در نظر داشت، متأسفانه از اهل بیت(ع) هزینه و مطرح کرد که ما درس صلح و سازش را از امام حسن(ع) آموختیم که این حرف کاملا مغالطه، نابجا و غلط است؛ چرا که امام حسن(ع) در موقعیتی قرار داشتند که جامعه همراه ایشان نبود و فرماندهان نظامی خیانت کرده بودند و مردم هم عموما خواهان رفتن به طرف دشمن و پذیرش ذلت و تبعیت از دشمن بودند. آیا کشور و جامعه و مردم شهیدپرور ما و مردمی که هنوز جوان‌هایش این گونه حاضر هستند در دفاع از حرم اهل بیت(ع) جان خود را فدا کنند، قابل قیاس با شرایط امام حسن(ع) هستند؟ آیا رهبر انقلاب ما مثل امام حسن(ع) آن گونه تنها مانده و به این صورت دچار خیانت شده‌اند؟ هرگز این شرایط قابل قیاس با شرایط امام حسن(ع) نیست؛ اگر امام حسن(ع) چندهزار نفر محدود مثل این جوان‌های بصیر، مؤمن و انقلابی ما را داشتند، عالم اسلام را از شر معاویه و اتباع آن نجات داده بودند و حاکمیت حق استمرار پیدا می‌کرد و دشمنان‌شان نابود می‌شد. لذا ما امروز این گونه نیستیم، هر چند جریان نفوذی دشمن و چهره‌های انقلابی دیروز که استحاله شده‌های امروز هستند، برای بقا در عرصه سیاسی و رسیدن به آمال و آرزوهای خود، ساختن با آمریکای تبهکار را تنها راه رسیدن به آمال خود می‌دانند و در جامعه این گونه القا می‌کنند که نمی‌شود با آمریکا در افتاد و برای بیرون آمدن از این مشکلات، تحریم‌ها و فشارهایی که وجود دارد، باید مرتب امتیاز داد و شر دشمن را با دادن امتیاز و کوتاه آمدن از آرمان‌ها و شعارهای خود کم کرد. در واقع این نسخه ذلت‌پذیری است و ایران در این موقعیت هرگز چنین وضعی را ندارد که ما بخواهیم با دادن امتیازهای گسترده به دشمن، شر او را کم کنیم؛ کما اینکه تاریخ نشان داده و تجربه این امر را ثابت کرده است که هر گاه در برابر دشمن عقب بنشینید، او بیشتر جلو می‌آید و طبق فرموده قرآن تا شما را به تبعیت از خود واندارد، دست بر نمی‌دارد. درسی که ما می‌توانیم از اقدام امام حسن(ع) بگیریم، این است که نگذاریم این خائنان و عوامل دشمن در داخل، روحیه مردم مقاوم ما را تضعیف کنند و جامعه را به سمت و سویی بکشانند که زمان امام حسن(ع) رفته بود.

یعنی اینکه برای حل مشکلات روزمره و معاش خود تن به ذلت سازش با دشمن و واگذار کردن امتیازها و موقعیت‌های مهم به او باشیم. وظیفه ما مقابله با این جریان نفوذی و جاده صاف‌کن‌هاست تا نتوانند جامعه ما را به دلیل مشکلاتی که خود آنها پدید آورده‌اند، به این سمت و سو بکشانند که راهکار، تبعیت از خواسته‌های دشمن و کنار گذاشتن اصول و آرمان‌هاست؛ در آن صورت برای ما دیگر نه استقلال و نه نظام اسلامی می‌ماند.

درس‌هایی از سیره سیاسی امام رضا(ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر خانجانی

کیاست در مقابله با ظالم

امام رضا(ع) با سه خلیفه عباسی (هارون الرشید، امین و مأمون) هم عصر بوده‌اند و به طور کلی اوضاع سیاسی و خلافت عباسی در دوران زندگانی امام رضا(ع) ـ مخصوصاً در زمان مأمون ـ با آشفتگی‌های فراوانی همراه بوده است. از ویژگی‌های این مقطع، پیچیدگی شرایط سیاسی ـ اجتماعی و شخصیت خاص مأمون است. از طرف دیگر، قبول ولایت‌عهدی از طرف امام رضا(ع) در شرایطی که ائمه پیش از ایشان همواره از حکومت‌های وقت فاصله گرفته‌اند، سبب طرح پرسش‌های اساسی در نزد شیعیان شده و اهمیت واکاوی این مسئله را بیش از پیش آشکار می‌کند. لذا پرسش و محور اصلی این گفت‌وگو، توصیف و استخراج نحوه تعامل امام رضا(ع) با حکومت جور است که به این منظور به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قاسم خانجانی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آمدیم و زوایای مختلف این مسئله را از ایشان جویا شدیم.

مواجهه سیاسی امام رضا (ع) با حکومت آن زمان مشخصاً از چه مقطعی و چگونه شکل گرفت؟

محور اصلی سیاست امام رضا(ع) نپذیرفتن و باطل دانستن قدرت مسلط آن زمان و مشخصاً بنی‌عباس و حاکمان عباسی بود، منتها تا ایشان در مدینه حضور داشتند این مقابله یا انکار قدرت عباسی خیلی رنگ و بوی سیاسی نداشت، چراکه مواجهه‌ای با امام رضا(ع) وجود نداشت و احیاناً برخوردی که بخواهد مزاحمتی برای امام رضا(ع) ایجاد کند، ایجاد نمی‌شد و طبیعتا ایشان به همان امور مربوط به امامت و مباحثی از این قبیل در مدینه اشتغال داشتند؛ اما بحث مزاحمت حکومت هنگامی شروع می‌شود که اثرگذاری امام رضا(ع) را در مدینه مشاهده می‌کنند. در حقیقت آن منشأ اقدام برای احضار امام رضا(ع) به مرو، در همان جمله‌ای که مأمون مطرح می‌کند کاملاً روشن است که نشان می‌دهد نگرانی‌های مأمون از چه نوعی است و قصد وی از احضار امام رضا(ع) چیست که البته به هدف خود نرسید. مأمون به این دلیل امام رضا(ع) را احضار می‌کند که ایشان مردم را به محوریت امام دعوت کرده و آنها را گرد خود جمع می‌کردند و این برای مأمون قابل قبول نبود؛ چرا که تصور می‌کرد امام رضا(ع) می‌خواهد یک حکومتی در سایه حکومت بنی‌عباس در مدینه برای خود ایجاد کند که این حاکم عباسی قابل قبول و تحمل نبود.

خلیفه عباسی برای همراه کردن امام رضا(ع) با حکومت چه پیشنهادهایی برای ایشان داشت؟

مأمون به تصور اینکه می‌تواند امام رضا(ع) را فریب دهد، بحث واگذاری خلافت را مطرح می‌کند؛ البته کاملاً برای امام(ع) روشن بود که این واگذاری خلافت یک فریب و دام است و فقط می‌خواهد امام(ع) را همراه خود جلوه دهد و سپس از موقعیت امام در جامعه آن روز کاسته شود و کار خود را انجام دهد، لذا آن را نپذیرفتند. امام رضا(ع) در این باره استدلال جالبی داشتند که فرمودند اگر حکومت حق شماست که خدا به شما واگذار کرده است شما حق ندارید آن را به دیگری بسپارید و اگر حکومت حق دیگری است، شما چطور حق دیگری را می‌خواهید به کسی دیگر ببخشید؟ مأمون وقتی می‌بیند اگر امام خلافت را نپذیرد کار دشوارتر می‌شود، ولایت‌عهدی را پیشنهاد می‌کند. امام، ولایت‌عهدی را نیز نپذیرفتند تا آنجایی که مأمون به تهدید متوسل می‌شود و امام هم به نوعی با یک اجبار و اکراهی که مساوی با ادامه حیات و زندگی خویش است، پذیرفتند. به عبارتی اگر نمی‌پذیرفتند ممکن بود منجر به قتل امام شود؛ فلذا آن موقع پذیرفتند.

در اینجا این نکته قابل توجه است که برخی می‌گویند چه اشکالی داشت اگر امام این را نمی‌پذیرفت و مثل امیرالمؤمنین(ع) و امام حسین(ع) به شهادت می‌رسید که باید توجه داشت شهادت امام حسین(ع) آثاری نه تنها در زمان خود؛ بلکه در طول تاریخ اسلام و جهان بشریت داشته و دارد که شهادت امام رضا(ع) نمی‌توانست این اثر را داشته باشد، لذا امام مصلحت دیدند که ولایت‌عهدی را بپذیرند؛ اما نه آن طور که مأمون می‌خواهد بلکه آن طور که خود می‌خواهند، و این به نفع اسلام و مسلمین و جامعه اسلامی است.

یعنی فارغ از اجبار و اکراهی که برای پذیرفتن ولایت‌عهدی وجود داشت، چه آثار و پیامدهایی را می‌توان برای این پذیرش در نظر گرفت؟

در حقیقت امام پذیرفتن ولایت‌عهدی را با دو هدف انجام دادند؛ یکی اینکه ایشان به قتل نمی‌رسیدند و ادامه حیات ایشان می‌توانست آثار مهمی در جامعه اسلامی داشته باشد و چند سال دیگر امامت خویش را ادامه دهند که شرایط برای امام بعدی نیز فراهم شود؛ چرا که اگر امام ولایت‌عهدی را نمی‌پذیرفتند و به شهادت می‌رسیدند امام بعدی که امام جواد(ع) بودند؛ حدود ۳ یا ۴ سال داشتند و امامت ایشان در آن سن می‌توانست مشکلاتی در برداشته باشد. با توجه به اینکه وقتی امام رضا(ع) به امامت رسیدند، حدود هفت ساله بودند و شبهات و مشکلاتی به وجود آمد چه برسد به اینکه در سه سالگی به امامت می‌رسیدند.

از جهت دیگر پذیرفتن این ولایت‌عهدی یک راه و طریقی در طول تاریخ شده است که اگر در مقاطعی مجبور شدید با ظالم و حاکم ستمگر زمان خود کنار بیایید، اصل موضوع اشکالی ندارد و پذیرفته است، اما به حداقل‌ها اکتفا کنید که این یک درس حتی برای امروز ماست.

به نظر شما به طور مشخص از سیره سیاسی حضرت رضا(ع) چه محورهایی را می‌توان برای سیاست‌ورزی در مقطع فعلی استخراج کرد؟

در حقیقت می‌توانیم از این حرکت سیاسی امام رضا(ع) درس بگیریم که اگر در یک زمانی مجبور شدیم با دشمنان و ظالم حاکمی که در حال حاضر در رأس کار است، کنار بیاییم؛ اصل کنار آمدن را بپذیریم اما به حداقل‌ها اکتفا کنیم، به عبارتی اگر قرار شد یک توافقی داشته باشیم، در اصل اشکالی ندارد؛ اما بر اساس حداقل‌ها و نه بر اساس آنچه طرف مقابل می‌خواهد و بر اساس حداکثرهایی که ما همه چیز را از دست بدهیم. متأسفانه ما این وضعیت را در قضیه برجام دیدیم که اگر مسئولان ما این حرکت و رفتار سیاسی امام رضا(ع) را الگو قرار می‌دادند و می‌گفتند ما هم مثل امام رضا(ع) ناچاریم به نوعی پیمان ببندیم اما در آن حداقل‌ها را در نظر می‌گیریم، الآن با این وضعیت اسفباری که دچار هستیم مواجه نمی‌شدیم، مسئولان ما اشتباه کردند و بیش از حداقل‌ها را موافقت کردند و کنار آمدند. در حالی که می‌شد با آنها بر سر حداقل‌ها توافق کرد و اگر نمی‌پذیرفتند سیاست دیگری در پیش می‌گرفتند، نه اینکه پیشاپیش خودمان به امید گشایش‌هایی همه چیز را تعطیل کنیم که گشایشی هم صورت نگرفت؛ چراکه ما با سیاست امام رضا(ع) رفتار نکردیم. لذا امام با دو هدف ادامه حیات خویش برای رسیدن شرایط جامعه اسلامی به جایگاه و موقعیتی که امام بعدی مشکلی نداشته باشد و توافق بر حداقل‌ها ولایت‌عهدی را در حد یک نام پذیرفتند.

امام(ع) با وضع شرایط در پذیرش ولایت‌عهدی چگونه صحنه را مدیریت کرده و اهداف مأمون را ناکام کردند؟

در واقع امام شرط‌هایی گذاشتند که از کیاست ایشان بود و مأمون متوجه آنها نشده بود و بعدها که متوجه شد زمینه شهادت امام رضا(ع) را به وجود آورد؛ چراکه مأمون دید نمی‌تواند کاری انجام دهد. امام پذیرفته بود که ولی‌عهد باشند به شرطی که در امور سیاسی دخالت نکنند و هیچ عزل و نصبی هم نداشته باشند، در واقع یک نام از این ولایت‌عهدی برای امام باقی بماند که مأمون پذیرفته بود اما بعدها متوجه شد به هیچ عنوان نمی‌تواند به هدفش برسد. امام حتی وقتی می‌خواست برای نماز عید فطر که از شئون حکومت است و از ناحیه حکومت برگزار می‌شود، حضور پیدا کند، برخلاف رسم حکومت و بدون هیچ گونه تشریفات و ابهت ظاهری خواستند به مصلی بروند و فرمودند اگر قرار باشد نماز را برگزار کنم، برگزار می‌کنم اما آنچنان که رسول خدا(ص) برگزار می‌کرد که آنها متوجه نشدند و پذیرفتند. اما وقتی امام(ع) بدون مرکب و خدم و حشم با یک تواضع و فروتنی و یک دنیا وقار معنوی با همراهی شیعیان به سمت مصلی حرکت کردند، مأموران حکومت این موضوع را به مأمون اطلاع دادند که اگر علی‌بن‌موسی(ع) قرار باشد به این شکل نماز را برگزار کند، تمام شدن نماز مساوی است با یک شورش و هجمه‌ای بر ضد حکومت و مخالفت جدی از ناحیه مردم با حکومت که همین امر حکومت را به خطر خواهد انداخت. لذا در نیمه راه امام(ع) را برگرداندند و اجازه برگزاری نماز عید فطر را ندادند. این موضوع بهترین دلیل است که امام(ع) حاضر نشدند بیش از آنچه توافق کرده بودند، انجام دهند والا باید به اجبار می‌گفتند اگر شما می‌گویید این روش رفتن ایراد دارد، با مرکب می‌رویم و نماز را برگزار می‌کنیم، اما این کار را نکردند و از نیمه راه بازگشتند و حاضر نشدند از آرمان‌های خویش کوتاه بیایند.

امام(ع) با این طرز تفکر، ولایت‌عهدی را پذیرفتند و در حقیقت در سیاست آن روز، نقش‌آفرینی کردند، لذا مأمون و حکومت عباسی به هیچ عنوان به هدف‌شان نرسیدند. هدف مأمون این بود که با نزدیک شدن به امام(ع) و جذب ایشان در سیاست و دستگاه حکومت، یک نوع تأیید و مشروعیتی برای خود ایجاد کند و به مردم این طور القا کند که اگر شما می‌بینید من حاکم هستم، اما در کنارم کسی مثل امام رضا(ع) ولایت‌عهدی را عهده دار است و این به معنای مشروعیت حکومت ماست؛ چرا که اگر غیر از این بود امام(ع) ولایت‌عهدی این حکومت را نمی‌پذیرفتند. برخی‌ها در ابتدا چنین فکری می‌کردند، اما وقتی برخورد امام را دیدند که از همان جلسه پذیرفتن ولایت‌عهدی اکراه و مخالفت ایشان آشکار بود تا انجام ندادن کارهای سیاسی و امور دولتی و حکومتی و نماز عید فطر، اینها نشان‌دهنده این بود که به این شکل ولایت‌عهدی و پذیرش آن از سوی امام رضا(ع) نمی‌توان برای حکومت عباسی مشروعیت دست و پا کرد، بلکه این پذیرفتن ولایت‌عهدی یک نوع مخالفت نرم و پنهان و زیرسؤال بردن جدی حکومت عباسی است، آن هم نه تنها حکومت مأمون بلکه حکومت پدران مأمون و در کل بنی‌عباس و قبل از آن بنی‌امیه و در اصل زیرسؤال بردن حکومت به دست غیر امام معصوم است.

به عنوان آخرین سؤال، مهم‌ترین درس سیاسی امام هشتم را برای سیاستمداران امروز چه می‌دانید؟

می‌توان گفت مهم‌ترین برگ حرکت سیاسی امام رضا(ع) همین مدل تعامل و به تعبیر بنده تقابل پنهان و تقابل جدی، اما نرم و خاموش با حکومت عباسی بود که می‌تواند برای ما و در طول تاریخ درس باشد. همچنین متوجه باشیم اگر قرار است حیات سیاسی خود را در چارچوب اسلام و ولایت اهل بیت(ع) به پیش ببریم، باید آن را در نظر داشته باشیم. ما هیچ گاه نمی‌گوییم جنگ و مقاومت به هر قیمت یا به قیمت نابودی جهان اسلام و جامعه اسلامی باشد، بلکه شعار ما شعار امام رضا(ع) است که اگر نمی‌شود مقاومت و مقابله با ظالم به شکل جدی و علنی داشت، اما می‌شود به شکل نرم و پنهانی و از داخل به گونه‌ای رفتار کرد که آن ظالم و حاکم ستمگر دچار بی‌هویتی جدی و خلاء مشروعیت و مقبولیت شود. همچنان که در زمان مأمون به وجود آمد و او دید چاره‌ای نیست جز اینکه امام را از سر راه خود بردارد و تصمیم گرفت امام را به شهادت برساند.

صلح امام حسن(ع)
پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

نویسنده: شیخ راضی آل‌یاسین
مترجم: سید آیت‌الله علی خامنه‌ای

برای معرفی این کتاب همین بس که رهبر معظم انقلاب پس از اینکه این کتاب را جامع‌ترین و مستندترین کتاب درباره صلح امام حسن(ع) معرفی می‌کنند درباره انگیزه ترجمه این کتاب می‌گویند: «پیش از اینکه به ترجمه این کتاب بپردازم مدت‌ها در فکر تهیه نوشته‌ای در تحلیل موضوع صلح امام حسن(ع) بودم و حتی پاره‌ای یادداشت‌های لازم را نیز گرد آورده بودم، ولی پس از آشنایی با امتیازات فراوان این کتاب مرا از فکر نخستین باز داشت و به ترجمه این اثر ارزشمند وادار کرد.» [illegible]

انسان ۲۵۰ ساله

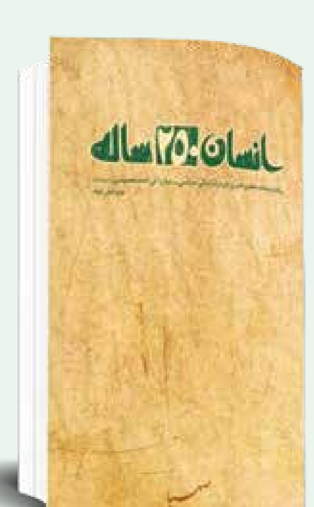

گردآوری: سخنان آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

بیانات مهم و مبسوط رهبر معظم انقلاب در دومین کنگره جهانی امام رضا(علیه‌السلام)، مرداد ۱۳۶۵، درباره عنصر جهاد و مبارزه سیاسی در زندگی ائمه(علیهم‌السلام) و طرح عنوان کلیدی «انسان ۲۵۰ ساله» که تصویرگر حرکت یکپارچه و پیوسته ائمه به سوی مقصدی واحد است، [illegible]

دبیر گروه پرونده: متین محجوب
مصاحبه و گزارش: زهرا ظهرود

پیام به هواداران مذاکره

علی اکبر هاشمی رفسنجانی در مقابل میکروفن کریستین امانپور

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

سال‌های پایانی دوران ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، روزهای پر حادثه‌ای داشت. در آن ایام دوستان دولت سازندگی که با حمایت از وی وارد مجلس چهارم شده بودند، به تدریج می‌رفتند که در صف منتقدان وی قرار گیرند. عوارض برنامه‌های توسعه دولت سازندگی نیز بر صف معترضان و منتقدان هاشمی افزوده بود. جریان چپ با محوریت مجمع روحانیون مبارز و روزنامه سلام هم که از مدت‌ها قبل پرچمدار انتقاد به سیاست‌های هاشمی بودند. در این میان بخشی از مواضع سیاسی و عملکرد وی نیز بیش از پیش بر حساسیت‌ها می‌افزود. از جمله این اقدامات می‌توان به مصاحبه وی با خبرنگار شبکه تلویزیونی «سی‌ان‌ان» آمریکا اشاره کرد.

در روز یازدهم تیرماه سال ۷۴، برنامه زنده‌ای از شبکه سی‌ان‌ان برای جهانیان پخش شد که در آن خانم «کریستین امانپور»، خبرنگار ایرانی‌الاصل این شبکه تلویزیونی، گفت‌وگویی را با آقای هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور ترتیب داده بود. در این مصاحبه موضوعات متعددی از قبیل رابطه ایران و آمریکا، مسئله صلح خاورمیانه و مسئله فلسطین، رابطه ایران و کشورهای همسایه به خصوص عراق، مسئله تهدید حمله هوایی رژیم صهیونیستی به نیروگاه هسته‌ای و... مطرح شد که رئیس‌جمهور به آنها پاسخ داد.

پرسش‌ها و پاسخ‌های رد و بدل شده واکنش‌های متفاوتی را به همراه داشت. خبرگزاری‌های خارجی اغلب با استقبال از سخنان رئیس‌جمهور از آن به عنوان «تمایل ایران برای برقراری رابطه با آمریکا» یاد کردند. صدای آمریکا در این رابطه گفت: «علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری ایران در نخستین مصاحبه مستقیم تلویزیونی خود، خواستار روابط بهتری بین کشورش و ایالات متحده شد. آقای هاشمی‌رفسنجانی این مطلب را که ایران از افراطیون اسلامی که درصدد برهم زدن جریان صلح خاورمیانه هستند، پشتیبانی می‌کند، انکار کرد. وی مخالف کشورش را با صلح با اسرائیل تکرار کرد.»

اما در داخل زمان انجام مصاحبه، لحن استنطاق‌گونه و چهره بی‌حجاب مجری برنامه و پاسخ‌های بینابین و مبهم رئیس‌جمهور، اعتراضات شدیدی را به همراه داشت و اغلب نشریات و جریان‌های سیاسی منتقد دولت مواضع و سخنان رئیس‌جمهور را نقد کردند. هفته نامه «پیام دانشجو» در مقاله‌ای با عنوان «پیرامون مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور با N.N.C آمریکا» نقدهایی را به بخش‌های مختلف برنامه پخش شده وارد کرد که از جمله زمان برگزاری مصاحبه بود. نویسنده مقاله چنین نوشت: «این مصاحبه دقیقاً در شب حادثه فاجعه‌آمیز سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس توسط آمریکای جنایتکار و در زمانی که ایران اسلامی سالگرد شهادت نزدیک به ۳۰۰ نفر از هموطنان بیگناه خود را برگزار می‌کرد، این آمریکایی مغرور، به اصطلاح تمدن و انسان دوستی خود را به رخ رئیس‌جمهور اسلامی ایران می‌کشید و این نکته نیز بسیار دردناک است.»

در جایی دیگر درباره مواضع آقای هاشمی علیه آمریکا می‌نویسد: «به نظر می‌رسد وقتی مسئولان می‌خواهند در مورد ایران و آمریکا سخن بگویند، باید صریح سخن بگویند. سخنان چند پهلو، آن هم از موضع انفعال، جبهه انقلاب در مقابل شیطان بزرگ را تضعیف می‌کند.» تشکل‌های دانشجویی نیز در این ماجرا از جمله منتقدان سرسخت سخنان هاشمی بودند که از جمله آنها می‌توان به بیانیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های تهران اشاره کرد.

هفته‌نامه «صبح» به مدیر مسئولی مهدی نصیری، نیز در سرمقاله خود با عنوان «تأملی پیرامون یک مصاحبه» می‌نویسد: «آن دسته از پاسخ‌ها که سعی در ارائه چهره‌ای صلح‌طلب از ایران داشت، به گونه‌ای غلیظ بود که برخی از جریان‌های داخلی متمایل به غرب و آمریکا را به طمع انداخت تا به آمریکایی‌ها بگویند: «درها باز باز است، معطل چه هستید؟»... در حالی که این آمریکا است که همیشه درهایش برای مذاکره و مراوده با ایران گشوده بوده است اما همیشه پاسخ نه، شنیده است.»

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در ارگان خود با درج مقاله‌ای مفصل با عنوان «پیرامون مصاحبه رئیس‌جمهور با شبکه N.N.C» که تیتر یک عصر ما را به خود اختصاص داد، وارد نقد و بررسی این مصاحبه شد و آن را «ضعیف‌ترین مصاحبه رئیس‌جمهور با رسانه‌های خارجی» خواند. عصر ما در ابتدا ضمن موافقت از انجام چنین گفت‌وگوهایی در دفاع از آن نوشت: «اساسا استفاده از تریبون‌های بین‌المللی و رسانه‌هایی که برد وسیعی در سطح جهانی دارند، برای ابلاغ پیام مردم ایران و انقلاب اسلامی، امری است که فایده عقلایی و در برخی موارد ضرورت آن برکسی پوشیده نیست. لذا به طور اصولی می‌توان از انجام چنین مصاحبه‌هایی دفاع کرد و هوشمندانه، از مضار احتمالی آن حتی‌الامکان پرهیز نمود.»

در ادامه ضمن تقسیم ایرادات وارده به دو بخش لغزش‌های شکلی و لغزش‌های محتوایی، موارد زیر را برای اشکالات شکلی برمی‌شمرد: ۱ـ انتخاب نامناسب روز و ساعت انجام مصاحبه، ۲ـ حجاب نامناسب مصاحبه‌کننده و فرد مصاحبه‌کننده که ایرانی‌الاصل است، ۳ـ حالت استنطاق‌گونه داشتن مصاحبه و لحن مصاحبه‌گر، ۴ـ ضعف مترجم، ۵ـ پخش نکردن مستقیم مصاحبه در داخل کشور که شبهه سانسور بخشی از سخنان را تداعی می‌کرد.

مقاله در ادامه پنج عنوان را برای لغزش‌های محتوایی به تفضیل تشریح می‌کند و در بخشی از آن می‌نویسد: «در تمام مصاحبه، فرض بر این است که جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد و گسترش رابطه با آمریکا است و به اندازه کافی هم پالس و پیام می‌فرستد، اما آمریکایی‌ها تغافل می‌کنند و زیر بار روابط «حسن‌همجواری» نمی‌روند... .» در پایان مقاله، در مرحله جمع‌بندی می‌نویسد: «چنین مصاحبه‌هایی عملا باعث تجری کسانی می‌شود که به اندک بهانه‌ای به دنبال «درهای باز» و «فرمول‌های عملی» و «مکانیزم‌های مذاکره مستقیم» می‌گردند و به خصوص در سالروز حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرانی و در شرایطی که هنوز مرکب دستورالعمل اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران خشک نشده است، مصاحبه‌ای از موضع تلطف و دفاع‌جویانه در اذهان مخاطبین آمریکایی نوعی عقب‌نشینی آشکار تلقی می‌شود و مردم ایران را نگران می‌کند که چه خطراتی از سوی آمریکا در کمین ما است که رئیس‌جمهور را به اتخاذ چنین مواضعی کشیده است و خدای ناکرده نتیجه آن بیش از آنکه جلب‌نظر مردم آمریکا باشد، ایجاد رعب در دل مردم خودمان خواهد بود.»

تقویم انقلاب

مهاجرت امام(ره) به نوفل لوشاتو

سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

۱۴ مهر ماه سال ۱۳۵۷ امام خمینی(ره) از نجف به سوی کویت حرکت کرد، البته حاکمیت کویت از ورود امام(ره) ممانعت کرد و امام مدت کوتاهی را در حومه بصره به سر برد و سپس از آنجا راهی پاریس شد و پس از اقامت یکی دو روزه راهی روستای نوفل‌لوشاتو شد. این رویداد نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران و جهان شد و ضربات سنگین حیثیتی بر بدنه رژیم شاه وارد کرد؛ به گونه‌ای که یکی از خبرنگاران خارجی عکسی از امام(ره) زیر درخت درج کرده بود و روی دست ایشان نوشته بود: «دستی که سلطنت را لرزاند.» نکته دیگری که می‌توان به منزله شاخصه پیروزی برای انقلاب و شکست برای سلطنت تلقی کرد. سفارت ایران در فرانسه با ارسال تلگرافی به تهران درباره ورود امام(ره) به پاریس کسب تکلیف کرد و پیام رئیس‌جمهور فرانسه را به ایران مخابره کرد. «ژیسکار دستن» رئیس‌جمهور وقت فرانسه که در سفر رسمی در برزیل به سر می‌برد، از دفتر خود خواسته بود به سفیر ایران اطلاع دهد که «به آقای خمینی اطلاع داده شده است که وجود ایشان در خاک فرانسه به عنوان یک توریست تلقی می‌گردد و به همین دلیل مدت اقامت‌شان موقتی است و لذا ظرف این مدت از هر نوع فعالیت سیاسی خودداری کنند.» در همان روز همین که اطلاع داده شد امام قصد دارند یک نشست مطبوعاتی برگزار کنند، بلافاصله دولت فرانسه دو نفر را از طرف دولت مأمور کرد تا با امام ملاقات کنند و رسماً اطلاع دهند که امام نمی‌توانند در برنامه مذکور شرکت کند. همچنین اعلام کردند مصاحبه با خبرنگاران مطبوعات، رادیو و تلویزیون‌های فرانسوی و غیر فرانسوی و همچنین برنامه‌های نماز جماعت و میتینگ‌ها ممنوع است. امام(ره) هم در پاسخ اظهار داشتند، این محدودیت‌ها نمی‌تواند شامل صدور بیانیه و پیام باشد. خبر مربوط به دیدار دو نفر از شخصیت‌های رسمی فرانسه از طرف کاخ الیزه با امام و ابلاغ نظر دولت مبنی بر خودداری از هرگونه فعالیت سیاسی نیز در روزنامه «اطلاعات» درج شد. روزنامه «کیهان» نیز در این زمینه نوشت: «مقامات فرانسوی به حضرت آیت‌الله اطلاع دادند که دولت فرانسه با اقامت دائم ایشان در این کشور موافق نیست. در همین حال، کسب تکلیف شد که دولت فرانسه مایل به ادامه فعالیت سیاسی حضرت آیت‌الله نیست. منابع آگاه گفتند اگر دولت فرانسه مانع فعالیت سیاسی حضرت آیت‌الله شود، ایشان به زودی این کشور را ترک خواهند گفت.» در روز ۱۶ مهر ۱۳۵۷ تعدادی از شخصیت‌های روحانی، سازمان‌ها و انجمن‌ها با ارسال تلگراف‌هایی به رئیس‌جمهور فرانسه، خواستار مهمان‌نوازی از رهبر انقلاب ایران شدند که علاوه بر آن شخصیت‌های انقلابی، چهره‌های مشهور علمی و دینی نظیر آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی تلگراف‌هایی به پاریس خطاب به رئیس‌جمهور و دولت وقت فرانسه مخابره کردند. با این فشارها دولت فرانسه در یک موقعیت حساس قرار گرفت و به این نتیجه رسید که با اخراج امام خمینی(ره) خطر سنگینی را باید تحمل کند. بنابراین دستور اخراج امام را لغو کرد، دولت شریف‌امامی هم بر این گمان بود که حضور امام خمینی(ره) در پاریس از خاطره‌ها محو و فراموش خواهد شد.

دهلیز

بررسی خیانت گروه‌های سیاسی در کودتای نقاب

افتادن نقاب نفاق

مهم‌ترین کودتای طراحی شده علیه جمهوری اسلامی کودتایی بود که به نام «کودتای نوژه» شهرت یافت. در ۱۹ تیرماه ۱۳۵۹ نیز خبری مبنی بر کشف کودتایی گسترده انتشار یافت که افکار عمومی را به خود جلب کرد. «نقاب» نام رمز و برگرفته از «نجات قیام ایران بزرگ»، نام دیگر این کودتا بود که براندازی نظام و حذف فیزیکی حضرت امام(ره) را در دستورکار قرار داده بود. آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری در کتاب «خاطره‌ها» که مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده، می‌نویسد: «سازمان اصلی مدیریت کودتا در ظاهر تشکیلات هوادار دکتر بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم شاهنشاهی و در واقع، سازمان کودتای نظامی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران بود، اما ردپای بسیاری از گروه‌های سیاسی مدعی دموکراسی و مخالفان و منتقدان خشونت در آن مشاهده گردید. گردانندگان اصلی این سازمان در داخل کشور، هم فکران بختیار در جبهه ملی بودند و در حقیقت می‌توان گفت که این کودتا را جبهه ملی و یا حداقل بخشی از این جبهه هدایت می‌کرد. از گردانندگان اصلی این توطئه که بگذریم، اعضای سازمان نقاب، از وابستگان به رژیم سابق بودند که عمده آنها را ساواکی‌ها و نظامیان اخراجی و بازنشسته و تعداد محدودی از نظامیان شاغل، تشکیل می‌دادند.» وی همچنین یک ماه پس از لو رفتن کودتا، طی مصاحبه‌ای در مورد ارتباط چند گروه سیاسی با عاملان کودتا به ارتباط آنان با سازمان اشاره کرد و بر اساس اعترافات گردانندگان کودتا چنین اظهار داشت: «سازمان‌ها و گروه‌هایی مانند پان‌ایرانیست‌ها، جبهه ملی، سازمان چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان این طرح قرار داشته‌اند و مطالعات و بررسی‌هایی نیز در زمینه همکاری یا موافقت [با] هر یک از این گروه‌ها صورت گرفته بوده است... ضمن بررسی‌های انجام شده توسط چند تن از افراد شرکت‌کننده در این طرح [کودتا]، قدرت رزمی سازمان مجاهدین در تهران ۸۰۰ نفر و سازمان چریک‌های فدایی خلق، ۳۰۰ نفر اعلام گردید. پس از این بررسی‌ها تصمیم گرفته شده است که با این دو سازمان صحبت شود و از آنها قول گرفته شود که علیه یا له عاملان این طرح وارد عمل نشوند و در عوض، پس از پیروزی [کودتا] و اجرای کامل طرح، امتیازات خوبی به آنها داده شود.»

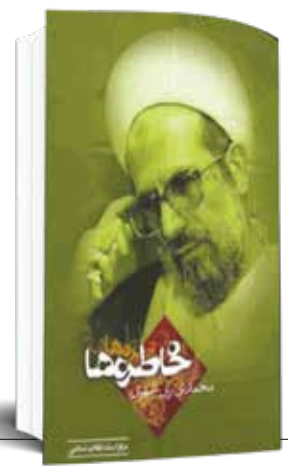

حافظه

مبارزه علیه اشغالگران انگلیسی در سودان

فتح خارطوم

جمهوری سودان، کشوری در شمال خاوری آفریقاست و پایتخت آن «خارطوم» است. بین سال‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۲۱، سودان به دست مصری‌ها تسخیر شد. در دهه ۱۸۸۰، محمد احمدبن‌عبدالله ملقب به مهدی سودانی، رهبری مبارزه با استعمار انگلیس را بر عهده گرفت. مهدی و پیروانش مردم را به اسلام اولیه و احیای آن و توحید و رفع ستم‌ها و غارت‌گری‌های حکّام ترک مصر، اروپایی‌ها، حکام و قدرتمندان محلّی و تقسیم یا مصادره اموال و املاک آنان دعوت می‌کردند و برقراری مساوات، عدالت، برادری و وحدت اسلامی و جهانی و حکومت اسلامی بر مبنای قرآن و سنّت را خواستار بودند. آنها درصدد حلّ و رفع نابسامانی‌های داخلی و بیرون راندن اشغالگران بیگانه و استعمارگران اروپایی بودند.

سال ۱۸۸۳، سال پیروزی‌های قطعی جنبش مهدی بود؛ به گونه‌ای که نیروی عظیمی مرکب از افراد انگلیسی و مصری به فرماندهی ژنرال هیکس انگلیسی، پس از هشت ماه جنگ در نواحی کردفان شکست خورده و تار و مار شدند و خود ژنرال هیکس کشته شد و تعدادی از سربازان لشکر هیکس که در ارتش عرابی پاشا در نبرد علیه انگلستان، خدمت کرده و به عنوان تنبیه به سودان فرستاده شده بودند، به شورشیان پیوستند.

شورش به ایالت ساحلی دریای سرخ گسترش یافت و تا پایان سال ۱۸۸۳، پیروان مهدی و نیروهای جنبش طی یک رشته شکست‌های سختی که بر نیروهای مشترک انگلیسی ـ مصری تحت فرماندهی ژنرال بیکر و دیگران وارد کردند، همه ایالات سودان را آزاد کردند.

انگلستان با تغییر تاکتیک و به قصد سازش با مهدی سودانی، با طرح این مطلب که قیام مهدی علیه سلطه مصر است، تصمیم گرفت سودان را مستقل از مصر اعلام کند؛ ولی بر آن همچون مستعمره بریتانیا، حکمرانی کند و از این رو ژنرال گوردون را در مقام فرمانداری کل سودان ابقا کرد.

او در فوریه ۱۸۸۴، وارد خارطوم شد و در اجرای این سیاست، مالیات‌های عقب‌افتاده را بخشید و زندانیان را آزاد کرد و با اعلام استقلال سودان از مصر، خود را فرمانده کل سودان معرّفی و مهدی را به سمت سلطان کردفان منصوب کرد. مهدی سودانی که آرمان آزادی سودان و مصر و فراتر از اینها را در سر داشت، با خشم فراوان این پیشنهاد را رد کرد و به محاصره خارطوم دست زد و قبل از رسیدن نیروهای کمکی دولت گلادستون به آنها، حمله خود را در ژانویه ۱۸۸۵، آغاز و پادگان انگلیسی‌ها را تسخیر کرد و با کشتن ژنرال گوردون و سایر انگلیسی‌ها، خارطوم را فتح کرد.

مهدی سودانی، اندکی پس از فتح خارطوم و در رمضان ۱۳۰۷ / ژوئن ۱۸۸۵ در پی بیماری تیفوس درگذشت و نهضت او به زوال رفت.

مهم‌ترین شیوه‌های مواجهه با جریان تحریف و تحریم علیه ملت ایران

واقع‌بینی، خدمت‌رسانی و کارآمدی

مصطفی قربانی
کارشناس سیاسی

القای بن‌بست، یأس و ناامیدی در کشور که با پمپاژ خبرهای ناگوار صورت می‌گیرد، نه تنها سبب شده که بسیاری از دستاوردها و خدمات مختلف ارائه شده در کشور نادیده گرفته شود، بلکه بسیاری از پدیده‌ها و تلاش‌ها برای اصلاح و بهبود امور را نیز با دیده تردید و شک مواجه کرده و هرگونه اقدامی، ولو مفید و مثبت، نمایشی، نمادین و بی‌حاصل تلقی می‌شود. آسیب جدی‌تر این قضیه آن است که چنانچه جامعه امید خود به بهبود شرایط را از دست بدهد، احساس بن‌بست کرده است؛ به راحتی آسیب‌پذیر و ضربه‌پذیر می‌شود و به دنبال پاسخ‌های مطلوب به مسائل خود در ورای مرزها می‌گردد و این، یعنی همان چیزی که جریان تحریف و تحریم درصدد تحقق آن است. اما پس از آشکار شدن عمق اهداف و کانون‌های تمرکز جریان تحریف و تحریم، بحث بسیار مهم چگونگی مقابله، شیوه‌ها و راهکارهای خنثی‌سازی این دوقلوهای مضر (تحریف و تحریم) مطرح می‌شود. در این خصوص نکات تأمل‌برانگیز زیر واجد ارزش ویژه‌ای به منظور توجه و ضرورت مقابله با تحریف و تحریم است:

۱ـ توجه به واقعیت‌های سه‌گانه: سه واقعیت انکارناپذیر در ارتباط با شرایط کشور عبارتند از: عظمت ایران، اقتدار جمهوری اسلامی و شکست‌ناپذیری ملّت ایران (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع یکصد هزار نفری بسیجیان، ۱۳۹۷/۷/۱۲) توجه به این واقعیت‌ها و تلاش برای تصویرسازی بر مبنای این واقعیت‌ها، هم تصویرسازی دروغین دشمن را بی‌اعتبار می‌کند و هم این امید و اطمینان را به مردم می‌دهد تا با درک درست جایگاه و موقعیت خود، منتظر رقم خوردن آینده‌ای مطلوب باشند. در این زمینه، تبیین صحیح و منطقی واقعیات سه‌گانه و اقدامات اثربخش و مستمر رسانه‌ای نقش مهمی دارد.

۲ـ پمپاژ خبرهای خوب: بخش مهمی از رسانه‌های رسمی و غیررسمی، مجازی و غیرمجازی در کشور، دانسته یا ندانسته، با برجسته کردن نقاط ضعف و برخی خطاها و از سوی دیگر، بی‌توجهی به نقاط مثبت، اقدامات شایسته و خدمات ارزنده در حوزه‌های مختلف، عملاً به این روند دامن زده‌اند و خواسته یا ناخواسته کارکردی شبیه جریان تحریف پیدا کرده‌اند. بنابراین، یک راه‌حل مهم برای مقابله با این وضعیت این است که رسانه‌های مختلف به نشر خبرهای خوب و خدماتی که در کشور ارائه می‌شود، نیز توجه جدی بکنند.

۳ـ گرفتن ابزار رسانه از دست دشمن: برای مقابله با تصویرسازی منفی از وضعیت کشور از سوی قدرت رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن، باید تولیدات رسانه‌ای کشور به گونه‌ای ساخته و ارائه شود که هم جذاب و اقناعی و هم امیدآفرین و پاسخگوی نیازهای مخاطب باشد.

۴ـ اقدامات قاطع برای حل مشکلات: اقدام جهادی، انقلابی، قاطع، سریع، مقتضی و متناسب برای حل مشکلات از یکسو و برخورد بدون مماشات و ملاحظه با اخلالگران و مفسدان در امور کشور از سوی دیگر نیز راه‌حل اصلی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و سم‌پاشی‌های روانی جریان تحریف است. دو واقعیت مهم در کشور یکی ضعف اراده و سستی برخی مسئولان برای رسیدگی سریع و قاطع به مشکلات مردم است و دیگری این است که اساساً همه مشکلات در دولت و مسئولان ریشه ندارد. بر این اساس، مسئولان باید در حوزه‌هایی که می‌توانند و مربوط به حوزه مسئولیت آنهاست، عزم و اراده جدی برای حل مشکلات داشته باشند. البته صرف همدلی و داشتن عزم و اراده، کافی نیست، بلکه باید اقدامات اثربخش و مفید در راستای حل مشکلات صورت گیرد. به نظر می‌رسد، در صدر این اقدامات باید ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد، حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، چابک‌سازی روندهای بوروکراتیک، مبارزه جدی، علنی، شفاف و اثربخش با مفسدان و محتکران، بویژه آقازاده‌ها و نزدیکان به برخی مسئولان و... قرار داشته باشد. با تحقق این اقدامات، بخش مهمی از مسئله ناکارآمدی که ریشه اصلی مشکلات موجود در کشور است و توطئه‌های جریان تحریف را باورپذیر می‌سازد، برطرف خواهد شد.

۵ـ ارائه تصویر کارآمد از مسئولان: در اینکه مشکلاتی در کشور وجود دارد، جای شک و تردید نیست، اما مسئله مهم در این زمینه، این است که وجود این مشکلات نباید سبب ایجاد ناامیدی در مردم و احساس وجود بن‌بست از سوی آنها شود. در این زمینه، مسئولان باید عزم خود را جزم کرده و حداکثر تلاش خود را برای حل این مشکلات به کار ببرند؛ ولو ممکن است همه تلاش‌های آنها هم نتیجه‌بخش نباشد. در این باره رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت دولت تأکید کردند: «بایستی تصویر دولت در چشم مردم تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می‌کنند.»

۶ـ حفظ وحدت و یکپارچگی: به ویژه در میان نخبگان و مسئولان و هم‌صدایی میان آنها در ایجاد امید و اطمینان برای افکار عمومی بسیار مؤثر است؛ زیرا به میزانی که انسجام نخبگانی در کشور حفظ و تقویت شود، امید و اعتماد مردم به حل مشکلات بیشتر می‌شود. ضمن اینکه وجود اختلاف در میان مسئولان و نخبگان و فراتر از آن، علنی کردن این اختلاف‌ها و کشاندن آنها به سطح رسانه‌ها، عامل و بهانه‌ای است برای جریان تحریف تا هم به تشدید این اختلاف‌ها بپردازد و هم با برجسته‌سازی آنها، مسئولان و نخبگان نظام را نسبت به مسائل روزمره مردم بی‌تفاوت جلوه دهد.

۷ـ بیان تجربیات ملت ایران در عبور از موانع: تاریخ ۴۱ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این نظام همواره درگیر مسائل مختلفی بوده است؛ از جنگ تمام‌عیار نظامی گرفته تا اقدامات تجزیه‌طلبانه مختلف در اقصی نقاط کشور در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، فتنه منافقین، جنگ نرم، تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا و... . جالب آنکه جمهوری اسلامی در این رویارویی‌ها همواره نه با یک دشمن، بلکه با جبهه‌ای از دشمنان با امکانات و ظرفیت‌های به مراتب قوی‌تر و بیشتر از جمهوری اسلامی مواجه بوده است، اما در هیچ‌یک از این رویارویی‌ها، این نظام شکست نخورده و همچنان توانسته است به مسیر خود ادامه دهد. براساس این تجربیات از یکسو و این واقعیت که جنگ معیشتی کنونی از هیچ‌یک از رویارویی‌ها و بحران‌های گذشته سهمگین‌تر نیست، می‌توان گفت که به فضل الهی جمهوری اسلامی توانایی‌های لازم برای عبور از این مرحله را هم دارد؛ به ویژه اگر به نصرت الهی و پشتیبانی بی‌نظیر مردم از این نظام توجه داشته باشیم.

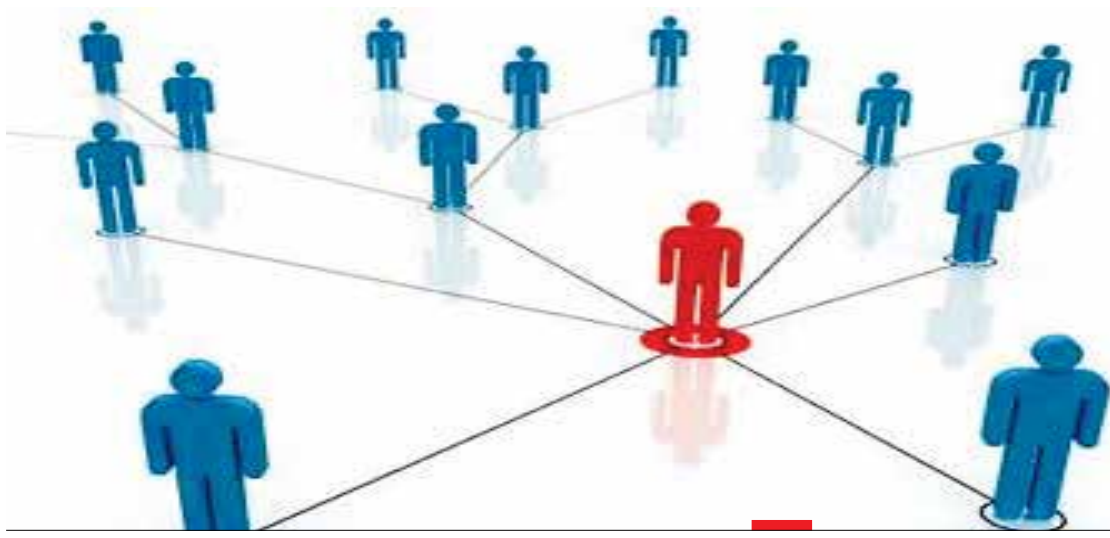

ریزش‌ها

فراز و فرود میرحسین موسوی-۲

فهم نارسا از ولایت فقیه!

با تأسیس حزب جمهوری اسلامی به دست شهید بهشتی در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، میرحسین موسوی هم به این حزب پیوست و دبیر سیاسی این حزب شد و با توصیه هاشمی‌رفسنجانی به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد. او همچنین سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب نیز بود و در این روزنامه مقالاتی در حمایت از دکتر محمد مصدق و جبهه ملی می‌نوشت که با مخالفت شهید حسن آیت، محمود کاشانی و شهید عبدالحمید دیالمه از اعضای حزب جمهوری اسلامی مواجه شد. موسوی تا قبل از انتخابات ۸۸، در موارد متعدد با رهبری نظام جمهوری اسلامی مخالفت کرده بود. ریشه مخالفت‌های وی با فرمان‌ها و دستورات امام خمینی(ره) و رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) را باید در همان اوایل انقلاب جست‌وجو کرد. حیدر رحیم‌پورازغدی، از فعالان انقلابی در مشهد در مصاحبه‌ای درباره نگاه غلط موسوی به انقلاب و مفاهیم حکومت ولایی می‌گوید: «زمان بنی‌صدر، از ریاست‌جمهوری یک نامه بیست صفحه‌ای علیه ولی‌فقیه نوشته بودند که من جوابش را تحت عنوان «بحران کشنده» دادم. آن را بردم به روزنامه جمهوری اسلامی دادم، ولی میرحسین موسوی آن را چاپ نکرد. مقاله را دادم به کیهان و در کیهان چاپ شد... یک روز هم موسوی آمده بود مشهد و درباره ولی‌فقیه سخنرانی کرد. عین عبارت موسوی این بود که گفت: «ما شاه را برداشتیم که باز با دست خودمان شاه بتراشیم؟!» منظورش ولی‌فقیه بود.» موسوی در یکی از جلسات حزب به عنوان کاندیدای وزارت خارجه دولت شهید باهنر معرفی شد. شهید آیت به واسطه سابقه سوسیالیستی موسوی با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرد که با توبیخ مرحوم هاشمی‌رفسنجانی مواجه شد. همچنین شهید دیالمه چند روز پیش از شهادت، با آشکارسازی زوایایی از نگرش و عملکرد موسوی، تأکید کرد: «من طرح کردن افرادی را برای بعضی از پست‌ها و منصب‌ها، صلاح نمی‌دانم و معتقدم سیستم فکری نادرستی را در جامعه پیاده می‌کنند. یکی از نمونه‌هایش را می‌توانم به شما می‌گویم و آن هم آقای موسوی است. خط فکری او، خط فکری جنبش مسلمانان مبارز پیمان است». همچنین شهید دیالمه درباره همسر موسوی ـ زهرا رهنورد ـ گفتنی‌هایی به ویژه در نقد به «سابقه مسلمانی وی و صلاحیتش برای مفسری قرآن» دارد که در این مجال نمی‌گنجد.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۲۳

نسبت هم‌زیستی

محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلّاتی(ره)

در تبیین نسبت هم‌زیستی بین مفاهیم انقلاب و نظام، اشاره شد که مبتنی بر نظریه نظام انقلابی، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هیچ گاه از یکدیگر جدا نبوده و بین آنها نوعی رابطه معیت همانند رابطه روح و جسم وجود دارد و تا زمانی که انقلاب اسلامی مانند روح در کالبد نظام جاری باشد، جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه خواهد داد.

در این پیوند و در یک نگاه عمیق‌تر، تبیین نسبت فوق مستلزم فهم ماهیت انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب است. معظم‌له، انقلاب را یک حادثه محدود به گذشته نمی‌دانند و آن را به حال و آینده تسری می‌دهند. این تسری‌بخشی به دلیل ماهیت تکاملی انقلاب است. به این معنا که در مسیر رسیدن به اهداف غایی، توقف معنا ندارد. رهبر معظم انقلاب، انقلاب را امری مستمر، ماندگار و حقیقتی دائمی معرفی می‌کنند، نه امری دفعی و زائل‌شونده؛ لذا صیرورت، معنایی است که از فهم نسبت میان نظام و انقلاب به دست می‌آید. از منظر ایشان، انقلاب امری تکامل‌خواه و تکامل‌پذیر است و برای رسیدن به سعادت نهایی، منزل‌هایی چون نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت، تمدن نوین اسلامی را در پیش خواهد داشت. از این رو انقلاب اسلامی نه تنها از جمهوری اسلامی که در مرحله دوم فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دارد، جدا نیست؛ بلکه در قالب آن به حیات خود ادامه می‌دهد.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «حرف‌هایی یک عده می‌زنند که بله انقلاب تمام شد... بعضی‌های دیگر هم هستند... در پوشش این حرف را می‌زنند که معنایش تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی است. اصلاً قابل تبدیل نیست. جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحول دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی باشد و الا جمهوری اسلامی نیست، انقلاب یک امر مستمر است.»

بنابراین، در نظریه نظام انقلابی، انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، محتوا و ساختارهای نظام، قالب آن را شکل می‌دهند. محتوای نظام که اسلامیت، قانون الهی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، در یک قالب جمهوری و مردم‌سالاری پیاده شده و امروز در قانون اساسی با تأکید بر شیوه ریاستی صورت‌بندی شده است. البته باید توجه داشت، ویژگی صیرورتی ناشی از انقلابی بودن نظام، اقتضا دارد به هنگام ضرورت، ساختارسازی و شکل‌دهی به جمهوریت نظام، متناسب با تغییر شرایط زمانی و مکانی تحول یابد و با بازخوانی قالب و شکل، نواقص آن برطرف شود؛ البته همین تغییر هم به تعبیر رهبر معظم انقلاب باید متکی و ناظر بر اصول باشد.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی-۲۲

ماهیت مناسبات علمای مشروطه

فتح‌الله پریشان
دبیر گروه اندیشه

از موضوعات مهمی که در بررسی وقایع نهضت مشروطه ملت ایران واجد اهمیت و توجه است، ماهیت مناسبات و روابط علمای عصر مشروطیت به عنوان رهبران سنتی جامعه ایران و منورالفکران، به مثابه پیشگامان تجدد و مدرنیته در ایران است. این موضوع از این رو اهمیت دارد که می‌تواند بر زوایایی از چگونگی نسبت میان سنت با تجدد و دین با دموکراسی در ایران آن روز که البته امروز نیز مسئله برخی افراد و جریان‌های سیاسی است، نوری از فهم روشنایی بتاباند! البته این بررسی کاری سترگ و نیازمند زمان و پژوهش جداگانه‌ای است؛ چرا که هرگونه تحلیل و سنجشی درباره چگونگی مناسبات و روابط علما و روشنفکران عصر مشروطیت هنگامی معتبر است که مناسبات و روابط بین این دو را با توجه به گروه‌بندی‌های متعدد و مختلف علمای دینی از یکسو و تعدد و تنوع گفتمان و اندیشه روشنفکری در میان تجددگرایان و اصلاح‌طلبان زمانه مشروطیت از سوی دیگر و در چارچوب تفاوت‌های موجود در تلقی و مواضع آنان در مراحل مختلف نهضت مشروطیت ایران، بررسی کند.[1]

تلقی و مواضع علمای دینی عصر قاجاریه و مشروطیت درباره چالش میان سنت و تجدد یکسان نبود. مواضع مقابله‌ای علمای سنت‌گرا در نفی تجددطلبی، اولاً به صورت یک طیف باید بررسی شود، ثانیاً علل گوناگون به رسمیت شناخته شود؛ زیرا مخالفت گروهی از علمای دینی در چارچوب افکار و تمایلات سنت‌گرایانه با هرگونه تجددطلبی، نشانه نوعی قرائت از دین بود که بر اساس آن هیچ پیوندی میان دین و اندیشه‌های تجددطلبانه وجود نداشت. از دیدگاه این گروه از علمای دینی، اندیشه‌های تجددطلبانه یکسره با منافع اسلام و مسلمین مغایر بود و می‌توانست خطر سلطه «بیگانگان کافر» را بر جامعه اسلامی به دنبال داشته باشد؛ اما گروهی دیگر، به این پیوند و برقراری رابطه قائل بودند.

مخالفت گروهی از علمای دینی سنت‌گرای سرسخت با تجددطلبی و اصلاحات در ایران، بیش و پیش از آنکه نتیجه و نشانه پیوستگی آنان با استبداد مطلقه یا تلاش برای کسب قدرت و منافع شخصی آنان باشد، دغدغه‌های دینی و دلبستگی آنان را به دین و مصالح جامعه اسلامی می‌نمایاند. هر چند با وجود برخی تفاوت‌ها در ماهیت، علل و انگیزه‌های گروه‌های مختلف علمای دینی عصر مشروطیت با اندیشه‌های مدرن و اصلاحات، می‌توان نشانگانی از ناآگاهی و کم‌آگاهی از تجدد و اصلاحات، ناتوانی در شناخت و درک ضرورت‌ها و ناکارآمدی شخصی و ذهنی فردی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه را نیز یافت، حتی می‌توان این ناآگاهی از نیازهای جامعه و وضعیت جهانی را نوعی عدم شناخت از دین تلقی کرد؛ زیرا اساساً پیروان همه ادیان به ویژه اسلام، با ذهن و اندیشه‌ای خشک و غیرمتحول بار نمی‌آید و بنا بر حدیث پیامبر(ص) «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس»؛ یعنی آگاهی از حوادث و جریانات جهانی و اجتماع، مانع یورش فتنه‌ها بر افراد و جوامع است. بر اساس دیدگاه اسلام، شناخت اجتماع، حکومت و حوادث جهانی بد و خوب سیاست یکی از راه‌های زیرکی و هوشیاری و ایمان مسلمان است.[2]

منابع در دفتر نشریه موجود است.

نگاهی به پدیده کسب درآمد والدین اینستاگرامی از کودکان خردسال

کودکان کار مجازی!

نوید کمالی
دبیر گروه رسانه

اگر قصد احصای مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده وضعیت اقتصادی امروز کشور را داشته باشیم، بدون شک سه عامل شیوع ویروس کرونا، سوء مدیریت اقتصادی و بی توجهی به اقتصاد مقاومتی مهم‌ترین عوامل بحران‌ساز اقتصاد کشورمان خواهند بود که تبعات ناشی از این سه عامل به وضوح معیشت و اقتصاد آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

نمود بیرونی این مسئله را می‌توان در ظهور و بروز و البته شدت یافتن برخی آسیب‌های اجتماعی به خوبی مشاهده کرد.

پدیده «کودکان کار» از جمله آسیب‌های اجتماعی ملموسی است که این روزها بیش از هر زمانی در گوشه و کنار شهرهای پر جمعیت کشور ما قابل مشاهده است؛ اما مراد از کودکان کار تنها کودکان گل فروش و کارگر سر چهار راه‌ها نیست.

بلکه این روزها در سایه رواج بی‌حد و حصر فضای مجازی شاهد ظهور پدیده «کودکان کار مجازی» در شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب کشورمان با محوریت اینستاگرام هستیم.

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند، به طوری که این امر آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند.

بر همین اساس کودکان کار مجازی هم کودکانی هستند که به واسطه جذابیت‌های کودکانه خود از سوی پدر و مادر به ابزاری برای جذب دنبال‌کننده در فضای مجازی و کسب درآمد از طریق تبلیغات تبدیل می‌شوند و جالب اینکه والدین آنها این اقدام خود را سوء استفاده تلقی نمی‌کنند.

امروزه به دلیل فقدان قانون‌گذاری مناسب در حوزه فضای مجازی کشور و فرهنگ‌سازی نامناسب در رابطه با پیامدهای استفاده غیر هوشمندانه از این بستر نوین ارتباطی شاهدیم که برخی از والدین در کوران رقابت‌های پوچ فضای مجازی، کودک خود را اسیر قالب پست یا استوری‌های گوناگون کرده و از این طریق درآمد قابل توجهی کسب می‌کنند.

برای نمونه، با یک جست‌وجوی ساده در اینستاگرام می‌توان صدها کودک و نوزاد ایرانی را مشاهده کرد که به دلیل زیبایی کودکانه یا یک توانایی خدادادی از سوی والدین‌شان به مدل تبلیغاتی بدل شده و در صفحات ساخته و پرداخته والدین خود به تبلیغ کالاهای مختلف مشغولند.

آن هم در حالی که بر اساس قواعد و قوانین مختلف داخلی و خارجی استفاده ابزاری از کودکان آزار آنها محسوب می‌شود؛ چرا که این قبیل رفتارها اثرات جبران‌ناپذیری بر سلامت روانی کودکان گذاشته و تبعات آن دامن‌گیر آینده جامعه می‌شود.

شگرد خانواده‌های درگیر این آسیب به این صورت است که در ابتدا ویدئویی اصطلاحاً بامزه از کودک خود منتشر می‌کنند، مانند ویدئوی پسر بچه‌ای که از وضعیت سیاسی و اقتصادی گلایه می‌کند.

در گام بعدی بعد از مورد توجه واقع شدن ویدئو، فرایند موج سواری خانواده آغاز شده و کلیپ‌های دیگر از کودک منتشر می‌شود و بعد از جلب توجه عمومی صفحه به ظاهر شخصی کودک در اینستاگرام راه‌اندازی می‌شود.

و در بین ویدئوهای کودک کم کم تبلیغات به نمایش در می‌آید و خواهی نخواهی کودک معصوم به بیلبورد تبلیغاتی اجناس و کالاهای مختلف تبدیل می‌شود!

با توجه به تبعات این پدیده ناهنجار و همچنین عضویت کشورمان در کنوانسیون حقوق کودک ضروری است که نهادهای قانون‌گذار کشور با همکاری نهادهای قضایی و انتظامی به این موضوع ورود کرده و مانع از گسترش این پدیده شوم در سطح فضای مجازی شوند.

چرا که بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک تمام دولت‌های پذیرنده باید از استثمار اقتصادی کودکان و سوءاستفاده زیان‌بار از آنها ممانعت کرده و حامی حقوق آنها باشند.

بررسی پدیده کودکان کار مجازی در گفت‌وگو با کارشناس تربیتی

قربانیان والدین فرصت‌طلب

رشد بی‌حد و حصر فضای مجازی تهدیدات متعددی را برای جامعه ما به همراه داشته که از جمله این تهدیدات می‌توان به پدیده کودکان کار مجازی اشاره کرد. این پدیده به دلیل ماهیت نو و مجازی آن، چنان که باید در بین نخبگان و مسئولان کشورمان شناخته شده نیست و به همین دلیل قانون‌گذاری مناسبی برای مقابله با آن صورت نگرفته است، از این رو برای بررسی دقیق‌تر این پدیده با «طاهره ملک‌علی‌پور» دبیر آموزش و پرورش و کارشناس ارشد و پژوهشگر تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (Top of FormBottom of Form) گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

ماهیت پدیده کودکان کار مجازی چیست؟

شنیدن لفظ کودک کار معمولاً ذهن ما را به سمت کودکان دست‌فروش مترو و چهارراه می‌اندازد؛ اما نوع دیگری از کودک کار هم وجود دارد که اگر چه ظاهر شیک و ارباب مهربانی دارد، اما درد و رنجش کم از سایر کودکان کار ندارد. این کودکان که همان کودکان اینفلوئنسر اینستاگرامی هستند، غالباً به صورت عامدانه به دلیل یکی از ویژگی‌های‌شان از جمله زیبایی و خوش اندامی، خوش‌بیانی و فعالیت برنامه‌ریزی شده در زمینه مد معروف می‌شوند و زندگی‌شان در دایره صفحه مجازی‌شان اتفاق می‌افتد. کودکی که دوست دارد رها باشد، مجبور است انواع و اقسام لباس‌ها را بپوشد و ساعت‌ها درگیر عکاسی باشد .نه حریم خصوصی برای این بچه می‌ماند و نه آزادی عمل و حق انتخاب! لذا این کودک به شکل بحران‌زده قد می‌کشد و در نهایت با هزار آسیب و تهدید وارد جامعه می‌شود!

راهکار مقابله با این پدیده چیست؟

از آن زمان که مد به عنوان یک صنعت موجودیت یافت و جایگاه خود را در میان فرآیند مدرنیزاسیون تثبیت کرد، قانون نانوشته سرمایه‌داری نیز بر آن الصاق شد؛ اینکه باید از هر روشی و با هر فرمولی به پول برسید !حال که وجود خود صنعت مد مفروض است و در ادامه آن تبلیغات به عنوان جزء لاینفک آن موضوعیت دارد، باید تعمیم این قانون را در تبلیغات نیز پذیرفت؛ تبلیغ از هر طریقی برای هر چیزی در جهت کسب درآمد.

با در نظر گرفتن پازل مذکور دیدن کودکان کار مجازی هم دور از ذهن نخواهد بود . اسلام بر خلاف فلسفه حاکم بر غرب، روابط اقتصادی را دارای قاعده اخلاقی می‌داند، لذا در فضای مجازی ساخته و پرداخته غرب پدیده کودکان کار، مسئله غریبی نیست! از همین رو تعریف راهکارهای خارجی هم چون موارد قانونی و قضایی نیز تأثیر چندانی نخواهد داشت .آنچه مواجهه ما را مؤثر می‌کند، استفاده از منطق حاکم بر فضای موجود علیه خود فضاست ! یعنی اینکه بدانیم در صفحات اینستاگرامی دو نوع موجود زیست می‌کنند: اولی دنبال‌کننده و دومی دنبال‌شونده. اگر چه افسار حرکت در دستان دنبال‌شونده است، اما دنبال‌کننده آن مرکبی ست که قرار است سواری بدهد، لذا عمل دنبال‌شونده بر اساس موجودیت دنبال‌کننده تعریف می‌شود. اگر دنبال‌کننده‌ای وجود نداشته باشد، به خودی خود حرکت دنبال‌شونده خاموش می‌شود. مشابه این استدلال در فرآیند شرطی‌سازی در روانشناسی وجود دارد.

اگر شما با تشویق خود که همانا دنبال کردن و پسندیدن مطالب است، موجب تثبیت رفتار والدین خاطی شوید، به گسترش این بهره‌برداری ناصواب کمک کرده‌اید؛ از این رو بهترین راهکار مقابله دنبال نکردن صفحات این قبیل کودکان است.

محمدسعید احدیان، مشاور رسانه‌ای رئیس مجلس درباره حضور قالیباف بین بیماران کرونایی نوشت: «فساد وقتی رسوخ می‌کند که رابطه مستقیم میان مردم و مسئولان قطع شود. حجاب بین مردم و مسئولان حرام مطلق است! اگر از جان خودت می‌ترسی نباید زمام‌دار شوی!» این سخنان شهید بهشتی را برای رئیس‌جمهور پخش کنید، شاید فرجی شد. برگردید به آن دوران که رئیس‌جمهور در خط مقدم جبهه بود.

مجتبی توانگر، نماینده مجلس نوشت: وقتی آقای واعظی در مورد بورس مصاحبه می‌کنند، تن و بدن کل بازار سرمایه می‌لرزد! به رئیس دفتر رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کنم نظر وزیر اقتصاد در مورد نقش حقوقی‌های دولتی در نوسانات طراحی شده بورس را جویا شوند.

جواد کریمی قدوسی، نماینده مجلس نوشت: معتقدیم شفافیت آرا زمانی پاسخگو خواهد بود که نمایندگان به وظایف ذاتی خود عمل کنند و اقناع دو طرفه میان نمایندگان و هیئت رئیسه به وجود بیاید؛ لذا این طرح با چنین پشتوانه اجرایی باید تنظیم و تصویب گردد.

سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده مجلس نوشت: چند ماه پیش که معاون وزیر بهداشت ایران به ویروس کرونا مبتلا شده بود، رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی غوغایی درباره ناکارآمدی و عقب‌افتادگی جمهوری اسلامی به راه انداخته بودند. حالا رئیس‌جمهور آمریکا و همسرش کرونا گرفته‌اند! امپریالیسم رسانه‌ای، حافظه تاریخی جهان را «هیچ» فرض می‌کند.

محمدرضا رهبرپور، استاد دانشگاه نوشت: نام‌های تجاری در سال‌های دور مینو، نرمه، برف، پفک، دریا، گلی، مادر، گرجی و... و در سال‌های اخیر سافتلن، مکنزی، ویکتوریا، هوم کر، ایزی‌پلاست، وین تک و... این حجم از روی‌آوری به نام‌های خارجی در تولید محصولات داخلی پرسش برانگیز است!

عطیه شاپوری، پرستار بیمارستان نوشت: آقای قالیباف فکر می‌کردیم که فراموش شده‌ایم، مثل همیشه فارغ از تمام آدم‌ها در سکوتی عمیق هر کدام در گوشه یک شهر مشغول به کار بودیم که خبر رسید شما وارد میدان شده‌اید. ما به این حضور شما دلگرم شدیم.

نرم‌افزار

ریحا

استارت‌آپی با عطر خوش

استارت‌آپ «ریحا» را می‌توان یکی از منحصر به فردترین استارت‌آپ‌های کشورمان دانست؛ داستان ریحا از سال ۱۳۹۲ شروع شد. در آن ایام بنیانگذاران این استارت‌آپ به این نیاز پی بردند که در فضای مجازی کشور منبع مناسبی برای معرفی، نقد و بررسی تمامی ابعاد عطر و ادکلن‌های موجود در بازار وجود ندارد، از این رو فرصت را غنیمت شمرده و کار خود را در شبکه‌های اجتماعی آغاز کردند. در سال ۱۳۹۴ وبگاه این استارت‌آپ رونمایی شد از جمله امکانات این نرم‌افزار همراه می‌توان به امکان مقایسه و خرید عطرها و ادکلن‌های تولید ایرانی اشاره کرد.

پژواک

سلاح معیوب

کلاهبرداری به سبک صهیونیست‌ها

با تشدید تنش‌ها در منطقه قفقاز جنوبی و افزایش سطح درگیری بین قوای ارمنستانی و آذربایجانی، حامیان خارجی دو طرف در قالب پشتیبانی رزم به میدان آمده و در حال بازاریابی و فروش تجهیزات و سامانه‌های نظامی خود به دو طرف هستند.از جمله این طرف‌های خارجی می‌توان به رژیم صهیونیستی اشاره کرد اما تصاویر و مستندات پر تعداد منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی دو طرف نشان‌دهنده دقت پایین و کارایی نه چندان مطلوب سلاح‌های گران‌قیمت صهیونیستی است. این مسئله خشم کاربران فضای مجازی آذربایجان را نسبت به این رژیم برانگیخته است.

خبرخوب

هفتاد و دوم

افزایش سرعت اینترنت همراه

با وجود تحریم‌ها، کشور ما در این حوزه دستاوردهای موفقی داشته و سرعت و پهنای باند در دسترس شهروندان ایرانی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. در این زمینه وبگاه «Speedtest» که شاخص‌های جهانی اینترنت را در کشورهای جهان بررسی می‌کند اعلام کرده است که متوسط سرعت دانلود اینترنت همراه در ایران تا ماه آگوست، ۲۷/۹۱ مگابیت بر ثانیه رسیده که این به معنای دو پله صعود کشورمان نسبت به ماه گذشته است؛ و قرار گرفتن ایران به رتبه ۷۲ از میان ۱۴۰ کشور جهان رسیده است.

قصه گرم، کارگردانی سرد

نقد گونه‌ای به خاطر پایان مجموعه تلویزیونی «زمین گرم»

آرش فهیم
منتقد سینما

شاید غافلگیرکننده‌ترین نکته درباره سریال «زمین گرم» کارگردانی آن از سوی «سعید نعمت‌الله» باشد؛ فیلمنامه‌نویس صاحب سبکی که طی یک دهه اخیر، متن و روایت تعداد قابل توجهی از سریال‌های تلویزیون را نوشته (رستگاران، جراحت، شیدایی، دیوار، مدینه، میکائیل و...) و با این سریال، برای اولین بار یکی از نوشته‌های خودش را ساخته است! «زمین گرم» به دلیل پرداختن به اتفاقاتی مماس با شرایط روز جامعه و آدم‌هایی مهجور و تک افتاده و خاص، اما نزدیک به عامه مردم، مورد توجه قرار می‌گیرد. شاید فضاسازی سریال، کمی کهنه به نظر برسد و مخاطب در نگاه اول، جذابیتی در این سریال نبیند؛ اما مضمون و آدم‌ها و نحوه رخ دادن حوادث، تازگی دارند. مخاطب در این سریال با شخصیت‌هایی همراه می‌شود که هر روز در اطراف و زندگی خودش با آنها سر و کار دارد. «علیار» جوان ساده‌دل روستایی، درآستانه رسیدن به بزرگ‌ترین آرزوی خودش، یعنی ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش است؛ اما وصیت برادر بزرگ‌ترش که از او می‌خواهد بار زندگی و به ویژه فرزند خردسالِ او را به دوش بگیرد، علیار را در مسیری دیگر قرار می‌دهد. چون برادرش با گروه خلافکار در ارتباط بود و حالا علیار با آنها طرف شده است! علیار قهرمان داستان «زمین گرم» برای اطرافیانش از همه خواسته‌های خودش می‌گذرد؛ حتی ازدواج با دختری که عاشقش بود را هم فدای هدفی مهم‌تر می‌کند. کنار هم قرار گرفتن این شخصیت متفاوت و برخوردار از خصلت‌های انسانی درست با زن سابق برادرش که کوهی از عقده و ناکامی است و همچنین درگیر شدنش با تبهکارها، درامی را شکل می‌دهد که مخاطب با غرق شدن در آن، می‌تواند به درکی تازه‌تر از زندگی برسد وفراسوی نیک و بد زندگی را تماشاکند.

نعمت‌الله در «زمین گرم» از طرح خیلی از ارزش‌های اخلاقی و مذهبی ابایی ندارد. این، حرکتی مثبت برخلاف جریان مُدِ روز در فضای هنری و شبه روشنفکری است که معمولاً مطرح کردن این گونه مسائل در فیلم و سریال را شعارزدگی می‌دانند؛ اما در این سریال دیدیم که حتی نمایش دادن مضمونی چون «وقف» اگر صادقانه و در قالب داستان صورت بگیرد، با استقبال مواجه می‌شود. موضوعی که سبب شده تا این سریال دچار شعارزدگی نشود، این است که ماجراهایش تک بعدی نیست؛ یعنی ما با سریالی پر از گل و بلبل و آدم‌های مقدس‌مآب روبه‌رو نیستیم؛ بلکه با یک اثر اجتماعی متمایل به تلخی و دنیایی پرآشوب مواجه می‌شویم که در نهایت خیر در آن به پیروزی می‌رسد.

با این حال، «زمین گرم» از نظر کارگردانی، نمره چندان خوبی نمی‌گیرد. در این سال‌ها خیلی از فیلم‌نامه‌نویس‌ها را دیده‌ایم که وسوسه کارگردانی هم داشته‌اند و دست به کار هم شده‌اند؛ اما نشان داده‌اند نوشتن را بهتر از کار با دوربین بلد هستند؛ سعید نعمت‌الله هم از این دسته است! دکوپاژ ضعیف سریال سبب شده است تا اهل فن، «زمین گرم» را پر از غلط املایی با دوربین قلمداد کنند! زوایا و قاب‌هایی که دوربین نعمت‌الله خلق کرده و بازگشت به عقب‌ها موجب سرگردانی بیننده می‌شود.

برداشت

به بهانه درگذشت محمدرضا شجریان

هنر و مسئله سیاست‌زدگی!

گروه فرهنگ
صبح صادق

«محمدرضا شجریان» پس از چند سال مبارزه با بیماری سرطان پنجشنبه گذشته در سن ۸۰ سالگی در بیمارستان جم تهران درگذشت. او سال‌ها از بیماری ریه رنج می‌برد و طی روزهای اخیر به دلیل مشکلات ریوی و تنفسی ناپایدار، افت فشار خون و افت سطح هوشیاری در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شده بود. پیکر وی روز جمعه ۱۸ مهرماه ۱۳۹۹ پس از اقامه نماز در بهشت زهرا(س) به مشهد مقدس منتقل و روز شنبه با حضور خانواده و دوستداران و علاقه‌مندانش در کنار مقبره فردوسی به خاک سپرده شد. محمدرضا شجریان که از او به عنوان استاد آواز ایران یاد می‌شود، متولد مشهد بود که با استعداد خدادادی و تمرین‌های بسیاری که داشت، توانست به یکی از قاریان و خوانندگان موسیقی ایرانی بدل شود. او طی دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ با هنرمندان شاخصی همچون پرویز مشکاتیان، داریوش پیرنیاکان، محمدرضا لطفی، جمشید عندلیبی، حسین علیزاده و کیهان کلهر همکاری کرد که نتیجه آن برپایی ده‌ها کنسرت و انتشار بیش از ۵۰ آلبوم موسیقی است. در جریان فتنه ۸۸ محمدرضا شجریان به دفاع علنی از فتنه‌گران پرداخت به نوعی که از مشهوریت خود در راستای دفاع از فتنه هزینه کرد. او مدتی پس از جریان فتنه ۸۸ از ایران خارج شد و در مقاطعی با مخالفان نظام و حامیان فتنه در آن سوی مرزها هم‌صدا شد. پس از فتنه ۸۸ روشن بود که حمایت یک جریان سیاسی خاص از او صرفاً مربوط به مواضع سیاسی اوست. چون مواضع سیاسی شجریان در آن برهه می‌توانست آنان را در راستای اهدافی که دارند، کمک کند. همین نگاه ابزاری به یک چهره هنری است که اشتباه فاحش جریان سیاسی خاص را رقم می‌زند. کسانی که بسیاری از آنها به رغم سال‌ها تملق و تحسین شجریان حتی توانایی تشخیص صدای او را از دیگر خوانندگان هم ندارند. پرویز امینی نویسنده و جامعه‌شناس نیز چنین می‌نویسد: «در کنار کسانی که بعد از درگذشت مرحوم شجریان، علاقه هنری خود را به وی ابراز کرده‌اند یا مقام فرهنگی او را پاس داشته‌اند و یا به لحاظ عاطفی و روحی نسبتی بین خود و شجریان و آوازها و تصنیف‌هایش داشته‌اند، فراوان افراد و اشخاص وجود دارند که چه در له و چه در مقام نقد، با همین منطق سیاست روزمره وارد این ماجرا شده‌اند که نه انسی با آثار هنری و موسیقیایی او داشته‌اند و نه حتی این جنبه‌ها ارزشی برایشان داشته است. اما دم غنیمت شمرده‌اند تا بتوانند از پیکر بی‌جان او خوراکی برای سفره قدرت خود فراهم سازنند.»

دکتر محمدصادق کوشکی استاد دانشگاه تهران هم اینگونه می‌نویسد: «شجریان هیچ وقت انقلابی نبود و ادعای دیانت نداشت و فقط در رشته خودش صاحب سبک و تخصص بود و به همین دلیل هم از جانب گروه‌های سیاسی مختلف مورد سوءاستفاده قرار گرفت. در اوایل انقلاب از طرف مارکسیست‌هایی که او را به خواندن درباره «اندیشه‌های پاک پویان» وادار کردند تا هواداران قیام مسلحانه که عبارت «تفنگم را بده تا ره بجویم» را در دهان او گذاشتند. او هیچ وقت برای انقلاب اسلامی نخواند... شجریان التزام به شریعت و فقاهت را قبول نداشت و به همین خاطر بود که از ممنوعیت تک‌خوانی زنان به شدت گلایه می‌کرد...»

یادداشت

نمایشگاه مجازی کتاب

شاهرخ صالحی
روزنامه‌نگار

نمایشگاه کتاب تهران که بهار امسال به صورت حضوری برگزار نشد، حالا قرار است در پاییز امسال و به صورت مجازی برپا شود؛ بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی جمهوری اسلامی با مخاطبان میلیونی از همه اقشار جامعه، هم فرصتی را برای خرید کتاب فراهم می‌کرد و هم کمک بزرگی به ناشران بود تا با یک فروش خوب، نقدینگی مناسبی را برای فعالیت‌های آتی خود فراهم کنند؛ اما آیا نمایشگاه مجازی هم، همین کارکردها را خواهد داشت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار است چه کاری برای رونق بهتر این نمایشگاه صورت دهد؟

یکی از جذابیت‌های مهم نمایشگاه کتاب به ویژه برای طلاب، دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها، دریافت بن کتاب بوده است. از گذشته تاکنون، هر ساله با اختصاص یارانه مشخصی، بخشی از هزینه خرید کتاب، به صورت بن به این اقشار اختصاص می‌یافت تا در کنار تخفیف حداقل ۱۰ درصدی که ناشران در نمایشگاه کتاب لحاظ می‌کردند، کتاب‌ها با قیمت مناسب‌تری به دست اهالی کتاب برسد.

آن‌گونه که معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است، امسال هم قرار است مانند پارسال حداقل ۱۶ میلیارد بن اختصاص پیدا کند تا هم در این فضای گرانی کاغذ و کتاب، افراد بهتر بتوانند کتاب بخرند و هم کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی بتوانند از این فرصت استفاده کرده و منابع خود را تکمیل کنند؛ اما مسئله این است که اختصاص این بن‌ها، آیا کمکی به توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور می‌کند؟

واقعیت این است که در سال‌های اخیر با افزایش تحریم و گرانی ارز، قیمت کاغذ هم به نحو سرسام‌آوری افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که با چاپ مجدد هر کتاب، قیمت آن، با افزایش قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو می‌شود. در وضعیتی که سبد اقتصادی خانوارها روز به روز در حال کوچک شدن است، کالاهای فرهنگی مانند کتاب با سرعت بیشتری از سبد مصرفی کنار گذاشته می‌شود و در چنین فضایی، روز به روز از تعداد خریداران کتاب کاسته و اقتصاد نشر نیز به تبع اقتصاد جامعه، کوچک می‌شود.

برگزاری نمایشگاه‌های کتاب ملی و استانی که هر سال به پای ثابت جامعه بدل شده بود، بخشی از این مشکل را برطرف می‌کرد تا هم کتابخوان‌ها با قیمت مناسب‌تری به کتاب دلخواه خود برسند و هم ناشران فروش بهتری را در این نمایشگاه‌ها تجربه کنند. حالا، برگزاری نمایشگاه مجازی و یارانه ۱۶ میلیارد تومانی، فرصت خوبی برای تزریق نقدینگی به ناشران است.

با توجه به عدد اختصاص یافته می‌توان امیدوار بود که در صورت استقبال از نمایشگاه چیزی بیش از ۵۰ میلیارد تومان نقدینگی برای ناشران به ارمغان خواهد آورد. البته ناشران هم باید حاشیه سودشان را کمتر کنند و با تخفیف‌های بیشتر، انگیزه مخاطبان را برای خرید افزایش دهند.

سریال

بچه مهندس

فصل چهارم برای رمضان ۱۴۰۰

تهیه‌کننده مجموعه بچه مهندس خبر از آغاز تولید فصل چهارم این سریال داد و گفت ان‌شاءالله تصویربرداری این مجموعه از آبان ماه در تهران آغاز خواهد شد.وی درباره ترکیب بازیگران سریال اظهار داشت، حتماً بازیگران جدیدی به سریال اضافه خواهیم کرد، اما مهشید جوادی، روزبه حصاری و فرهاد قائمیان حضورشان قطعی شده و بازیگران فصل قبلی را هم در حال مذاکره‌ایم تا همه‌چیز برای شروع تولید آماده شود.سعدی درباره زمان پخش فصل چهارم «بچه مهندس» خاطرنشان می‌کند، ان‌شاءالله فصل چهارم «بچه مهندس» را برای ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰ آماده می‌کنیم.

کتاب

داستان‌های رضوی

روایت کرامات امام هشتم برای کودکان

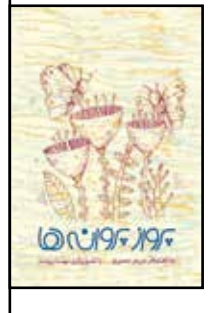

کتاب «پرواز پروانه‌ها»، مجموعه داستان کودک رضوی به اهتمام «مریم بصیری» از سوی انتشارات سروش منتشر شد. این مجموعه شامل داستان‌های رضوی برای کودکان و نوجوانان است. مجموعه سعی دارد کرامات امام رضا(ع) و آداب زیارت را از زبان کودکان برای کودکان بازگو کند و آنها را با مشهد و امامی که در این شهر مدفون است، آشنا کند.پرواز پروانه‌ها، شامل سیزده داستان از خانم‌ها حمیده مقدسی، زهرا اخلاقی، زینب بخشایش، سارا اسماعیلی، بنت‌الهدی قاسمی، طهورا کریمیان، فاطمه طوسی، رقیه بابایی، فاطمه‌زهرا پوریایی، شیما پوریایی، معصومه کرمی، فاطمه اکبری اصل و فاطمه کوثری‌نیاست.

کتاب

سلیمانی عزیز

پویش مطالعاتی کتاب خوب

برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و با هدف معرفی و ترویج سبک زندگی و خلقیات سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی، پویش مطالعاتی «کتاب خوب»، با موضوع قرار دادن کتاب «سلیمانی عزیز» از طرف انتشارات «حماسه یاران» برگزار می‌شود.این کتاب در طول هفته دفاع مقدس با ۲۰ درصد تخفیف، در پایگاه انتشارات حماسه یاران در دسترس عموم قرار گرفت و حالا پس از هفته دفاع مقدس هم به شکل‌های مختلف تخفیف خواهد داشت. افزون بر اینها، مخاطبان می‌توانند با مراجعه به کتاب‌فروشی‌ها، به‌صورت حضوری یا با ارسال عدد ۵ به سامانه ۳۰۰۰۱۹۱۷۱۷، به‌صورت پیامکی کتاب را تهیه کنند.

به بهانه سی‌وسومین سال جاودانه شدن نادر مهدوی و یارانش در خلیج‌فارس

شکنجه «نادر» با میخ‌های آمریکایی!

زینب گل‌محمدی
خبرنگار

بالگردهای بی‌صدا بالای سر قایق‌های ایرانی مانور می‌دادند. تشخیص‌شان سخت بود. گلوله‌هایی که به سمت قایق‌ها می‌آمد، قابل دیدن نبود. همین که به قایق‌ها می‌خوردند، آتش‌شان دیده می‌شد. گاهی هم فواره خون روی هوا، از اصابت گلوله خبر می‌داد.شب جمعه بود. چند ساعت بیشتر به آغاز ۱۷ مهرماه سال ۱۳۶۶ باقی نبود. «نادر مهدوی» وقتی دو قایق توپدار بعثت و یک ناوچه به نام طارق را به خط کرد تا برای گشت‌زنی و حفاظت به سمت جزیره فارسی بروند، نمی‌دانست چه شب سختی در انتظار او و همراهانش است. غلامحسین توسلی، بیژن‌گرد، نصرالله شفیعی، آبسالانی، محمدی‌ها، مجید مبارکی، کریمی، رسولی و چند نفر دیگر را صدا کرده بود تا با هم بروند. تا جزیره فارسی همه چیز مرتب بود. وسایل‌شان را از داخل لنجی که قبلا در آنجا پهلو گرفته بود، برداشتند. اذان مغرب که گفته شد، نمازشان را به جماعت خواندند و آماده حرکت شدند. در آرامش بی‌بدیل جزیره فارسی، صدای مهیب یک انفجار، همه را شوکه کرد. رادار پایگاه فرماندهی با راکت‌های آمریکایی منهدم شده بود. بی‌سیم‌ها دیگر از کار افتاد. هیچ راه ارتباطی بین ناوگروه و مرکز باقی نبود. نادر هر چه صدا کرد، هیچ فایده‌ای نداشت. بالگردهای بی‌صدا کار خودشان را کرده و دور شده بودند. شعله‌های آتش زبانه می‌کشید. نادر و نیروهایش هنوز بهت‌زده بودند که بالگردهای «۶ام.اس» نیروی هوایی آمریکا را بالای سرشان دیدند. پرنده‌های سیاه با صدای کم‌شان، جزیره فارسی را پر از رعب و وحشت کرده بودند؛ اما نادر و بچه‌هایش، مرد لحظه‌های ترسناک بودند. نادر فرمان حمله داد تا همه بچه‌ها پناه بگیرند و دست به سلاح شوند. ثانیه‌ها به سختی می‌گذشت. هنوز کریمی موشک استینگر را روی دوشش نگذاشته بود که قایق آبسالان و شفیعی آتش گرفت. راکت بالگردها به هدف خورده بود. اوضاع، لحظه به لحظه سخت‌تر می‌شد. راکت دیگری به سمت ناوگروه آمد؛ اما به خطا رفت. رد آتش، نفس‌ها را حبس کرده بود. کریمی اما مردانه ایستاد و استینگر را نشانه گرفت. همه نگاه‌ها به دستان کریمی دوخته شده بود. همه قدرتش جهید به انگشتانش تا ماشه را بچکاند. چند لحظه بعد، موشکی که از دوش کریمی شلیک شده بود، نشست به جان بالگردی که بی صدا بالای سر بچه‌ها مانور می‌داد. آتش انفجار، اطراف‌شان را مثل روز، روشن کرد. تکه‌های بالگرد روی آب افتاد و به اعماق رفت. برق شادی توی چشمان نادر و نیروهایش دیدن داشت. صدای تکبیر و صلوات، بلند شد. عزم بچه‌ها جزم‌تر شده بود. بیژن و غلامحسین فریاد زدند تا کریمی دومی را هم شلیک کند. انفجار بالگرد، بقیه بالگردها را جری کرده بود. چند بالگرد جدید هم آمده بودند. دومین قایق ناوگروه هم هدف گرفته شد و آتش گرفت. بچه‌های نادر جلوی چشم‌هایش پرپر می‌شدند. رگبار دوشکا به سمت بالگردها هم جوابگو نبود. نادر می‌توانست ناوچه‌اش را به سمت پایگاه بگرداند و فرار کند اما مرد این کار نبود. نمی‌توانست پیکر دوستانش را روی آب ببیند و آنها را رها کند. غیرتش به جوش آمده بود. پشت دوشکا ایستاد و بی‌درنگ به سمت بالگردها نشانه رفت. بیژن هم کنارش بود و کمکش می‌کرد. بالگردها یکی دو تا نبودند. هر چه شلیک می‌کرد، فایده‌ای نداشت. شب بود و بی‌صدا بودن بالگردها، تشخیص‌شان را سخت می‌کرد. نادر و بیژن با چهار نفر دیگر از همراهانش تا آخرین گلوله‌ای که داشتند، مقاومت کردند. دیگر هیچ گلوله‌ای در ناوچه باقی نمانده بود. معلوم بود بالگردها دستور دارند افراد ناوچه را زنده دستگیر کنند و با خود ببرند. نادر با دست‌های خالی، آخرین تلاش‌ها را کرد اما فایده نداشت. نه ارتباطی بود تا نیروی کمکی بخواهد و نه تیر و فشنگی برایش مانده بود تا شلیک کند. وسط آب‌های خلیج‌فارس، بی‌کس و غریب، تسلیم قضا و قدر شده بود. کماندوهای دریایی وارد ناوچه شدند و نادر و دوستانش را دستگیر کردند. عقده‌شان از ضرباتی که نادر به آنها زده بود، گل کرده بود. دست و پای نادر را با قساوت بستند. همراهان نادر را هم می‌زدند تا بگویند نادر چه کاره است و چه مسئولیتی دارد. آمریکایی‌ها روی عرشه ناو جنگی «یو.اس.اس.چندلر» سینه نادر را با میخ‌های فولادی بلند سوراخ کرده و پس از آن یک تیر به بازو، یک تیر به قلب و یک تیر به سجده‌گاهش زده‌بودند. نادر زیر شکنجه شهید شده بود. پیکر مطهر نادر مهدوی با تعدادی از اسرا، از طریق میانجی‌گری کشور عمان به ایران برگشت. چند روزی در معراج شهدا بود تا شناسایی شود. تابوتش با شکوه خاصی بر دوش هزاران نفر در مقابل لانه جاسوسی آمریکا تشییع و سپس به بوشهر منتقل شد. در آنجا هم پیکر پاک شهید بر دوش جمعیت انبوه مردم تشییع شد و پس از آن برای خاکسپاری به زادگاهش روستای بحیری رفت.

نادر مهدوی که بود؟

نادر مهدوی (حسین بسریا) یک روز قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در خانواده‌ای مستضعف امّا متدیّن و پرهیزکار در روستای نوکار، از توابع دهستان بحیری در شهرستان دشتی واقع در استان بوشهر به دنیا آمد. اول اردیبهشت ۱۳۶۰ رسماً در سپاه، استخدام و در پادگان آموزشی شهید عبدالله مسگرِ شیراز آموزش اولیه پاسداری را گذراند. اولینِ مأموریتش در ۱۳۶۰/۵/۲۱ به تهران بود تا مقابل گروهک‌های ملحد و منافقینِ از خدا بی‌خبر بایستد. نادر قبل از عملیات طریق‌القدس، مأموریت گرفت تا برای همکاری با سپاه اهواز به این شهر برود. پس از بازگشت به سِمَت معاون فرمانده سپاه جم منصوب شد و بعد از دو سال به سِمَت فرمانده عملیات سپاه خارک برگزیده شد. نادر مهدوی در سال ۱۳۶۱، با دختری مؤمنه از روستای بحیری ازدواج کرد. مدت این زندگی مشترک، پنج سال بود و تنها حاصل آن، دختری بود به نام زهرا که چهل روز پس از شهادتِ پدرش به دنیا آمد. پس از پایان عملیات بدر، در سپاهِ بوشهر، تصمیم به تشکیل ناوگروه دریایی گرفت و نام آن را «ذوالفقار» گذاشت. این ناوگروه وابسته به منطقه دوم نیروی دریایی سپاه بود و نادر تا زمان شهادت، فرماندهی آن را به عهده داشت. نادر با ناوگروهش از زمان ورود آمریکایی‌ها به خلیج‌فارس تا زمان شهادت، لحظه‌ای از نبرد با آنها غافل نشد. او طی این مدت، عملیات بسیاری را علیه آمریکایی‌های متجاوز ترتیب داد. همین عملیات‌ها کینه نادر را در قلب آمریکایی‌ها کاشت. اوج این کینه‌ها برای تیرماه سال ۱۳۶۶ بود که اولین کاروان از نفتکش‌های کویتی اَلرَّخاء با نام «مبدّل بریجتون» و با پرچم آمریکا و اسکورت کامل نظامی به وسیله ناوگان جنگی این کشور با تبلیغات رسانه‌ای گسترده به راه افتاد، اما در فاصله ۱۳ مایلی غرب جزیره فارسی، در اثر برخورد با مین‌های کار گذاشته شده به دست نادر مهدوی و یارانش، منفجر شد؛ طوری که حفره‌ای به بزرگی ۴۳ متر مربّع در بدنه آن ایجاد شد. پس از این اقدام، نادر و همرزمانش تشویق شدند و قرار شد به دیدار حضرت امام(ره) بروند. یک سال و چند ماه بعد از دیدار با امام(ره) نادر به دیدار یاران شهیدش رفت. او به دست شقی‌ترین انسان‌های روی زمین بعد از تحمل شکنجه‌های فراوان، در حالی شهید شد که ۱۷ سال بعد، صدها جوان در پیروی از راه او نام‌نویسی کردند تا در عملیات شهادت‌طلبانه علیه آمریکا در خلیج‌فارس، جان‌شان را تقدیم کنند.

یادداشت

«نادر» از گمنامی تا شهرت

میثم رشیدی‌مهرآبادی
دبیر گروه دفاع مقدس

بیستم شهریور ماه ۱۳۸۳، هوای بوشهر گرم و شرجی بود. رطوبت هوا اولین میزبان صورت‌هایی بود که از درِ هواپیما بیرون می‌آمدند. بعد از سال‌ها گمنامی و غربت، قرار بود یادواره شهیدان نادر مهدوی، بیژن گُرد و بقیه همرزمان‌شان در کنار آب‌های نیلگون خلیج‌فارس برگزار شود. سالن اداره ارشاد بوشهر، بهترین مکان بود. جایی کنار ساحل خلیج‌فارس که بیشتر از هر جایی می‌شد در آن از نادر و یارانش گفت. ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام که تا آن روز از جوانان بسیاری برای عملیات شهادت‌طلبانه در لبنان و فلسطین نام‌نویسی کرده بود، حالا می‌خواست در بوشهر از جوانان جنوبی نام‌نویسی کند تا راه نادر مهدوی را ادامه دهند. نام نادر و دوستانش آنجا برای اولین بار به گوشم خورد. در عجب بودم چرا نام‌شان تا این حد گمنام مانده است! تعدادی از جوانان تهرانی همت کرده بودند و قرار بود همسن و سال‌های بوشهری و جنوبی‌شان را هم در این یادبود شریک کنند. هوا گرم بود و حتی آبسردکن‌های سالن هم جوابگوی آن همه جمعیت نبود. صندلی‌ها قبل از شروع مراسم پر شده بود. دختران و پسران از بوشهر و شهرهای اطراف آمده بودند تا هر کدام‌شان اعلام کنند یک «نادر»ند و می‌خواهند راه او را ادامه دهند. راهروهای سالن هم پر از جمعیت شده بود. صدای نفس‌ها هم شنیده نمی‌شد. هفده سال از شبی که مظلومانه، نادر مهدوی و یارانش را دستگیر کردند و شش روز بعد تحویل مقامات مسقط دادند، می‌گذشت. نه تنها ایرانی‌ها، که خیلی از بوشهری‌ها هم نادر را نمی‌شناختند و با حماسه‌هایش در خلیج‌فارس آشنا نبودند. پس از آن بود که نام نادر مهدوی بر سر زبان‌ها افتاد و خیلی‌ها تلاش کردند مهرماه هر سال نامش را زنده کنند و برایش یادواره و مراسم بگیرند. این تلاش‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که اول خرداد ماه سال گذشته جمعی از دانشجویان کشور با حضور در حسینیه امام خمینی(ره) با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. طبق سنت هر ساله تعدادی از دانشجویان در این دیدار به نمایندگی از سایر دانشجویان در محضر رهبر فرزانه انقلاب مسائلی را مطرح و گاهی هدیه‌ای از ایشان دریافت می‌کنند؛ اما این بار یکی از دانشجویان هدیه‌ای به رهبر حکیم انقلاب تقدیم کرد. علیرضا شریفی، دانشجوی فقه دانشگاه آزاد واحد شیراز در حالی که تصویر شهید نادر مهدوی را در دست داشت، به محضر رهبر معظم انقلاب شرفیاب شد و تمثال این شهید بزرگوار را به ایشان تقدیم کرد. پس از آن تصویر این شهید بزرگوار تا پایان مراسم در کنار رهبری قرار داده شد. شریفی بعدها گفت، یک تیم دانشجویی از دانشجویان شیراز برای نوشتن محتوای متن سخنرانی در کنار هم جمع شدیم. روز آخر تصمیم گرفتیم سنت‌شکنی کنیم و به ایشان هدیه‌ای تقدیم کنیم. با توجه به وضعیت کشور و حضور ناو آمریکایی در منطقه تصمیم گرفتیم عکس شهید مهدوی را پیشکش کنیم. رهبر معظم انقلاب هم با دیدن عکس شهید مهدوی فرمودند: «آفرین، احسنت؛ بسیار بجا بود...»

اگر کمونیست بود از او «چه‌گوارا» می‌ساختند

احمد بنافی
معاون سیاسی
نیروی دریایی سپاه

«چه‌گوارا» شخصیتی مبارز، انقلابی و در عین حال محبوب در بین کمونیست‌هاست. هرچند چه‌گوارا اهل کوبا نبود، اما محبوبیت وی آنقدر بالا بود که بعد از کشته شدن در ۹ اکتبر ۱۹۶۷ به دستور سیا در بولیوی به قهرمان ملی در آن کشور مبدل شد؛ تا جایی که تصویر وی را بر روی اسکناس‌های کوبا زدند و سروده‌های فراوانی در مدح وی خواندند. این موضوع آنقدر فراگیر شده بود که در آرژانتین زادگاه او مدارس، دانشگاه و موزه‌ها به نام او احداث کردند. تصویر او در یک مقطعی بر روی بسیاری از کالاها از البسه گرفته تا کالاهای تجاری به عنوان برند تبلیغاتی و پرفروش نقش بسته شد. هرچند نگارنده معتقد است، چه‌گوارا یک مبارز ضد امپریالیست بود و تبیین جایگاه شخصیتی و اهداف مبارزاتی ایشان در جای خود حائز اهمیت است؛ اما مراد این وجیزه به هیچ عنوان تبیین شخصیت چه‌گوارا نیست؛ بلکه در مدح یک مجاهد فی‌سبیل‌الله نگاشته شده که در مبارزه استکباری در کنار خداباوری(فضیلتی که چه‌گوارا هرگز نداشت) آنقدر به پیش رفت تا به منزلگاه شهادت رسید. در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، میدان مبارزه از بخش‌های زمینی به حوزه دریایی در خلیج‌فارس کشیده شد. عراق با همراهی آمریکایی‌ها، کویت و عربستان تلاش کردند با کشاندن جنگ به خلیج‌فارس با هدف قطع صادرات نفت و کاهش درآمدهای ایران را به زانو درآورده و به جنگ خاتمه دهند. جمهوری اسلامی برای بازگرداندن موازنه قدرت در جنگ با عراق، به وسیله سلسله عملیات‌های مقابله به مثل در خلیج‌فارس به ابتکار دست زد و توانست از این طریق بازی جنگ را به نفع ایران تغییر دهد. بدون شک، نقش شهید نادر مهدوی و همرزمان ایشان در تغییر این موازنه و بلکه فراتر از آن ساخت دکتر رزم ناهمتراز دریایی که نمونه عینی آن در عملیات‌های مقابله به مثل شکل گرفت، بی‌بدیل است. هدف شهید نادر مهدوی این بود که اگر قرار است خلیج‌فارس برای ایران ناامن باشد، برای طرف مقابل نیز ناامن خواهد بود. داستان عملیات مین‌ریزی با فرمانده شهید مهدوی علیه نفتکش کویتی «اَلرخاء» با نام مبدل «بریجتون» از میان ده‌ها عملیات مشابه شنیدنی است. آمریکایی‌ها در آن زمان با پشتیبانی نظامی پر طمطراق و همزمان با ایجاد فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای برای عبور دادن شناور بریجتون از خلیج‌فارس با هدف بی‌اعتبارسازی تهدیدات ایران تدارک گسترده‌ای دیده بودند. این عملیات که با محاسبات نظامی، احتمال موفقیت آن کم و ناباورانه بود، غرق شدن نفتکش بریجتون پس از برخورد با به مین کار گذاشته شده به دست گروه نیروی دریایی سپاه به فرماندهی شهید مهدوی آمریکایی‌ها را تحقیر کرد. «و ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی» این اقدام آنقدر برای تغییر در موازنه جنگ مهم بود که امام(ره) به پاس اقدام دلیرانه نادر مهدوی و همرزمانش آنها را به حضور طلبید و بر پیشانی ایشان بوسه زد.

شجاعت، استعداد، نبوغ و خلاقیت آن شهید در بکارگیری ادوات ساده نظامی و استفاده از آن در میدان وسیع عملیات دریایی در سال‌های پایان جنگ که به شکل بی‌سابقه دشمن و منافع آن در خلیج‌فارس را به چالش کشید، علاوه بر تغییر محاسبات دشمن و خروج جمهوری اسلامی از انسداد راهبردی طراحی شده از سوی دشمن، الگوی رزمندگان در سال‌های بعد از جنگ برای توسعه سازمان رزم ناهمتراز و کارا در خلیج‌فارس شد.

اما سؤال اساسی این است که آیا حماسه بزرگ نادر و یارانش ظرفیت لازم را برای ملی شدن نداشته است؟ هرچند نگارنده نسبت به اقدامات صورت گرفته برای گرامیداشت و معرفی آن شهید قدردان دست‌اندرکاران است؛ اما به هیچ عنوان آن را کافی نمی‌داند. سؤال اساسی‌تر این است که اکنون به چه میزان مردم با ابعاد شخصیتی آن شهید و آن حماسه بزرگ آشنا هستند؟ یقیناً جایگاه شهید نادر مهدوی به عنوان یک شهید الگو باید نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی از طریق اقدامات فرهنگی برجسته شده و در کنار سایر مفاخر ارزشمند این سرزمین به نسل جوان در داخل و جهان معرفی شود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره دو هزار شهید استان بوشهر فرمودند، «اگر این شخصیت متعلق به کمونیست‌ها بود از او یک چه‌گوارا می‌ساختند.» حال پس چرا ما از او یک شهید بزرگ نسازیم!

توجه ویژه به فعالیت‌های قرآنی

از کودکی با قرآن و فعالیت‌های قرآنی مأنوس بود و برای قرائت قرآن و صوت و لحن تمرین می‌کرد، در نوجوانی به حفظ قرآن تشـویق و ترغیب می‌شود. به گفته خودش به لطف خدا و همت خویش و راهنمایـی و حمایت پدر و مادر تا حدود ۱۷ سالگی قرآن را به طور کامل حفظ می‌کند.

«عماد انوری» ۲۶ سـاله، حافظ کل قرآن کریم و اهل کرمان اسـت که بـه دلیل علاقه به آرمان‌های انقلاب اسـلامی سـال ۱۳۹۴ وارد سپاه می‌شـود. او می‌گوید: «سپاه نهادی انقلابی اسـت که خط و مشی آن ولایت فقیه و حفـظ و حراسـت از آرمان‌هـای انقلاب اسـت و همچنین خط و مشی انقلابی را برای جامعه تعیین می‌کند. رهنمودهای رهبر معظم انقلاب مسـیر حرکت سـپاه را مشخص می کند.» او دربـاره مقام‌های برتری که کسـب کرده، اینطور می‌گوید: «چندین سال رتبه اول مسابقات سازمان اوقاف، در سال قبل رتبه اول حفظ کل مسابقات نیروهای مسلح، رتبه اول مسابقات نیروهای مسـلح ایران و عمان، رتبه دوم مسـابقات نیروهای مسـلح سال ۱۳۹۶ در حفظ کل، رتبه اول مسـابقات بسیج سال ۱۳۹۱ و سه دوره رتبه اول و دوم مسابقات حفظ دانش‌آموزی را کسب کردم.»

انوری معتقد اسـت: «سـپاه بـا توجه به رتبه‌هایی که در مسـابقات قرآنی کسب کرده، از تمام رده‌هـای دیگر سـازمان‌های نظامی و انتظامـی بالاتر اسـت.» وی می‌گوید: «اما فعالیت‌های قرآنی خیلی در سـپاه مورد توجه قرار نگرفته است. امثال بنده قبل از ورود به سپاه در حوزه قرآن رتبه داشتیم. سپاه باید بیش از این به دنبال کشـف و پرورش استعدادهای قرآنی باشد.»

استفاده تا آخرین برگ

حذف اعتبار دفترچه‌های بیمه درمانی نیروهای مسـلح از ابتدای تیرماه و تمدید اعتبار دفاتر تا آخرین برگ خبری بود که مدیرعامل سازمان بیمه خدمـات درمانی نیروهای مسـلح داده بود.

دکتر امیر نـوروزی، در این بـاره گفته بود که با حـذف اعتبار دفترچه از ابتـدای تیرماه برای سرپرسـت و همسر (بیمه‌شدگان قطعی که مادام‌العمر تحت پوشـش ما قـرار دارند) تا آخرین برگ بعد از گذشـت حدود سه ماه، مقایسـه‌ای میان دو بازه زمانـی اول تیر تا ۱۵ مرداد ۹۸ و اول تیر تا ۱۵ مرداد ۹۹ انجام دادیم که مشخص شـد در این بازه زمانی ۳۰ هزار دفترچه کمتر تعویض شده؛ در حالی که تغییر چندانی در تعداد بیمه‌شـدگان وجود نداشته است.

اما نکته قابـل توجه در ایـن میان کاهش سـفرهای درون شـهری برای تمدید اعتبار دفترچه‌های بیمـه به خصوص در دوران کرونا بود. بر اساس برآوردی، تعویض دفترچه حداقل نیم سـاعت تا ۴۵ دقیقه زمان می‌برد که همین حضور نیافتن در اماکن شـلوغ ریسک ابتلا به بیماری کرونا را کاهش می‌دهد و ناراضی‌سازی از خدمات را هم کم می‌کند.

مزیـت دیگـر این اقـدام را می‌تـوان در صرفه‌جویی در مصرف کاغذ دانست. بحران کاغـذ ارزبری دارد. برآورد می‌شـود، تا پایان سـال ۵۰۰ هزار مورد کاهش تعویض دفترچه خواهیم داشـت. گفتنی اسـت، بـه ازای هر دفترچـه ۱۴ تـا ۱۵ هزار تومـان صرفه‌جویی می‌شـود و در صورتـی کـه نسـخه‌پیچی الکترونیکی هم با کارت ملی به شکل سراسری انجام شود، صرفه‌جویی عظیمی در این حوزه اتفاق خواهد افتاد.

دو سامانه راداری آرایه فازی قدیر به شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور ملحق شد

ایران قدرت رادارساز جهان

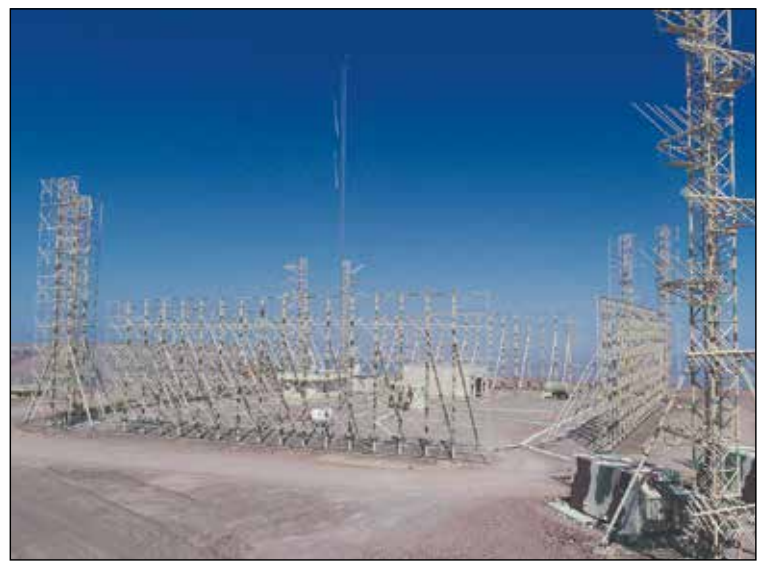

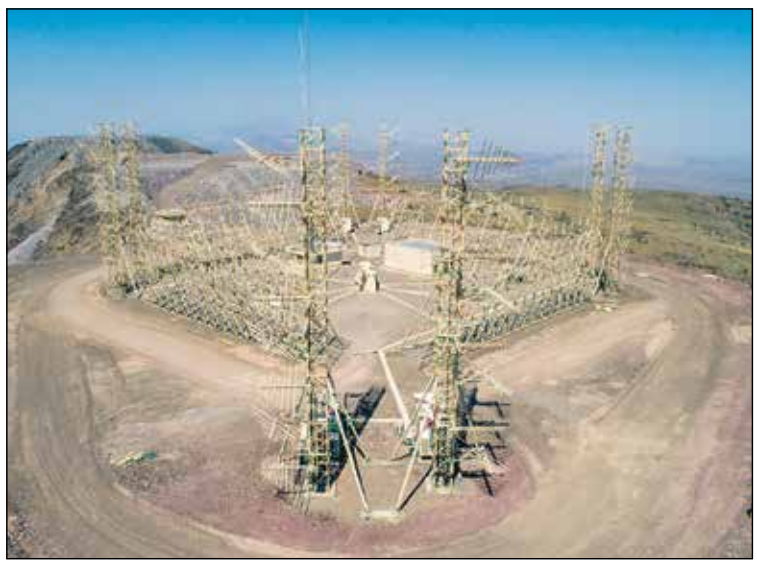

علیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

هفته گذشـته دو سـامانه راداری قدیر ساخته شده به دست نیروی هوافضای سپاه با حضور فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) و سردار امیرعلی حاجی‌زاده به شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور ملحق شد.

به گزارش صبح صادق، رادار سه بعدی قدیر برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ از سوی سپاه رونمایی شد. بـا بهره‌برداری از دو رادار فـوق در یزد و کرمان تا کنون هشت سـامانه از این نوع رادارها در سراسر کشـور عملیاتی شده و به شـبکه یکپارچه پدافند هوایی متصل شده اسـت. رادار قدیر از نوع آرایه فازی با ترکیب پرشماری از فرستنده‌ها و گیرنده‌ها به صورت چهـار وجهی بدون چرخش و حرکت مکانیکی است که پوشش ۳۶۰ درجه و برد هزار کیلومتـری برای شناسـایی انـواع پرنده‌ها و برد ۳۵۰ کیلومتری برای شناسایی پرنده‌های پنهانکار را دارد. از ویژگی‌های برجسـته این رادار کشف انواع هواپیماهای پنهان‌کار، قابلیت مقابله با جنگ الکترونیک، ارزانی آن در اثر تولید بومی بوده و با سه نفر عملیاتی می‌شود.

تسلط پدافندی بر آسمان

در مراسم الحاق دو سـامانه از این رادار به شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشـور که در محل یکی از این دو رادار در یزد برگزار شد، امیر سیدعبدالرحیم موسـوی، فرمانده قرارگاه پدافند هوایی کشور در اظهاراتی در حاشـیه این مراسـم گفت: «امروز جوانان نخبه و ولایت‌مدار ایرانی توانایی ساخت رادارهای پیشـرفته را دارند، یک نمونه آن سامانه قدیر است. سـامانه پدافندی قدیر نقش مهمی در قدرت دفاعی و تهاجمی ایران اسـلامی و کسب دستاوردهای بزرگ در این حوزه ایفا کرده است.»

وی ضمن قدردانی از نیروهای فنی و عملیاتی هوافضای سپاه در ساخت، استقرار و بهره‌برداری از این سامانه‌ها، اظهار کرد: «سردار حاجی‌زاده با روحیه جهادی منشأ برکات زیادی در بخش پدافند هوایی و راداری کشور است.»

فرمانده کل ارتش ادامه داد: «بابت هدایت‌های رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) و وجود سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی که نقش مهمی در اقتدار همه‌جانبه ایران ایفا کرده و می‌کنند، خدا را شـکر می‌کنیم؛ امـروز با راه‌اندازی چنیـن رادارهایی، قدرت کشـف و تسـلط پدافند هوایـی بر همه بخش‌های آسمان ایران اسلامی افزایش پیدا کرده است.»

امیرموسوی در ادامه با بیان اینکه حدود ۲۰ سال پیش بسیاری از سیستم‌های راداری ایران به دلیل نداشتن یک قطعه از کار می‌افتادند، تصریح کرد: «امروز به برکت جوانان نخبه و ولایت‌مدار ایرانی در این حوزه کاملاً خودکفا و در لبه فناوری‌های روز جهان هستیم.»

در زمره ده کشور برتر رادارساز

سردار امیرعلی حاجی‌زاده به عنوان فرمانده نیروی سازنده و به کارگیرنده این سامانه نیز در این مراسم گفت: «هم‌پوشـانی رادارهای نیروی هوافضای سـپاه با رادارهـای ارتش جمهوری اسـلامی از دسـتاوردهای بزرگ نظامی کشور در قالب شبکه یکپارچه پدافندی اسـت. از سویی اگر در دنیا ۲۰ کشور سازنده رادار وجود دارد، ایران اسلامی جزء ۱۰ کشور اول است.»

وی کـم بودن اسـتهلاک و هزینه سـاخت را از جملـه ویژگی‌های ممتاز سـامانه راداری قدیر دانسـت و گفت: «این رادارها قادرند تا برد ۳۵۰ کیلومتر پرنده‌های پنهان‌کار را شناسایی و با توجه به ارتفاع هدف برای پرنده‌ها و سایر اهداف تا برد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر را کشـف و رهگیری کنند و امروز در این اسـتان (یزد) و کرمـان راه‌اندازی شدند.»

سـردار حاجی‌زاده با اشـاره به ظرفیت علمی و اجرایی نیروهای نخبه هوافضای سـپاه، تصریح کـرد: «نیروهای نخبه جوان مـا قادرند رادارهای مورد نیاز نیروهای عملیاتی را در هر سطح و با هر توانایی ساخته و در اختیار آنان قرار دهند.»

فرمانـده نیـروی هوافضـای سـپاه در پایان خاطرنشان کرد: «طی سـه ماه آینده رادار بعدی در چابهار راه‌اندازی می‌شود و با این افتتاح، تعداد رادارهای کشـور در این کلاس به هشـت مورد افزایش می‌یابد.»

سیاهی لشکر دشمن

جانشین نماینده ولی‌فقیه در سپاه در برنامه «رویای آندلـس» رادیو ایران از شباهت‌های خط تبلیغاتی امویان و جبهه امپریالیسم خبری سخن گفت.

حجت‌الاسـلام طیبی‌فـر در این برنامـه با انتقـاد از برخی افراد یک‌سونگر، عنوان کرد: «متحجرانی که بر خلاف موازین بهداشتی محدودیت‌های کرونایی مراسم اربعین را زیرپا گذاشـتند، ناخواسته سیاهی لشکر صحنه‌ای هسـتند که آن را دشـمنان فرهنـگ ناب شـیعه کارگردانی می‌کنند.»

وی افزود: «همان‌گونـه که بنی‌امیه به دنبال اعتبارزدایی از جایگاه اهل بیت(ع) بودند، دشمنان کنونی خط اهل بیت(ع) که هم وهابیت و هم شـیعه انگلیسی از آبشخور آنان به وجود آمده‌اند، به دنبال اعتبارزدایی از فرهنگ ناب شـیعه و اربعین هستند.»

سپاه در مقابل کرونا

معاون روابط عمومی سـپاه از بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های درمانی سـپاه برای خدمت‌رسانی به بیماران کرونایی خبر داد.

سـردار رمضـان شـریف اظهار داشـت: «در لبیک‌گویی بـه فرمان فرمانده معظم کل قوا سرلشکر حسین سلامی به ستاد فرماندهی کل و کلیه فرماندهان نیروها و سپاه‌های اسـتانی و همچنین رئیس سازمان بسیج مسـتضعفین برای خدمت‌رسانی فراگیر به مبتلایان به کرونا در سراسر دستور بسیج همه امکانات ممکن را داده‌انـد.» وی افزود: «کلیه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حوزه بهداشـت، درمان، علوم پزشکی و دفاع زیستی این نهاد شامل منظومه مراکز درمانی و بیمارستان‌های ثابت و سیار(صحرایی)، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) با آرایش جدید و همه جانبه در امتداد خدمت‌رسـانی هشت ماه گذشته به ارائه خدمات درمانی به مبتلایان ادامه می‌دهند.»

سی‌وهشتمین روزشمار

جلـد دوم کتـاب پنجاه‌وسـوم از مجموعه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق با عنوان «موشکباران تهران؛ تدارک عملیات در حلبچه (والفجر ۱۰)» از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شد.

حجت‌اللـه کریمـی، مدیر گروه روزشـمار مرکز اسـناد و تحقیقات دفاع مقدس با اعلام این خبر اظهار داشـت: «کتاب «موشـکباران تهـران» جلد دوم کتاب پنجاه‌وسـوم روزشـمار جنگ ایران و عراق از مجموعه پنجاه‌وهفت جلدی این پروژه اسـت که بعضی از مجلدات آن مثل همین کتاب در دو جلد منتشرشده است.» وی با اشاره به اینکه این کتاب سی‌وهشتمین روزشماری است که منتشر شده، افزود: «کتاب‌های روزشمار فقط حاوی مسائل مربوط به جنگ نیستند. در برخی از دوره‌ها مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بودند پرداخته شده است.»

روی خط

ستون روی خط در صفحات اصلی منتشر شود

۰۹۹۰۰۰۰۲۱۸۴/ چرا عدالت در توزیع نیرو در مناطق عملیاتی وجود ندارد؟ بنده ۱۲ سال در منطقه عملیاتی سروآباد استان کردستان خدمت می‌کنم.

۰۹۱۲۰۰۰۳۲۲۴/ فکر می‌کنم زحمات شما یک تکان به مسـئولان پیرامون وام حکمت داده باشد.

۰۹۰۱۰۰۰۰۷۷۴/ بـا ایـن گرونی‌ها و اجاره خونه با ۳ میلیون میشه زندگی کرد؟ به گوش فرمانده محترم کل سپاه برسونید.

۰۹۱۳۰۰۰۸۹۴۰/ لطفاً مبلغ یارانه کارت یکسان‌سازی را با توجه به افزایش قیمت غذاها افزایش دهید.

۰۹۹۱۰۰۰۱۴۵۸/ بنده کد ۱۱ هسـتم و ۱۱ سال سابقه دارم؛ آن هم در گردان‌های رزم، همسر بنده هم پرستار بخش کرونا هسـت. لطفاً به فکر انتقال ما باشید؛ از درخواست دادن و گفتن خسته شدم، لطفاً رسیدگی شود.

۰۹۱۳۰۰۰۶۲۲۹/ لطفاً حقوق و دریافتی بـدی آب و هوا را بـرای کارکنان منطقه جنوب بندرعباس بیشتر کنید.

۰۹۱۲۰۰۰۱۶۴۰/ لطفـاً ترتیبـی اتخاذ فرمایید تا سـتون روی خـط در یکی از صفحات اصلی درج شـود، نه در حاشیه صفحات.

صبح صادق: صفحه پاسدار از صفحات اصلی و مختص مسـائل داخلی سـپاه اسـت. لذا سـتون روی خط هم در این صفحه قرار گرفته است.

۰۹۱۸۰۰۰۹۶۱۹/ خدمـت دوسـتان هفته‌نامه صبح صادق یه سـؤال دارم چرا فروشگاه اتکا به شاغلان سپاه گوشی قسطی نمی‌دهد؟ می‌گویند فقط به نیروی انتظامی و ارتش و بازنشسته‌ها تعلق می‌گیرد.

۰۹۱۴۰۰۰۵۳۴۳/ واقعـاً چرا بعد از ۱۳ سال خدمت در بدترین مناطق کردستان هنوز بسـیجیان کد ۸۹ از هیچ مزایایی برخوردار نیستند؟

۰۹۱۴۰۰۰۵۳۴۳/ چرا مسـئولی به فکر همتـراز کـردن فوق‌العاده بسـیجیان با پاسداران نیستند؟

۰۹۱۷۰۰۰۳۷۸۷/ لطفـاً پیگیری کنید، ورودی سـال ۱۳۸۶ هستم، اما هنوز وام مسکن را نگرفته‌ام!!

۰۹۱۳۰۰۰۱۶۸۴/ بعـد از اینکـه چند ماه منتظر افزایش حقـوق بودیم، حقوق شـهریور با صد هزار تومان کاهش واریز شد!

۰۹۹۲۰۰۰۲۸۶۵/ چـرا در نمایندگـی حقـوق کارکنان نسـبت بـه فرماندهی پایین‌تر اسـت؟ فکری به حال ارشدیت تحصیلی کارکنان نمایندگـی بفرمایید خصوصاً کرمان.

۰۹۱۸۰۰۰۴۸۹۴/ مدرک اعمال شـده درحکم استخدام قطعی معیار است، برای سـنوات خدمتی که برای درجه حساب می‌شود یا خیر.

۰۹۱۰۰۰۰۱۰۳۹/ از فرمانده عزیز سـپاه درخواسـت دارم با توجه به تورم فکری برای حقوق و پاداش بازنشستگی کارکنان کنند.

۰۹۱۸۰۰۰۳۸۱۶/ چرا هدیه تولد فرزند در سـال ۱۳۹۹ یک میلیون ابلاغ شده، پرداخت نمی‌شود؟

۰۹۹۰۰۰۰۶۵۴۴/ چند سـال است که تبدیل عضویت بسـیجیان تمام وقت در خوزستان تقریبا نادیده گرفته شده و برای مسئولان مربوطه اهمیت ندارد.

۰۹۱۵۰۰۰۹۵۰۰/ با وجود بیماری کرونا آیا درست است دوره‌های عقیدتی به نقاط دور اعزام شویم؟ امسال حتی‌المقدور در یگان‌ها برگزار شود.

۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
پیامتان را از طریق سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق با ما در میان بگذارید

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمدصالح نادری
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۷۱ | دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹

صبحانه

بد و خوب

جهان همیشه محل خیر و شر، بد و خوب، روشن و تاریک و سیاه و سفید است. اگر بیمار نمی‌شدیم، قدر سلامتی را نمی‌دانستیم. اگر گرسنه نمی‌شدیم، از غذا لذت نمی‌بردیم و اگر جنگ نبود، ارزش صلح و آرامش را نمی‌دانستیم. وجود نیکی و بدی، خیر و شر و سپید و سیاه در نظام هستی ضروری است؛ چراکه با خود قدرشناسی را به دنبال می‌آورد.

صادقانه

وصی خودت باش

پیامبر خدا(ص) به مردی که از آن حضرت تقاضای سفارشی کرد، فرمودند: «هَیِّئْ جِهازَک، و أصلِحْ زادَک، و کُنْ وَصِیَّ نَفسِک؛ فإنّهُ لَیسَ مِن اللّه عِوَضٌ، و لا لِقَولِ اللّه خُلفٌ» بار و بُنه‌ات را آماده ساز و زاد و توشه‌ات را درست کن و وصیّ خودت باش؛ زیرا هیچ چیز جای [ثواب] خدا را نمی‌گیرد و سخن و وعده خداوند خلاف نمی‌شود.

میزان الحکمه، جلد ۱۳

تلخند

فرستاده ترامپ /
در حاشیه مناظره نمایندگان نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، مگسی به مدت ۲ دقیقه بر روی سر مایک پنس نماینده ترامپ نشست! عده‌ای آن را فرستاده ترامپ برای رساندن تقلب به پنس دانستند!/ کارتونیست: بارت ون لیوون از هلند

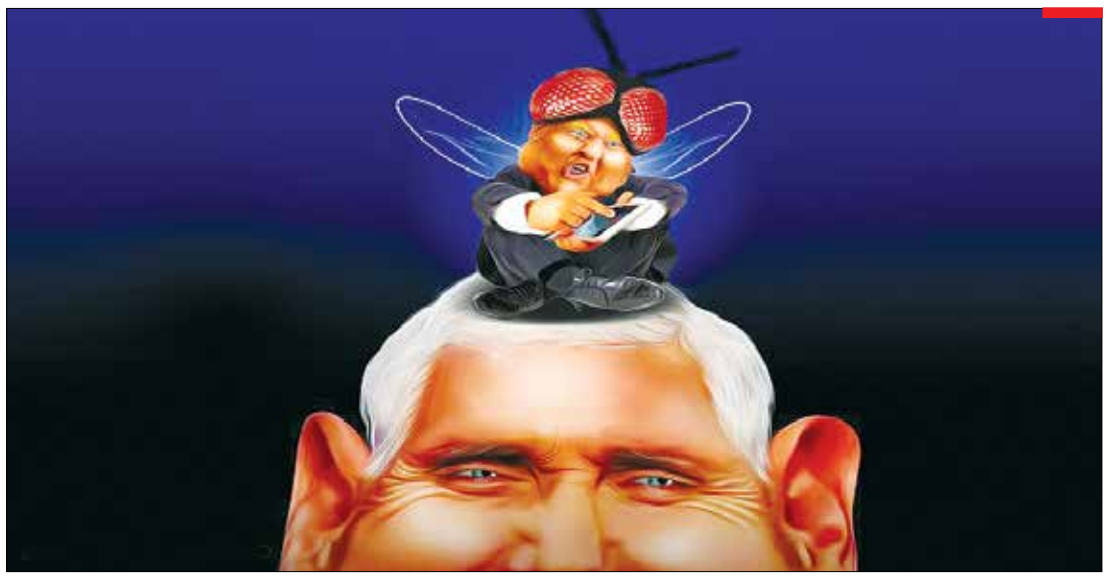

قبیله عشق

امضای سرخ

آخرین روزهای سال ۱۳۶۲ بود که خبر شهادت پدرم به ما رسید؛ بعد از یک هفته عزاداری، مادرم با بستگانش برای برگزاری مراسم یادبود به زادگاه پدرم، خوانسار رفتند و من هم بعد از هفت روز برای اولین بار به مدرسه رفتم. همان روز برنامه امتحانی ثلث دوم را به ما دادند و گفتند: پدرتان باید امضا کنند؛ آن شب با خاطری غمگین و چشمانی اشک‌آلود و با این فکر که چه کسی باید کارنامه مرا امضا کند، بدون اینکه با کسی صحبت کنم از مدرسه به خانه رفتم. در اتاقم به خواب رفتم؛ پدرم را در خواب دیدم که مثل همیشه خندان و پر نشاط بود. بعد از کمی صحبت به من گفت: «زهرا آن کارنامه را بیاور تا امضا کنم.» گفتم: «کدام کارنامه؟» گفت: «همان کارنامه‌ای که امروز در مدرسه به تو دادند.» کارنامه را آوردم؛ اما هر خودکاری که برمی‌داشتم تا به پدرم بدهم قرمز بود، چون می‌دانستم پدرم با خودکار قرمز امضا نمی‌کند. بالاخره یک خودکار آبی پیدا کردم و او شروع کرد به نوشتن! فردا صبح که برای رفتن به مدرسه آماده می‌شدم از خواب دیشب چیزی یادم نبود، اما وقتی داشتم وسایلم را مرتب می‌کردم ناگهان چشمم به آن کارنامه افتاد باورم نمی‌شد، اما حقیقت داشت. در ستون ملاحظات کارنامه دست خط پدرم بود که با رنگ قرمز نوشته بود: «این جانب نظارت دارم سیدمجتبی صالحی» و امضا کرده بود که ناگهان خواب شب گذشته به یادم آمد.

به نقل از دختر شهید

حجت‌الاسلام سیدمجتبی صالحی خوانساری اردیبهشت سال ۱۳۲۳ در خوانسار به دنیا آمد. وی از روحانیون فعال و همراهان نزدیک شهید آیت‌الله سعیدی در دوران قبل از انقلاب بودند. او سرانجام در بهمن سال ۱۳۶۲ درمنطقه جوانرود کردستان به دست کوردلان ضد انقلاب به شهادت رسیدند.

فاطمه‌سادات طلایی

سلامت

چگونه سرما نخورید!

زهرا وحیدی نیا
کارشناس علوم تغذیه

با رسیدن فصل سرما همیشه به دنبال راهی بوده‌ایم که چگونه می‌توان پاییز و زمستان را بدون سرماخوردگی سپری کرد. «روی» یا همان زینک یک انتخاب هوشمندانه برای جلوگیری و حتی کاهش طول مدت و شدت آن است. زینک یک ماده معدنی ارزشمند در افزایش قدرت سیستم ایمنی، ترمیم زخم‌ها، رشد سلول‌ها و موارد بسیار دیگر، نقش حائز اهمیتی دارد. زینک برخلاف مواد معدنی دیگر، ذخایر کمی در بدن دارد؛ بنابراین حتماً هر روز به مقدار کافی منابع زینک را مصرف کنید. غنی‌ترین منابع زینک گوشت قرمز، غلات کامل، شیر و لبنیات، حبوبات از جمله لوبیا و نخود، مغزها، نخودفرنگی و دانه‌ها از جمله تخم کدو است. به طور متوسط آقایان بالای ۱۹ سال روزانه ۱۱ میلی‌گرم و خانم‌های بالای ۱۹ سال روزانه ۸ میلی‌گرم زینک باید دریافت کنند. اگر شما رژیم غذایی متعادلی داشته باشید و از فرآورده‌های حیوانی به مقدار کافی استفاده کنید، زینک کافی را برای بدن خود تأمین کرده‌اید. اگر سرماخوردید قرص زینک باید طی ۲۴ ساعت از اولین علایم و نشانه‌های سرماخوردگی مصرف شود. قبل از استفاده از قرص زینک برای جلوگیری یا کاهش طول سرماخوردگی، با پزشک خود مشورت کنید. برای کسانی که بیماری مزمن زمینه‌ای، نقص ایمنی، آسم و... دارند، استفاده از قرص زینک توصیه نمی‌شود.

جوان

نواهای ناامن

محبوبه ابراهیمی
فعال اجتماعی

پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد، افراد عموماً برای فرار از مشکلات و تنش‌های زندگی، به سمت موسیقی رفته و آرامش را در لابه‌لای نت‌های موسیقی جست‌وجو می‌کنند؛ تجربه هیجان و شادی و رفع خستگی کار و درس، از دیگر عوامل تمایل به موسیقی هستند؛ اما گرایش جوانان، به موسیقی‌های غیرفرهنگی و مغایر با ساختارهای موسیقی بومی، عموماً به دلیل تلاش برای نزدیک شدن به سبک زندگی غربی یا به اصطلاح مدرن بودن صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، گرایش به موسیقی‌های غربی تنها به دلیل لذت از آن یا رهایی از تنش‌های زندگی نبوده و بیشتر با هدف نزدیکی به زندگی غربی یا اروپایی بودن در بین جوانان رواج دارد. این در حالی است که موسیقی هر جامعه، انتقال‌دهنده ارزش‌های آن جامعه به نسل‌هاست؛ اما نسل جوان ما با موسیقی محلی و سنتی که از نمادهای فرهنگی دیارمان است، غریبه بوده و با پناه بردن به موسیقی غیربومی، ناآگاهانه، هویت و ارزش‌های اصیل ملی و دینی را از دست داده و به فرهنگ غربی پناهنده می‌شود. ضمن اینکه مطالعات علمی نشان می‌دهد، این موسیقی‌ها در رتبه و تراز علمی قرار نداشته و از این رو، فاقد ارزش و محتوای سالم بوده و مفاهیم القا شده در آنها، نتیجه‌ای جز بدبینی، افسردگی و ناامیدی به همراه نخواهد داشت. تأثیر موسیقی و ریتم آن بر روحیه و جسم و روان جوانان در پژوهش‌های متعدد بررسی شده و تأثیرات منفی آن به اثبات رسیده است؛ از سویی این هنر، یکی از پرکاربردترین هنرها در بین جوانان است. نقش خانواده‌ها در خلق سرگرمی‌های سودمند و نشاط‌آور و جایگزینی محتواهای پوچ و منفی موسیقی‌های غربی با موسیقی‌های بومی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما بیش از همه خود جوانان، باید بکوشند تا ذهن و روان و جسم خود را از تأثیرات منفی این نواها نجات دهند.

راه نرفته

حفظ تعادل

صدیقه‌سادات شجاعی
مشاور خانواده

پرسش: سلام خانمی ۳۷ ساله‌ام، ۱۲ سال است که ازدواج کرده‌ام، همسرم اگرچه به خوبی به ما رسیدگی می‌کند؛ اما مدام پیگیر کارهای مادرش است که تنها زندگی می‌کند، گاهی او را همراه ما به مسافرت می‌آورد و کارهایش را انجام می‌دهد. این موضوع مرا آزرده کرده، آیا او را کماکان همراهی کنم، یا حس نارضایتی‌ام را ابراز کنم؟

پاسخ: دوست عزیز در این باره توجه به این نکات ضروری است: ۱ـ هیچ گاه همسرتان را بین خودتان و مادرش قرار ندهید. ۲ـ ناراحتی خود را مقابل مادر همسرتان بروز ندهید. ۳ـ از آنجایی که همسرتان رسیدگی خوبی به شما دارد، از این موضوع بهره‌مند شوید و به رابطه شوهرتان با مادرش حساسیت نداشته باشید. ۴ـ از او بخواهید با صحبت در مورد تقسیم کار، وظایف مادر و پسری را بین همه فرزندان تقسیم کند. ۵ـ در صحبت‌های‌تان از فشارهای جسمی و روانی که به همسرتان وارد می‌شود، صحبت به میان بیاورید و بگویید که همیشه نگران سلامتی‌اش هستید. ۶ـ در خلال صحبت از اینکه به مادرش اهمیت می‌دهد، ابراز رضایت کنید، از این بابت که وقتی به مادرش اهمیت می‌دهد حتماً همسرش را هم ارزشمند می‌داند. ۷ـ با زبانی نیکو به همسرتان بگویید که لازم است گاهی بدون مادر به مسافرت بروید و تقسیم زمان کنید. ۸ـ در روابط مادر و پسری دلبستگی با وابستگی متفاوت است. همسر شما دلبسته مادرش است و این هیچ منافاتی با علاقه او به شما ندارد و نشانه سلامت عاطفی اوست. از این موضوع به خوبی یاد کنید و با زبان تشکر روابط‌تان را شیرین‌تر کنید. ۹ـ زمانی که می‌خواهید در رفتار شوهرتان اعتدال ایجاد کنید، حواس‌تان باشد حسادت زنانه باعث نشود به محبت بین آنها حساس شوید و بخواهید کمرنگ شود. ۱۰ـ اعتماد همسرتان را جلب کنید تا در تصمیماتی که در روابط خود با مادرش می‌گیرد، با شما مشورت کند.

حسن ختام

بعد از غدیر

ازسوزِ تب توانی به پیکر نداشتی
فکری به غیر فاطمه در سر نداشتی
بعد از غدیر و توطئه‌هایِ منافقین
دلشوره جز غریبی حیدر نداشتی
می‌خواستی سفارش حقِ علی کنی
امّا چه فایده تو که یاور نداشتی
عمری برای اینکه هدایت شوند خلق
در سینه غیر یک دلِ مضطر نداشتی
وقتی صدایِ فاطمه آمد که سوختم
در عرش می‌شنیدی و باور نداشتی
پنجاه سالِ بعد مشخص شود چرا
از روی سینه، جسمِ حسین بر نداشتی
زینب نیابتاً ز تو بوسید آن گلو
زیرا که تابِ بوسه حنجر نداشتی

قاسم نعمتی

داستان

همدرد

نفیسه محمدی
دبیر گروه جوان

هنوز صحنه دیدن اشک‌های بابا را فراموش نکرده‌ام، همان روزها که تازه پیکر عمو مجید را تحویل‌مان داده بودند. همه ما می‌دانستیم عمو مجید شهید شده، یعنی دوستان و همرزمانش این‌طور گفته بودند. با اینکه «عزیزجان» داغ فرزندش را پذیرفته بود، اما بابا انگار نمی‌توانست باور کند. آن روز که پیکر نحیف و کوچک عمو را تحویل گرفتیم. من هشت ساله بودم، همه‌جا دنبال بابا راه می‌افتادم و همه چیز را به خوبی درک می‌کردم. زودتر از همه من و بابا رسیدیم جلوی گلزار شهدا! پیکر را که تحویل گرفتیم، بابا دیگر نتوانست طاقت بیاورد. روی زمین نشست و های‌های گریه کرد. من هول شده بودم، تابه‌حال گریه یک مرد، آن‌هم بابا را ندیده بودم. وحشت‌زده به اطرافم نگاه می‌کردم، از صدای گریه بابا، از عمویی که بی‌جان بود و دیگر با ما سر شوخی و بازی نداشت و از صدای سنج و طبل، می‌ترسیدم و حتی نمی‌توانستم گریه کنم. به گمانم روزهای آخر ماه صفر بود مثل همین روزها! یادم هست و حتماً تو هم یادت هست که یکی دو ماه بعد از آن اتفاق مریض بودم.

همه آن روزها و اتفاقات را فراموش کردم، یا شاید سعی کردم فراموش کنم، جز یک چیز! بابا را یکی دو نفر از روی زمین بلند کردند، همان لحظه برگشت و پرچم یاحسینی را که دست من بود، بوسید و شعری را با خودش زمزمه کرد. از آن روزها آن تک مصراع خوب به یادم مانده، چون بارها آن را از زبان بابا شنیده بودم. درک درستی از مفهموش نداشتم، اما بزرگ‌تر که شدم خوب فهمیدم منظور بابا چه بوده است. چه روزگار عجیبی است. می‌چرخد و سهم هر کس را دستش می‌دهد و سهم من را هم که داغ تو بود، دستم داد و من سوختم. این سوختنی را که می‌گویم تو اصلاً نمی‌توانی درک کنی، اما اگر بابا بود حتماً می‌فهمید یعنی چه!

سه هفته پیش که تلفن زدی و گفتی دستور بستری خودت را نوشته‌ای و تحویل بیمارستان دادی، با خودم گفتم مگر امکان دارد متخصص ریه نتواند به داد خودش برسد؟ چه فکر ساده‌ی کوچکی داشتم من! بیماری متخصص و غیر متخصص نمی‌شناسد و چه دردناک جلوی چشم من پر پر زدی و تمام! من که برادر بزرگ تو بودم و چه سخت است تحمل این داغ جانفرسا!

از داغی که بر جگر مادرم مانده نمی‌گویم، از دخترت که با دست‌های کوچکش عکست را بغل می‌کند و معصومانه اشک می‌ریزد، حرفی به زبان نمی‌آورم، فقط امروز که بالاخره توانستم سر مزارت بنشینم، آرزو کردم کاش پدر زنده بود. آن وقت بغلش می‌کردم و زیر لب همان مصرع را زمزمه می‌کردم: «غم داغ برادر را، برادر مرده می‌داند...» و با هم اشک می‌ریختیم که من و او خوب درد هم را می‌فهمیم؛ غم داغ برادر را....

حسن ختام

هنوز کوله‌ام را باز نکرده‌ام

آقاجانم، اربعین گذشته و من کوله‌ام را هنوز باز نکرده‌ام. چند باری برای گله و شکایت آمدم جمکران، اما همهٔ حرف‌هایم را نزده خوردم. فقط یک جمله گفتم که بیایید و وساطت کنید تا کربلای ما را هم امضا کنند. راستش آن روز خجالت کشیدم که بگویم این شب‌ها بی‌خوابی به سرم زده. تاب دوری ندارم. دلم غنج می‌زند برای رفتن! رویم نشد که بگویم این اشک‌ها امانم را بریده و نفسم را گرفته است که قطره‌قطره‌اش هرشب سرازیر می‌شود گوشه لبم. نتوانستم بگویم این دل، حرف مغز را نمی‌خواند و مدام می‌گوید که کربلا می‌خواهد.

مولای من! نه من که همهٔ ما همینیم. می‌دانیم که کاری از دست ما برنمی‌آید. می‌فهمیم که این گره، گوشه نگاه شما را می‌خواهد که عطر سیب بیاورد و مسیر کربلا را باز کند. نگاهت را از ما که سر تا پا گناهیم، دریغ نکن!